



روحانی نقاب از چهره برداشت:

مواد مخدر، تروریسم و مهاجر به اروپا صادر خواهیم کرد

● جمهوری اسلامی در این روزها در موقعیتی خطرناکتر از سال‌های قبل از برجام قرار دارد.
 ● اگر در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد این خیال وجود داشت که بر سر کار آمدن دولتی «معتدل» می‌تواند تنش‌ها را کاهش دهد، امروز دیگر از نمایش اعتدال نیز صحنه‌های باقی‌مانده که اجرا نشده باشد و نقاب‌ها از چهره‌های «معتدل» نیز کنار رفته است.



تفسیر سیاسی هفته را در صفحه ۲ بخوانید

نظارت استصوابی حتی در شادی!

شادی، اندوه، خنده، گریه و... همگی واکنش‌های بدیهی و طبیعی موجود زنده به موقعیت‌هایی است که این احساسات را در وی بر می‌انگیزد! آنچه بدیهی و طبیعی نیست این است که افرادی با افکاری، ممنوعیت و کنترل یا تشویق این احساسات را به بخشی از موجودیت عقیدتی و ایدئولوژیک خود تبدیل کنند!

مذاهب و فرقه‌هایی که به بندگانی ترسو و مرعوب نیاز دارند، آنها را از جمله با روضه‌خوانی به گریه تشویق می‌کنند و هر آنچه را سبب شادی شود از جمله موسیقی و رقص و آواز را مکروه، حرام و جرم می‌شمارند. این موضوع برای ایرانیان بسیار آشناست و در شخصیت روباه یا «ملا»ی «شهر قصه» از بیژن مفید نیز به ثبت رسیده است: «گریه کنید مسلمونا گریه ثوابه!» ایدئولوژی‌هایی هم که می‌خواهند خود را موفق و موجب خوشبختی جامعه نشان دهند، به تبلیغ شادی‌های مصنوعی و لبخندهای مصنوعی می‌پردازند. فیلم‌های تبلیغاتی چین در دوران مائو از این دست هستند که بازگراشان در بدترین لحظات نیز لبخند را فراموش نمی‌کنند و قهرمانانش با چهره‌های «شاد» می‌گردند!

واقعیت اما این است که احساسات انسان را ممکن است بتوان با زور و سرکوب برای مدتی به بند کشید، اما طبیعت را نمی‌توان با سیاست و عقیده تغییر داد! در هفته‌های گذشته رقص و شادی دانش‌آموزان یک دبستان که از قرار معلوم به مناسبت روز معلم (روز گذشته شدن مرتضی مطهری) به پایکوبی پرداخته بودند، به یک معضل فرهنگی و اداری و قضائی برای مقامات جمهوری اسلامی تبدیل شد. حالا این مقامات که در انجام وظایف اصلی خود ناکارآمد هستند به دنبال «مجرمان» این رقص و شادی و پخش کلیپ‌های آن در شبکه‌های اجتماعی می‌گردند!

اینکه نظام جمهوری اسلامی ضد هنر و به ویژه ضد موسیقی و رقص و آواز است، بر کسی پوشیده نیست. آیا می‌شود باور کرد که چهل سال است خوانندگان زن حق اجرای کنسرت عمومی در ایران ندارند؟! همین یک مورد به اندازه کافی گویای مناسبات تحمیل شده بر جامعه است. اما اینکه نظام مدعی اقتدار، رقص و آواز کودکان مدارس را خطرناک ارزیابی کند، چیزی جز تأیید شکست محتوم سیاست‌های فرهنگی و تبلیغاتی حکومت نیست.

از سوی دیگر برخی به نوع موسیقی مربوطه در کلیپ این دانش‌آموزان پرداخته‌اند (جنتلمن از ساسی مانکن). باید گفت آزادی بیان و آزادی هنر به همه‌ی شهروندان این اجازه را می‌دهد که در عرصه‌های مورد علاقه‌ی خود ابراز وجود کنند. این ابراز وجود ممکن است با کیفیت، کم کیفیت و بی کیفیت باشد. مخاطبان هم این حق را دارند که آنها را ببینند یا نبینند! مهم این است که «حق انتخاب» وجود داشته باشد! تمام مسئله در جمهوری اسلامی بر سر همین «حق انتخاب» است! اگر قرار باشد در شادی و رقص و موسیقی نیز «نظارت استصوابی» وجود داشته باشد، آنگاه قطعا با سانسور و حذف روبرو هستیم؛ همانگونه که اکنون نیز هستیم!

چاه ویل نظام



اتومبیل‌هایی که پشت سر هم قطار شده و یکی دو کیلومتر صف تشکیل داده‌اند تا بتوانند باک بنزین اتومبیل خود را پر کنند! این تصویر نیست که هفته گذشته بسیاری از شهرهای ایران شاهد آن بودند. مردمی که با شنیدن خبر «سهمیه‌بندی بنزین» به پمپ بنزین‌ها هجوم بردند تا چند ده لیتر بنزین که مصرف تنها چند روز است را بدون سهمیه و احتمالاً ارزانتر از قیمتی که در پیش است خریداری کنند. شاید همین صحنه که هزاران نفر با اتومبیل‌های میلیاردی و چند صد میلیون تومانی ساعت‌ها برای خرید ۶۰ لیتر بنزین ۱۰۰۰ تومانی در صف می‌ایستند گویای وضعیت ناگوار و نادر اقتصاد کشور باشد.

در صفحه ۲

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاه عنكبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خیان) برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و تاکتیک‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. بلافاصله پس از انتشار کتاب و با انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایران در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
 Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
 Super Hornuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
 Ibox Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
 Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
 UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
 Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

روحانیت شیعه، منفورترین قشر اجتماعی در ایران امروز

در صفحه ۱۸

حذف پرسپولیس و استقلال از لیگ قهرمانان آسیا؛ همه واقفیت فوتبال ایران ...

حمله تماشاگران عراقی به بازیکنان ذوب آهن در استادיום کربلا:

در ورزشگاهی که با پول مردم ایران ساخته شده امنیت نداشتیم!

ویلموتس در صدر لیست نامزدهای سرمربی گری تیم ملی

مهدی تاج: مشکل ارزی دلیل تاخیر در استخدام مربی خارجی است

در صفحه ۱۰

کیهان منتشر کرد:

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده

کتاب سقوط بهشت را از تاریخ ۲۳ فوریه تنها از کیهان لندن می‌توان خریداری کرد

قیمت: ۲۵ پوند + هزینه بسته بندی و پست



چاه ویل نظام

به نمایش گذاشتند. این نسل استمرارطلب اما فقط تا جایی حاضر است پیش برود که نظامی که به آن معتقد هستند در خطر قرار نگیرد. از همین رو نیز با در حاشیه قرار گرفتن «سران جنبش سبز» و موضوع حصر آنها، این گروه به سود دولت روحانی، از جمله در گزینش دور دوم ریاست جمهوری وی به فعالیت پرداختند.

برجام به جمهوری اسلامی که مجبور بود با راهکاری فشار تحریم‌ها و انزوای بین‌المللی را خنثی کند نفسی تازه دمید و دولت روحانی و مدافعان اصلاح‌طلب‌اش را دچار توهم «قهرمانی» در «دیپلماسی» کرد! گرهی کار برجام اما نه در کشورهای پنج بعلاوه یک یا دولت ترامپ بلکه در نظام جمهوری اسلامی است. در همان زمانی هم که بخشی از مردم در پایتخت به خیابان آمدند تا برای امضای برجام شادی کنند، کم نبودند ناظرانی که عاقبتی در این توافق پادروا نمی‌دیدند چرا که کوتاه آمدن از برنامه هسته‌ای و لغو تحریم‌ها تنها زمانی می‌توانست به سود مردم و اقتصاد کشور تمام شود که بسترهای لازم سیاسی و اقتصادی فراهم باشد! در همان دو سال برجام تا روی کار آمدن دولت ترامپ هم جمهوری اسلامی نشان داد که به پیشبرد برنامه‌های موشکی و تجهیز شبه‌نظامیان وابسته و گروه‌های مزدور برای سلطه‌جویی در منطقه و دامن زدن به درگیری‌های فرقه‌ای و هژمنه کردن برای تبلیغات مذهبی بیشتر علاقه دارد تا رسیدگی به اقتصاد و مشکلات خود ایران. شواهد برای اثبات این ادعا بسیار است. حالا با اقدامات قاطع و بی‌تعارف دولت ترامپ آن چهره‌ی خندان معتقد به «دیپلماسی» بار دیگر چهره‌ی واقعی خود را نشان می‌دهد. جمهوری اسلامی با ناکارآمدی‌های خود تورم را به بالای ۵۰ درصد و رکود را به منفی ۶ درصد رسانده است. در چنین شرایطی گسترش نارضایتی‌های عمومی هیچ پدیده‌ی عجیب و غریبی نیست. آش سیاست در جمهوری اسلامی که دست‌پخت مشترک همه جناحین‌اش از اصلاح‌طلب و اصولگرا و میانه‌رو و تندرو است، امروز در این «برهه حساس کنونی» انعقد شور شده که صدای «خودی»‌های نظام را نیز درآورده است.

هراس فروپاشی، از نهضت آزادی تا ایمن‌آبادی!

در این میان اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۳۹۶ چنان ضرب شستی به نظام نشان داد که همه وابستگان و دل‌بستگان‌ش برای تخطئه‌ی آن وارد میدان شدند. اما دی‌ماه ۹۶ در اعتراضات صنفی و مدنی ریشه دواند و آنها را تقویت کرد. گروه به اصطلاح ملی - مذهبی نهضت آزادی پس از اعتراضات ۹۶ و در فروردین‌ماه ۱۳۹۷ در بیانیه‌ای با امضای محمد توفلی دبیر کل این حزب با تأکید بر اینکه «فروپاشی ایران نزدیک است» نسبت به «برآمدن توفان‌های ترسناک» هشدار داد. طی سال گذشته نه تنها افراد «خودی» نظام بلکه مسئولان و مقامات نیز درباره سرنوشت نظام خود مرتب هشدار داده و از عاقبت خود کشتی مشترکی که همگی سوار بر آن هستند ابراز نگرانی کرده‌اند. برخی مانند احمد توکلی، نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام تلاش می‌کنند با زدودن سیاهی فساد اقتصادی از چهره نظام، مشروعیت آن را باز گردانند و برخی دیگر چون غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی



از فرصت‌های به دست آمده نه به سود مردم، بلکه برای بهره‌مندی خود و فک و فامیلشان از رانت بیشتر استفاده کرده‌اند! اصرار آنها بر استمرار وضعیت موجود نیز ریشه در حفظ موقعیت اقتصادی و امتیازاتی دارد که در سایه‌ی این نظام به دست آورده‌اند.

برجام، پرده آخر نمایش

در این میان کشور که پس از سال‌ها تحریم در دوران احمدی‌نژاد و ویرانی‌های اقتصادی ناشی از عملکرد ۳۰ ساله جمهوری اسلامی یک بار دیگر به سر درواهی رسیده بود، این بار در برابر بیراهه‌ی دیگری قرار گرفت که به برجام انجامید. دولت روحانی روی کار آورده شد تا با «تدبیر و امید» مجری «ترمش قهرمانانه» علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی شود تا شاید با کاهش تحریم‌ها در ازای عقب‌نشینی اتمی، منابع اقتصادی رژیم ایران ترمیم شود. هر آنچه اما در دولت روحانی و با بذل و بخشش دولت اوپاما به دست آمد بجای اینکه به زخم‌های ملت زده شود، صرف جنگ‌افروزی در مناطق و تأمین شبه‌نظامیان مزدور و برنامه‌های موشکی شد.

همزمان موجی از فعالان سیاسی و روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب که پس از «جنبش سبز» راهی اروپا و آمریکا شدند، برای حفظ موقعیت جناح مورد حمایت خود در داخل کشور، ناخواسته واقعیت سرکوبگر و انحصارطلب جمهوری اسلامی را علنی‌تر و عریان‌تر از سال‌های گذشته

روحانی نقاب از چهره برداشت: مواد مخدر، تروریسم و مهاجر به اروپا صادر خواهیم کرد

- جمهوری اسلامی در این روزها در موقعیتی خطرناکتر از سال‌های قبل از برجام قرار دارد.
- اگر در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد این خیال وجود داشت که بر سر کار آمدن دولتی «معتدل» می‌تواند تنش‌ها را کاهش دهد، امروز دیگر از نمایش اعتدال نیز صحنه‌های باقی نمانده که اجرا نشده باشد و نقاب‌ها از چهره‌های «معتدل» نیز کنار رفته است.

مخدر از طریق ترکیه و بلغارستان به دیگر کشورهای اروپایی.

جنگ‌های نیابتی

آخرین نمونه از حمایت‌های جمهوری اسلامی که نگرانی‌های اروپا را به شدت افزایش داده است، موشک‌باران مناطقی در اسرائیل توسط حماس و جهاد اسلامی است. این اولین بار است که این دو گروه، که هر دو از حمایت مالی و تسلیحاتی جمهوری اسلامی برخوردارند ولی رقیب یکدیگر نیز به حساب می‌آیند، همزمان بیش از ۶۰۰ موشک از نوار غزه به خاک اسرائیل شلیک کرده‌اند. سامانه دفاع موشکی اسرائیل موسوم به «گنبد آهنین» نتوانست تمامی این موشک‌ها را در آسمان غیرفعال کند و بیش از ۴۰۰ موشک در خاک اسرائیل فرود آمد اگرچه تنها ۴۵ موشک به مناطق مسکونی اصابت کرد. در پاسخ به این موشک‌پراکنی، جنگنده‌های اسرائیلی نیز به ۲۴۰ خانه تیمی و پایگاه حماس و جهاد اسلامی حمله بردند. در یکی از این حملات، احمد خضری، صراف‌ی که مسئولیت انتقال پول از جمهوری اسلامی به گروه‌های فلسطینی در غزه را داشت کشته شد.

اخبار نگران‌کننده‌ای نیز در رابطه با امکان درگیری غیرمستقیم بین آمریکا و جمهوری اسلامی به گوش می‌رسد. سفر ناگهانی مایک پمپئو به بغداد، و ملاقات با رئیس جمهور و نخست وزیر این کشور، بنا بر گمانه‌زنی‌های رسانه‌های بین‌المللی گویا دریافت اطلاعات محرمانه‌ای مبنی بر امکان حمله نیروهای حشدالشعبی به یکی از پایگاه‌های آمریکا در عراق بوده است. البته خبری از نتیجه ملاقات‌های وزیر خارجه آمریکا با مقامات نشده دیگری که شبکه تلویزیونی سی‌ان‌ان پخش کرده است، حکایت از مجز ساختن قایق‌های تندرو نیروی دریایی سپاه به موشک‌های کوتاه‌برد دارد.

تضمین شود و درآمد‌های نفتی نیز در دسترس قرار گیرند. البته معاون سیاسی وزارت خارجه تهران ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت را خط قرمزی می‌داند که در صورت وقوع با «پاسخ قاطع و محکم جمهوری اسلامی مواجه خواهد شد».

واکنش اروپا به تهدیدهای جمهوری اسلامی

اروپا اما بلافاصله در بیانیه مشترک کشورهای امضاکننده توافق هسته‌ای (آلمان، فرانسه و بریتانیا) و اتحادیه اروپا ضرب‌الاجل ۶۰ روزه‌ی روحانی را رد کرد و به جمهوری اسلامی توصیه کرد «از دست زدن به هرگونه اقدامی که باعث تشدید مشکلات شود خودداری ورزد». در همین بیانیه که در بروکسل پس از دیدار با هیات اعزامی از تهران منتشر شد، اروپایی‌ها می‌گویند «ما پایبندی ایران به پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (NPT) را بر اساس عمل آن کشور به تعهداتش در چارچوب برجام و این پیمان ارزیابی خواهیم کرد». یک دیپلمات اروپایی به خبرگزاری رویترز می‌گوید «ایران به خوبی می‌داند که اگر مفادی از توافق هسته‌ای را اجرا نکند، چه سرنوشتی خواهد داشت».

اگر وزرای خارجه سه کشور اروپایی امضاکننده برجام و فدریکا موگرینی مقام ارشد سیاست خارجی و امنیت اروپا، با ادبیاتی دیپلماتیک به ضرب‌الاجل حسن روحانی پاسخ دادند، رسانه‌ها اما مواضع اروپا را به زبان روشن‌تری بیان کرده‌اند. روزنامه «فرانکفورتر آنگما» که در آلمان منتشر می‌شود تصمیم جمهوری اسلامی به افزایش غنی‌سازی اورانیوم را «بازی با آتش» خواند و در ادامه نوشت در صورتی که ایران دست به چنین اقدامی بزند «از برجام کاغذپاره‌ای بیش باقی نخواهد ماند». روزنامه اتریشی «استاندارد» در اشاره به وضعیت کنونی یادآوری می‌کند که «اروپا حاضر نیست

حسن روحانی نیز اکنون، مانند دیگر سران جمهوری اسلامی در تمامی چهل سال گذشته، لبخند دروغین را کنار گذاشت، نقاب از چهره برداشت و همراه با اعلام ضرب‌الاجل، زبان تهدید را انتخاب کرد. رئیس جمهوری اسلامی به کشورهای اروپایی بار دیگر هشدار داد به «مصلح آینده» خود بیاندیشند و از سیاست‌های آمریکا و تحریم‌هایش علیه جمهوری اسلامی پیروی نکنند، در غیر این صورت جمهوری اسلامی با کمک تروریست‌ها و قاچاقچیان مواد مخدر و انسان به جنگ آنها خواهد رفت و امنیت‌شان را به خطر خواهد انداخت. روحانی ادعا کرد که تا کنون جمهوری اسلامی با پذیرش مهاجرین و پناهجویان افغان مانع از حرکت «سیل پناهجویان» به اروپا شده است. او اضافه کرد که جمهوری اسلامی «بزرگترین سنگر مبارزه با مواد مخدر» است که تا کنون مانع رسیدنش به بازارهای اروپایی شده است. رئیس دولت «تدبیر و امید» به «نقش کلیدی» جمهوری اسلامی در مبارزه با تروریسم نیز اشاره کرد. تروریسمی که به گفته حسن روحانی اگر جمهوری اسلامی نبود «امروز در پایتخت‌های اروپایی جولان می‌داد». البته این اولین بار نیست که حسن روحانی اروپا را تهدید می‌کند. سال گذشته نیز در جریان کنفرانس رؤسای مجالس ۶ کشور که در تهران برگزار شد گفته بود «تحریم‌ها توانایی ایران برای مقابله با قاچاق مواد مخدر و تروریسم را خدشه‌دار می‌کند» و در ادامه افزوده بود که اروپا نخواهد توانست «از زیر آوار مواد مخدر، بمب‌ها و تروریسم و مهاجرت به سلامت خارج شود».

ضرب‌الاجل حسن روحانی

در ۶۰ روزی که حسن روحانی به اروپا «فرصت» داده است، جمهوری اسلامی برخی از مفاد توافق هسته‌ای را نیز



خودش را برای ایران قربانی کند» و در مقابل متحد دیرینه‌اش آمریکا بایستد. اشاره این رسانه اتریشی به تحریم‌های آمریکاست که در صورت ادامه روابط اقتصادی می‌توانند گریبان کشورها و نهادهای اروپایی را بگیرند.

کشورهای اروپایی اگرچه هنوز نگاهی انتقادی به خروج آمریکا از برجام دارند، ولی حاضر نیستند در مقابل تهدیدها و مهلت‌های جمهوری اسلامی سر خم کنند. ابتدا فرانسه و پس از آن بریتانیا نیز هشدار دادند که اگر جمهوری اسلامی غنی‌سازی اورانیوم را افزایش دهد، با واکنش سخت آنها مواجه خواهد شد. تهدیدهای حسن روحانی تنها دلیل نزدیک شدن مواضع کشورهای اروپایی به آمریکا نیست. فهرست نگرانی‌های اروپا طولانی‌تر است: تهدید به بستن تنگه هرمز، حمایت از شبه‌نظامیان و گروه‌های تروریستی منطقه، عدم تصویب لوایح پالرمو، دست داشتن در عملیات تروریستی در خاک اروپا، مداخله در بحران‌های منطقه، و تسهیل قاچاق مواد

اجرا نخواهد کرد، غنی‌سازی اورانیوم و تولید آب سنگین را ادامه خواهد داد، ولی مازاد آنچه را بر مبنای برجام می‌تواند نگهداری کند به خارج برای فروش نخواهد فرستاد. عباس عراقچی معاون سیاسی وزیر خارجه، صحبت از یازده خواست جمهوری اسلامی از کشورهای اروپایی امضاکننده برجام می‌کند، البته بدون اینکه از این خواست‌ها نامی ببرد.

عباس عراقچی مدعی است که جمهوری اسلامی در حال حاضر قصد خروج از برجام را ندارد، ولی اروپا باید در «یازده حوزه راهکارهای عملیاتی اتخاذ کند». عباس عراقچی در حالی که به گفته خبرگزاری «بلومبرگ» صادرات رسمی نفتی‌اش به صفر رسیده و به صورت غیرقانونی نیز قابلیت فروش کمتر از ۵۰۰ هزار بشکه در روز را دارد، خواهان بازگشت به دوران قبل از خروج آمریکا از برجام شده است. او می‌گوید «پیش از خروج آمریکا از برجام، فروش نفت ما ۲۸ میلیون بشکه در روز بود و باید به همان حالت بازگردد و در همان سطح

مواضع آمریکا و بریتانیا در مورد جمهوری اسلامی ایران نزدیکتر می شود



کنفرانس خبری پمپئو و هانت

● **پمپئو: بطور کامل حواسمان به تهران هست که مطمئن شویم هیچ راهی به سمت اتمی شدن ندارد.**

● **هانت: اگر رژیم ایران برجام را نقض کنند پیامدهایی در زمینه واکنش قدرت‌های اروپایی در پی خواهد داشت.**

وزیر خارجه آمریکا، چهارشنبه هشتم ماه مه (۱۸ اردیبهشت)، بجای سفر به برلین به بغداد و سپس از آنجا به لندن رفت و با وزیر خارجه و نخست وزیر بریتانیا دیدار و گفتگو کرد. مایک پمپئو در کنفرانس خبری مشترک با جرمی هانت گفت، «آمریکا و انگلستان هر دو یک برداشت نسبت به تهدید رژیم ایران دارند و در حال کار نزدیک با یکدیگر هستیم تا راه‌های جدیدی برای همکاری جهت مبارزه با این تهدید پیدا کنیم.»

او در بخشی از این کنفرانس گفت: «هر دو [آمریکا و بریتانیا] در سمت آزادی، دموکراسی، ایجاد کشوری برای همه مردم ایستاده‌ایم. ما هر دو طرفدار این هستیم که کسی در اروپا ترور نشود. ما هر دو طرفدار این هستیم که از حزب‌الله حمایت نشود تا بخواهد امنیت اسرائیل را برهم بزند.» جرمی هانت وزیر خارجه انگلستان نیز گفت، «من و نخست وزیر آنرا [آمریکا] داشتیم. انگلستان و آمریکا به نحو غیرقابل باور از نزدیک با یکدیگر کار می‌کنند تا با اقدامات بی‌ثبات کننده رژیم ایران در خاورمیانه برخورد کنند. ما هر دو موافقیم که رژیم ایران هرگز نباید به سلاح اتمی دست پیدا کند. این موضوع پوشیده‌ای نیست که ما دو

راه مختلف برای رسیدن به این هدف داریم.» وی همچنین اقدامات اخیر رژیم ایران مبنی بر کاهش تعهدات برجامی خود را «ناخوشایند» توصیف کرد و گفت، «رژیم ایران را تشویق می‌کنم که به تعهداتش پایبند بماند.» هانت همچنین گفت، «تحریم‌ها در پاسخ به محدودیت‌های اعمال شده بر برنامه اتمی رژیم ایران برداشته شدند و چنانچه رژیم ایران تعهدات خودش را متوقف کند بطور حتم پیامدهایی خواهد داشت.»

بخشی از کنفرانس خبری دو وزیر خارجه پرسش و پاسخ با خبرنگاران بود. پمپئو در پاسخ به پرسش خبرنگاران در مورد نامه روحانی به سران پنج کشور عضو برجام گفت، «من این نامه را دیده‌ام و به نظرم بطور عمد مبهم نوشته شده، صبر می‌کنیم تا ببینیم واقعا رژیم ایران چه اقدامی خواهد کرد.» وی همچنین عنوان کرد، «ما بطور کامل حواسمان به ایران هست که مطمئن شویم هیچ راهی به سمت اتمی شدن ندارد.»

بخشی از صحبت‌های پمپئو نیز در مورد کانال مالی اینستکس بود که توضیح داد «در مورد آن با آلمان و فرانسه گفتگو شده و طبق تحریم‌ها در مورد خدمات بشردوستانه و نیازهای ضروری قابل استفاده است اما اگر ارتباط از آن بالاتر برود، ممکن است با تحریم مواجه شود، ما به دقت بررسی کرده‌ایم و اگر ببینیم نقض تحریم‌ها صورت می‌گیرد، به آن واکنش نشان می‌دهیم.»

جرمی هانت نیز در پاسخ به ادامه برجام گفت: «توافق اتمی یک معامله بود. رژیم ایران در مقابل برداشته شدن تحریم‌ها تعهداتی داد. اگر آنها این معامله را نقض کنند پیامدهایی در زمینه واکنش قدرت‌های اروپایی در پی خواهد داشت. بنابراین ما زمامداران رژیم ایران را تشویق می‌کنیم که قبل از نقض توافق به درستی فکر کنند و آنها را تشویق می‌کنیم که دوباره در آنچه در نامه گفته‌اند بازبینی کنند.»

وزیر خارجه انگلستان با این تاکید بر دوران حساسی که رژیم ایران در آن قرار گرفته گفت: «اقتصاد آنها به شدت اشفته است. در این شرایط این بدترین چیز برای مردم ایران است که روی پروژه‌های اتمی سرمایه گذاری شود. این کار امنیت آنها را نیز کاهش خواهد داد.»

تراپ: رابطه کیم و من با موشک پرانی سست نخواهد شد



کیم جونگ اون و ترامپ؛ هانوی؛ ۲۷ فوریه ۲۰۱۹

به دنبال پرتاب چند موشک با برد کوتاه از سوی کره شمالی از سواحل شرقی آن کشور در روز شنبه، دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا گفت: کیم جونگ اون رهبر کره شمالی از احساس من به خودش به خوبی آگاه است و می‌داند که من به او علاقه دارم و قرارمدارهای میان ما با موشک پرانی سست نخواهد شد.

او افزود: کیم به من اعتماد دارد و می‌داند به وعده‌ای که به وی داده‌ام عمل خواهم کرد. به او گفته‌ام اقتصاد کره شمالی مستعد پیشرفت و تحول است و قول داده‌ام در شکوفا ساختن آن به وی کمک کنم.

در همین حال یک مقام ارشد کره جنوبی روز شنبه گفت: موشک‌های پرتاب شده بالاستیک نبوده و برد چندانی ندارند.

ترامپ روز شنبه ساعاتی پس از تصمیم پیونگ یانگ برای انجام برنامه نمایشی پرتاب چند موشک با برد کوتاه بعد از نا امید شدن از همکاری رئیس جمهوری آمریکا گفت: توافق‌هایی که بین من و کیم جونگ اون در ویتنام صورت گرفت، حتما اجرا خواهد شد.

در همین حال دفتر رئیس جمهوری کره جنوبی هم اعلام کرد: واشنگتن موشک‌پرانی کره شمالی را با دقت دنبال کرده است. وی افزود: دلیل پرتاب این موشک‌ها نیز شکست مذاکرات طرح غیرهسته‌ای شدن شبه جزیره کره بین ترامپ و کیم در هانوی است.

کوه مین یونگ سخنگوی رئیس جمهوری کره جنوبی نیز گفت: امیدواریم کره شمالی با نگاهی مثبت برای ادامه گفتگوها بین پیونگ یانگ و واشنگتن قدم بردارد.

به گفته کارشناسان سیاسی منطقه دلیل ناخرسندی کیم جونگ اون از دونالد ترامپ، مانع‌تراشی رئیس جمهوری آمریکا برای رسیدن به

توافق با او و هیأت همراهش در هانوی به خصوص در مورد مسائل اقتصادی و وارد کردن مواد خوراکی برای سیر نمودن شکم میلیون‌ها مردم گرسنه و گرفتار در تحریم‌های نفسگیر آمریکاست.

کیم امیدوار بود ترامپ بعد از رسیدن به توافق برای لغو تحریم‌ها در مقابل برچیدن سلاح هسته‌ای و توقف موشک‌پرانی بعد از مذاکرات هانوی راه حل دیگری را پیشنهاد کند. در آن دیدار ترامپ اصرار داشت ابتدا کره شمالی باید برنامه‌های هسته‌ای و موشکی خود را تعطیل کند تا آمریکا تحریم‌ها را از روی شانه پیونگ یانگ بردارد.

اما مشاوران کیم از یک سو و چین و روسیه از سوی دیگر او را قانع کردند که باید کاملا هوشیارانه عمل کند و مراقب باشد روی دست نخورد. اما شاید پکن و مسکو تصور نمی‌کردند به دلیل تحریم‌ها کره شمالی به این سرعت دچار قحطی و مردم آن گرفتار گرسنگی و سوء تغذیه شوند. تا جایی که این هفته دولت پیونگ یانگ اعلام کرد به دلیل پایان یافتن ذخایر مواد اولیه در انبارها، جیره هر فرد ساکن آن

کشور روزانه به ۳۰۰ گرم کاهش می‌یابد. سازمان ملل نیز اعلام کرد: چهار درصد از جمعیت کره شمالی از به علت عدم تغذیه مناسب با مشکل جدی روبرو هستند.

آمریکا صنایع فولاد و صادرات فلزات ایران را تحریم کرد



صادرات ایران در بخش آهن، چدن و فولاد در سال ۹۷ حدود ۲.۹ میلیارد دلار و صادرات مس و فرآورده‌های مسی حدود ۷۰۰ میلیون دلار بود

آمریکا، هشتم ماه مه (۱۸ اردیبهشت)، در سالگرد اعلام خروج این کشور از توافق اتمی (برجام) در بیانیهای که وبسایت کاخ سفید آن را منتشر کرده با اعلام تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی به تلاش‌های خود در یک سال گذشته برای افزایش امنیت ملی در آمریکا با خروج از برجام و اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه رژیم ایران اشاره کرد. ترامپ در این بیانیه می‌گوید، «یک سال قبل من با پایان دادن به مشارکت آمریکا در توافقنامه وحشتناک و یکجانبه اتمی ایران، امنیت ملی کشورمان را به میزان چشمگیری تقویت کردم. تحت توافقنامه اتمی، ایران می‌توانست آزادانه از شبکه‌های تروریستی حمایت کند، نیروی موشکی خود را توسعه دهد، در منطقه درگیری ایجاد کند، شهروندان آمریکایی را ناعادلانه بازداشت کند و در عین حال زیرساخت‌های قوی اتمی خود که همانطور که ما می‌دانیم آرشبو گسترده‌ای برای ساخت سلاح‌های اتمی هستند را حفظ کند. اما با توجه به تصمیمات مهمی که ما اخیرا گرفته‌ایم، خیلی چیزها

می‌تواند تغییر کند. ما موفق شده‌ایم فشار حداکثری و قدرتمندانه‌ای را که قبلا هرگز مشاهده نشده ابر رژیم ایران وارد کنیم و اقدام امروز نیز در راستای افزایش این فشار خواهد بود.» در ادامه این بیانیه آمده، «در ماه گذشته، ایالات متحده اقدامات متعددی برای افزایش کارایی کارزار فشار حداکثری انجام داده است، ما سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به عنوان یک سازمان تروریستی خارجی تعیین کردیم و معافیت خریداران نفت ایران را لغو کردیم و تحریم‌های امروز درآمد ایران از محل صادرات فلزات صنعتی - ۱۰ درصد از صادرات آن - را هدف می‌گیرد و به سایر کشورها هشدار می‌دهد که دادن مجوز برای ورود فولاد و سایر فلزات صادراتی ایران به بنادرشان دیگر تحمل نمی‌شود.»

ترامپ در انتهای این بیانیه با اشاره به ۱۲ شرط آمریکا به عنوان پیش‌شرط مذاکره با جمهوری اسلامی به لزوم تغییرات اساسی در رفتار رژیم ایران تاکید کرده و گفته است که مشتاقانه منتظر است با رهبران ایران دیدار کرده و به یک توافق برسد!

ترامپ می‌گوید که تحریم فلزات ۱۰ درصد از صادرات جمهوری اسلامی را هدف می‌گیرد. ترامپ ابراز امیدواری کرده رژیم ایران چنان تغییر رفتار بدهد که بتوان بارهبران آن دیدار و گفتگو کرد!

به دستور دونالد ترامپ صنایع آهن، فولاد، آلومینیوم و مس ایران به لیست تحریم‌های بلندبالای آمریکا علیه جمهوری اسلامی افزوده شد. دونالد ترامپ رئیس جمهوری

موشک‌های کیم و قول کمک‌های بشردوستانه ترامپ



رهبران دو کره و همسرانشان به سلامتی استحکام دوستی دو کشور می‌نوشند؛ ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۸

اگرچه دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا و مایک پمپئو وزیر خارجه او مدعی شدند موشک‌هایی که کره شمالی در اعتراض به ادامه تحریم‌های واشنگتن بر پیونگ یانگ در چند روز گذشته پرتاب کرده بی‌خطر و به اسباب بازی شبیه بوده است، اما رفتار کره شمالی رئیس جمهوری کره جنوبی را واقعا نگران کرده است و اینکه تصمیم ترامپ برای فرستادن غذا به کره شمالی به اصرار مون جائه این یا علاقه به ادامه دوستی با کیم جونگ اون بوده روشن نیست.

ترامپ روز سه شنبه نزدیک به ۴۰ دقیقه با رئیس جمهوری کره جنوبی برای آرام نمودن کیم جونگ اون و بازگرداندن او به میز مذاکره، گفتگو کرد. اصرار ترامپ و پافشاری او بر اینکه ابتدا این کره شمالی است که باید راکتورهای هسته‌ای و سکوها پرتاب موشک خود را تعطیل کند مداخله چین و روسیه را به دنبال داشت. آنها به کیم قول دادند ترامپ را تشویق به برداشتن تحریم‌ها خواهند کرد.

اما در حالی که رئیس جمهوری آمریکا اصرار داشت مرغ یک پا دارد، کیم در شرایطی که نیمی از مردم کشورش در گرسنگی بسر می‌برند و جیره روزی فقط ۳۰۰ گرم خوراکی برای آنها تعیین شده قید دوستی و ژست‌های صمیمانه را زد و شروع به موشک‌پرانی کرد. ترامپ برای آنکه نگرانی از خشم کیم جونگ اون و مداخله پکن و مسکو را در روابط بین واشنگتن و پیونگ یانگ کاهش دهد گفت: درباره فرستادن کمک‌های بشردوستانه به کره شمالی از هفته پیش با رئیس جمهوری کره جنوبی صحبت کرده بودیم.

به گفته کارشناسان سازمان ملل متحد، امسال گرمای شدید، خشکسالی و سیل بدترین سال از نظر محصولات زراعی در کره شمالی بوده است. ترامپ و کیم جونگ اون سال گذشته دو بار با یکدیگر در سنگاپور و ویتنام

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی
(استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن:

020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-8222 8831
فکس: 020-7760 7160
www.assot.co.uk
Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glenthorne Road Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

اعتراف نمایندگان مجلس به نارضایتی شدید جامعه از «کل مجموعه‌ها»ی نظام؛ خیلی از وزرای دولت بریده‌اند!



اعتراضات گسترده کارگران هفت‌تپه - آبان ۱۳۹۷

تا از این طریق نمایش همیشگی «مشروعیت» خود را به اجرا بگذارد! با این حال اصلاح‌طلبان نیز رویکردی دوپهلوی نسبت به دولت روحانی گرفته‌اند تا آنها نیز از آب گل‌آلود انتخابات استصوابی مجلس ماهی‌های خود را بگیرند. در شرایطی که برخی نمایندگان اصلاح‌طلب از جمله تاجگردون موضعی علیه دولت می‌بافد! این جمله‌ای است که داریوش قنبری نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی و از فعالان اصلاح‌طلب مطرح کرده است. داریوش قنبری گفته است «جناب رقیب دولت را مسئول وضع امروز کشور می‌داند اما می‌خواهد خود را تبرئه و ناجی مردم نشان دهد؛ در واقع قصد دارد از نمد انتقاد کلاه انتخاباتی برای خود بیافد.»

قنبری افزوده است که «مطرح شدن این مسئله که دولت تا کنون انظوری که باید و شاید عملکرد قابل قبولی نداشته است و همین امر باعث می‌شود جناح اصلاح‌طلب که حامی آن است در انتخابات پیش رو با مشکل مواجه شود، تبلیغاتی است که مخالفان دولت مطرح می‌کنند. متأسفانه گاهی دوستان اصلاح‌طلب ما هم در دام این تبلیغات حریف می‌افتند.»

احتمالاً اشاره قنبری به امثال غلامرضا تاجگردون است که خواسته یا ناخواسته واقعیت‌هایی از وضعیت نامطلوب کشور را عنوان و به ناکارآمدی‌های دولت اشاره می‌کند. او که رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس دهم است در یکی از تازه‌ترین واکنش‌های خود با بیان اینکه نمایندگان مجلس وقتی وزرای دولت را درباره مشکلات موجود مورد پرسش قرار می‌دهند پاسخ مناسبی دریافت نمی‌کنند، گفته است که «متأسفانه عدم حساسیت به تورم، به عادت در بین دستگاه‌های اجرایی تبدیل شده و برای آنها آسان است که نرخ تورم افزایش پیدا کند این در حالی است که هر چه این نرخ بالا برود جامعه شکننده‌تر می‌شود.»

خروج آمریکا از برجام یک‌ساله شد و هنوز برجام را آتش زده‌اند!



وقتی زرمه‌های خروج آمریکا از توافق اتمی معروف به برجام آغاز شد و پس از آن از رهبر جمهوری اسلامی تا مقامات لشکری بسیار تهدید کردند که جمله اینکه در مقابل خارج شدن آمریکا از این توافق، آنها یک گام پیشتر

ببندازند. مردم کل مجموعه‌ها را با هم مقصر می‌دانند به نحوی که اکنون جامعه در یک بهت فرو رفته است. او درباره ناکارآمدی سیاست‌های دولت و واکنش احتمالی مجلس شورای اسلامی به این موضوع گفته است «زمانی که خانهای خراب می‌شود، چفت و بست می‌زنند و مانع از تخریب آن می‌شوند تا نگهداری شود. حال دولت را باید ۲ سال ببندازیم و داستان را تشدید کنیم چه اتفاقی می‌افتد؟ خود دولت که مقداری بهم ریخته به‌نظر می‌رسد، دو تا هم ما به فک چپ و راست و شکمش بزیم، چیزی از دولت باقی نمی‌ماند. من هم قبول دارم که دولت در برخی موارد وارفته و در مواردی بهم ریخته است. خیلی از وزرای دولت بریدند و فکر می‌کنم اگر اجازه بدهند که هر کس می‌خواهد استعفا بدهد قول می‌دهم حداقل ۳ یا ۴ چهار نفر دست به قلم نشستند و فقط رویشان نمی‌شود استعفا دهند. چون برخی از وزرا فکر می‌کردند که با گل و بلبل می‌خواهند ریاست کنند و نمی‌دانستند که موضوع چقدر جدی، مهم و حساس است و باید مدیری نشان را چنین روزهایی نشان دهند. حداقل ۲ دستگاهی که مطمئن تعطیل‌اند و کاری انجام نمی‌دهند.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی درباره صافی شورای نگهبان و حذف استصوابی پیش‌بینی کرده که «رویکرد شورای نگهبان ملایم‌تر خواهد بود» و به نتیجه افراد بیشتری می‌توانند برای یازدهمین دور انتخابات مجلس شورای اسلامی نامزد شوند! ولی توضیح نداده که «فردا بیشتر» ممکن است چه کاری بتوانند در این چارچوب انجام دهند که افراد کنونی و قبلی نتوانسته‌اند!

البته موضوعی که جعفرزاده ایمن‌آبادی درباره «رویکرد ملایم‌تر» شورای نگهبان مطرح کرده چندان دور از ذهن نیست و اساساً جمهوری اسلامی از انتخابات استصوابی هم برای ریاست جمهوری و هم برای مجلس شورای اسلامی به عنوان وسیله‌ای جهت تزیین شور و هیجان به جامعه استفاده می‌کند

● رئیس «فراکسیون مستقلین» مجلس شورای اسلامی: حداقل ۳ یا ۴ چهار وزیر دست به قلم نشستند و فقط رویشان نمی‌شود استعفا دهند. حداقل دو دستگاه تعطیل‌اند و کاری انجام نمی‌دهند!

● جعفرزاده ایمن‌آبادی: مردم کل مجموعه‌ها را با هم مقصر می‌دانند به نحوی که اکنون جامعه در یک بهت فرو رفته است.

یک نماینده مجلس شورای اسلامی می‌گوید «نارضایتی شدید در جامعه را از همه ارکان نظام حس می‌کنیم» و معتقد است «خیلی از وزرای دولت بریده‌اند.» با اینکه هنوز بیش از ده ماه به انتخابات استصوابی یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی که قرار است اسفندماه ۹۸ برگزار شود مانده، جریان‌های سیاسی نظام با موضوع «مردم‌پسندانه» و به امید کسب رأی خود را آماده می‌کنند و در این راه از بیان مشکلات و افشای ناکارآمدی‌های یکدیگر و همچنین هیچ پروایی ندارند. از جمله غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی نایب رئیس فراکسیون مستقلین و نماینده رشت در مجلس شورای اسلامی در گفتگویی با روزنامه آرمان گفته است «آنچه از شرایط جامعه استنباط می‌شود اینکه نوعی نارضایتی شدید را از همه ارکان نظام در جامعه لمس می‌کنیم و به نوعی مردم احساس می‌کنند که کسی به فکر آنها نیست و فراموش شده‌اند. حال این احساس درست است یا غلط باید تدبیری برای آن صورت گیرد، اما مردم فکر می‌کنند که اساساً رها شده‌اند و هرچه قول، فعل و وعده داده می‌شود مردم نتیجه عکس آن را می‌بینند.» این نماینده مجلس شورای اسلامی معتقد است برخی از مشکلات موجود مانند توزیع ارقام اساسی مثل گوشت، سقوط ارزش پول ملی، افزایش قیمت دلار و افزایش قیمت متوسیل اصلاً جاری توجه ندارد و موجب شده مردم ناراحت باشند و همه را مقصر بدانند. جعفرزاده ایمن‌آبادی در ادامه افزوده است که شرایط در جامعه طوریست که دیگر نمی‌شود «دولتی‌ها بگویند مجلس و مجلس بگوید دولت و به این طریق توپ را در زمین یکدیگر

تشدید درگیری‌های درونی نظام: نامه توکلی به رئیسی برای بررسی پرونده دولتمردان مجرم!



● احمد توکلی: وظیفه‌ای که بر زمین بماند و انجام نشود نیز جرم است. این راهبرد باب تازه‌ای را برای تعقیب مسئولان بی‌صلاحیت و مجازات مجرمان از این دسته گشوده است.

● تشدید بحران در سیاست خارجی، عمیق‌تر شدن بحران اقتصادی و گسترش نارضایتی عمومی موجب شده است درگیری و صف‌بندی میان جناح‌ها و شخصیت‌های مختلف جمهوری اسلامی بیش از پیش تشدید و علنی شود.

توکلی افزوده که «اتهام آنان دقیقاً همانهاست که شما آن اتهامات را قابل تعقیب شناخته‌اید، گرچه تعقیب برخی از متهمان مانند آقایان سیف، پوری حسینی و خالدی آغاز شده است، ظاهراً با بقیه برخورد نکرده‌اند و یا اگر هم انجام شده باشد، هیچ خبری از خسارت‌های ناشی از قانون‌شکنی یا ترک وظایف به مردم داده نشده است.» این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در ادامه با یادآوری سخنان خامنه‌ای که گفته بود «کسی مثلاً ارز دریافتی را از کشور خارج ساخته با تعقیب روبرو می‌شود در حالی که به دهندگان ارز و سکه کاری ندارید، او مقصرت‌تر از گیرنده ارز و سکه است» نوشته است «ولی با تأسف باید گفت تا اینجای کار آنان که در دریافت ارز تقصیر کرده‌اند بر سر دار رفته‌اند و آنان که تقصیر بزرگتر را مرتکب گشته‌اند، بر سر کار مانده‌اند!»

توکلی افزوده است: «در همین رسیدگی به پرونده مؤسسات غیرقانونی مورد تأیید بانک مرکزی به گفته خود بانک چند ده هزار میلیارد تومان از منابع بانک مرکزی خرج شده است، ولی همین رقم را به درستی و رسمی اعلام نمی‌کنند.» او تأکید کرده است: «بانک مرکزی در نهایت پنهانکاری تقریباً هیچ اطلاعاتی به مقدار و به‌موقع به سپرده‌گذارانی که چوب اعتماد به بانک مرکزی را خورده‌اند نمی‌داد و نمی‌دهد. جرائمی که مقامات و مسئولان بانک مرکزی در ریاست کلی دو رئیس سابق مرتکب گشته‌اند، بین و بسیار خسارت‌بار بوده است.» در پایان این نامه نیز ۸ مورد از موارد «جرم» مقامات دولتی مطرح شده که به شرح زیر است: عبدالله پوری حسینی رئیس سازمان

توکلی افزوده که شما آن اتهامات را قابل تعقیب شناخته‌اید، گرچه تعقیب برخی از متهمان مانند آقایان سیف، پوری حسینی و خالدی آغاز شده است، ظاهراً با بقیه برخورد نکرده‌اند و یا اگر هم انجام شده باشد، هیچ خبری از خسارت‌های ناشی از قانون‌شکنی یا ترک وظایف به مردم داده نشده است. این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در ادامه با یادآوری سخنان خامنه‌ای که گفته بود «کسی مثلاً ارز دریافتی را از کشور خارج ساخته با تعقیب روبرو می‌شود در حالی که به دهندگان ارز و سکه کاری ندارید، او مقصرت‌تر از گیرنده ارز و سکه است» نوشته است «ولی با تأسف باید گفت تا اینجای کار آنان که در دریافت ارز تقصیر کرده‌اند بر سر دار رفته‌اند و آنان که تقصیر بزرگتر را مرتکب گشته‌اند، بر سر کار مانده‌اند!»

اطلاعیه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی آموزگاران درباره حمله به تجمع روز معلم

متن کامل اطلاعیه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران به شرح زیر است:

«فرهنگیان عزیز! ضمن سیاست از همراهی شما در تجمع روز معلم، به اطلاع می‌رساند تجمع روز پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت در پاسخ به فراخوان شورای هماهنگی در ده‌ها شهر برگزار شد، این فراخوان در اعتراض به وضعیت موجود در آموزش و پرورش و همچنین مشکلات معیشتی بود. در روزهای قبل از تجمع حراست‌ها آمده است که «در شهر تهران نیروهای امنیتی و لباس شخصی‌ها با حمله به تجمع‌کنندگان حداقل نه نفر را بازداشت نموده‌اند افراد بازداشت‌شده متأسفانه به شکلی غیرانسانی و همراه با خشونت دستگیر و روانه بازداشتگاه گیشا شدند. در این حمله غیرانسانی، آقای محمدتقی فلاحی دبیر کل کانون فرهنگیان تهران، آقای رسول بدایقی بازرگان کانون فرهنگیان تهران و پروین صالحی، شهپر بامداد، نرزه نستانی و آقای

پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت با تجمع مقابل سازمان آموزش و پرورش به مشکلات معیشتی و حقوق ناعادلانه خود اعتراض کردند و خواستار آزادی همکاران زندانی‌شان شدند. در تهران نیز صدها آموزگار مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند اما این تجمع با حمله مأموران امنیتی و پلیس ضد شورش و نیروی انتظامی روبرو شد و تعدادی از آموزگاران بازداشت شدند. در اطلاعیه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران آمده است که «در شهر تهران نیروهای امنیتی و لباس شخصی‌ها با حمله به تجمع‌کنندگان حداقل نه نفر را بازداشت نموده‌اند افراد بازداشت‌شده متأسفانه بصورت غیرانسانی و همراه با خشونت دستگیر و روانه بازداشتگاه گیشا شدند.» بر اساس اطلاعیه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران رسول بدایقی و محمدتقی فلاحی و دو آموزگار زن همچنان در زندان به سر می‌برند که از محل نگهداری و نهاد بازداشت‌کننده محمدتقی فلاحی و دو آموزگار زن اطلاعی در دست نیست. رسول بدایقی نیز به زندان بزرگ تهران معروف به زندان فشافویه منتقل شده است.

● رسول بدایقی به زندان تهران بزرگ معروف به زندان فشافویه منتقل شده و برای او حکم وثیقه ۴۰۰ میلیونی صادر شده است.

● از محل نگهداری و نهاد بازداشت‌کننده محمدتقی فلاحی و دو آموزگار زن خبری در دست نیست.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی آموزگاران ایران با انتشار اطلاعیه‌ای حمله به تجمع آموزگاران در روز معلم در محکوم کرد.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی آموزگاران ایران در این بیانیه از بازداشت دست‌کم ۹ نفر در تجمع روز معلم در تهران که پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت‌ماه برگزار شد خبر داده است.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی آموزگاران ایران پیشتر در فراخوانی از آموزگاران سراسر ایران خواسته بود روز پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت و به مناسبت روز معلم در ایران مقابل سازمان آموزش و پرورش شهر خود تجمع کرده و خواستار پاسخگویی دولت به مطالبات آموزگاران شوند.

آموزگاران در ده‌ها شهر ایران روز

عدم همکاری یک بیمارستان خصوصی برای درمان داریوش مهرجویی



و هم‌جانبه هستند و سال‌هاست که وزارت ارشاد وعده‌های توخالی و پوچی برای تحت پوشش درمانی قرار دادن آنها می‌دهد. داریوش مهرجویی کارگردان فیلم‌های «گاو»، «هامون» و «پری» یکی سینماگران منتقد به وزارت بهداشت در جریان مرگ عباس کیارستمی بود و در مراسم یادبود این سینماگر جهانی ایران، پزشکان معالج این فیلمساز را به سهل‌انگاری و کوتاهی در درمان متهم کرد. این پرونده قضایی با وجود ابهامات فراوان مختومه اعلام شد. وضعیت بیمه درمانی هنرمندان و نواقص آن همواره مورد اعتراض صنوف مختلف هنری و ارسال نامه‌های اعتراض به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده ولی تا کنون هیچ تغییری در این روند صورت نگرفته است.

این در حالیست که حسین سیدزاده مدیرعامل صندوق اعتباری هنر به عنوان مرجع رسیدگی به بیمه درمانی هنرمندان کشور، ۱۴ اسفندماه ۹۷، بر عملکرد مثبت این نهاد تاکید داشته و ادعا کرده که در سال ۹۷، ۵ هزار نفر به مجموع هنرمندان تحت پوشش بیمه این صندوق در آمدند که ۲ هزار نفر از آنها در اسفندماه سال جاری به سازمان تامین اجتماعی معرفی شدند. به گفته وی، ۴۲ هزار نفر هنرمند با بودجه این صندوق، در حال حاضر تحت پوشش بیمه هستند. آنگونه که سیدزاده شرح داده، ۲۲ هزار نفر از هنرمندان تحت پوشش بیمه تکمیلی سرمد هستند که «یارانه ۵۰ درصدی

برای این مسئله به آنها اختصاص داده شده است». صندوق اعتباری هنر از فروردین ماه سال ۸۳ برای ارائه خدمات بیمه تامین اجتماعی، بیمه تکمیلی و تسهیلات مالی به هنرمندان راه‌اندازی شد ولی با وجود بالا رفتن مبلغ سهم هنرمندان، وزارت ارشاد سهم خود از بیمه را پرداخت نمی‌کند و در نتیجه شرکت‌های بیمه‌گذار نیز از ارائه خدمات بیمه به هنرمندان خودداری می‌کنند یا آن را به تعویض می‌اندازند. حتی شایعاتی مبنی بر بدهی ۶۰ میلیارد تومانی این صندوق به بیمه وجود دارد که با افزایش حق بیمه هنرمندان در حال پرداخت شدن است ولی سیدزاده مدیرکل صندوق اعتباری هنر هنرمندان آن را تکذیب می‌کند. شهرام گیل آبادی مدیرعامل خانه

تئاتر پیشتر در این باره گفته بود که «بحث ما سهم بیمه‌ای است که باید وزارت ارشاد برای هنرمندان پرداخت کند. در این راستا صندوق اعتباری هنر به گونه‌ای نماینده وزارت ارشاد برای پرداخت محسوب می‌شود. اما ارشاد گرفتار کمبود بودجه است و ظاهراً سهم خود را پرداخت نمی‌کند». گیل‌آبادی به روزنامه رسالت گفته بود: «بیمه هنرمندان به صورت کامل خویش فرامست و حتی امکاناتش از خویش فرمای انفرادی هم بسیار کمتر است. به نظرم با توجه به وضعیت فعلی اگر هنرمندان برای بیمه خویش‌فرما اقدام کنند، به صرفه‌تر است تا اینکه از بیمه هنرمندان استفاده کنند!»

● منابع داخلی می‌گویند این موضوع با دخالت برخی فیصله پیدا می‌کند ولی در نهایت مهرجویی مجبور می‌شود تا درمانش را در بیمارستان دیگری پیگیری کند!

● وزارت ارشاد به دلیل کمبود بودجه از پرداخت سهم خود به شرکت‌های بیمه خودداری کرده و در نتیجه شرکت‌های بیمه به هنرمندان خدمات شان را با محدودیت‌هایی ارائه می‌کنند.

داریوش مهرجویی فیلمساز موج نو سینمای ایران در جریان روند درمانش به دلیل بی‌اعتبار بودن بیمه درمانی، مجبور به ادامه درمان در بیمارستان دیگری می‌شود!

وی که قصد استفاده از بیمه تکمیلی را در یکی از بیمارستان‌های خصوصی داشته، پس از اطلاع بیمارستان از عدم اعتبار این بیمه، مجبور به ادامه روند درمان در بیمارستان دیگری می‌شود!

داریوش مهرجویی فیلمساز موج نو سینمای ایران و صاحب مدال شوالیه فرهنگ و هنر کشور فرانسه، در سن ۷۹ سالگی پس از سال‌های طولانی کار و فعالیت در عرصه سینما، فاقد بیمه درمانی معتبر و مناسب است.

● به گفته وکیل مدافع مهناز افشار، «به نیابت قضایی، پرونده به دادسرای فرهنگ و رسانه ارسال شده است.»

● گفته می‌شود این بازبگر سینما به دلیل تابعیت آلمانی همسرش، اکنون در این کشور بسر می‌برد.

● وکیل مدافع مهناز افشار می‌گوید موکلش خارج از کشور است و وقتی برگردد در مرجع قضایی حاضر خواهد شد. برخی منابع داخلی می‌گویند افشار در کشور آلمان بسر می‌برد.

عبدالصمد خرمشاهی وکیل مدافع مهناز افشار بازیگر سینما امروز جمعه ۱۳ اردیبهشت‌ماه به ایسا گفت که موکلش در حال حاضر خارج از ایران است و به محض بازگشت به ایران «در مرجع قضایی مربوطه» حاضر خواهد شد.

گفته می‌شود این بازیگر سینما به دلیل تابعیت آلمانی همسرش، اکنون در این کشور بسر می‌برد. مهناز افشار روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت‌ماه به دلیل شکایت یک طلبه مازندرانی علیه وی با موارد اتهامی «تشویش اذهان عمومی» و «انتشار اکاذیب به وسیله سامانه رایانه‌ای و فضای مجازی» به شعبه سوم دادسرای بابل احضار شد. به گفته خرمشاهی، «به نیابت قضایی، این پرونده به دادسرای فرهنگ و رسانه ارسال شده است.»

عبدالصمد خرمشاهی وکیل مدافع این بازیگر توضیحاتی گفته که موکلش «اصلاً فکر نمی‌کرده که اتهامی متوجه او باشد و مشکلی ایجاد کند و به محض اینکه به ایران برگردد در اولین فرصت در مرجع قضایی مربوطه حاضر خواهد شد.»

وی درباره صدور حکم احضار و جلب موکلش گفت: «تابع مقررات آیین دادرسی کیفری هستیم و باید این مقررات اجرا شود. ابتدا باید احضار باشد و اکنون هم که موکل در ایران نیست و برگردد حتماً توضیح خواهد داد.»

غفار دریایی طلبه مازندرانی به واسطه بازنشر توییت «جولی» (با استفاده از عکس وی)، توسط مهناز افشار، از این بازیگر شکایت کرده و مدعی شده که وی درباره صیغه زنان و حشدالشعبی هرگز چیزی ننوشته است.

برخی حزب‌اللهی‌ها و نیروهای انقلابی در توییت، مهناز افشار را به واسطه بازنشر این توییت در کشته شدن طلبه همدانی مقصر می‌خوانند.

وکیل مدافع مهناز افشار: موکلم خارج کشور است!



● به گفته وکیل مدافع مهناز افشار، «به نیابت قضایی، پرونده به دادسرای فرهنگ و رسانه ارسال شده است.»

● گفته می‌شود این بازبگر سینما به دلیل تابعیت آلمانی همسرش، اکنون در این کشور بسر می‌برد.

● وکیل مدافع مهناز افشار می‌گوید موکلش خارج از کشور است و وقتی برگردد در مرجع قضایی حاضر خواهد شد. برخی منابع داخلی می‌گویند افشار در کشور آلمان بسر می‌برد.

عبدالصمد خرمشاهی وکیل مدافع مهناز افشار بازیگر سینما امروز جمعه ۱۳ اردیبهشت‌ماه به ایسا گفت که موکلش در حال حاضر خارج از ایران است و به محض بازگشت به ایران «در مرجع قضایی مربوطه» حاضر خواهد شد.

گفته می‌شود این بازیگر سینما به دلیل تابعیت آلمانی همسرش، اکنون در این کشور بسر می‌برد. مهناز افشار روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت‌ماه به دلیل شکایت یک طلبه مازندرانی علیه وی با موارد اتهامی «تشویش اذهان عمومی» و «انتشار اکاذیب به وسیله سامانه رایانه‌ای و فضای مجازی» به شعبه سوم دادسرای بابل احضار شد. به گفته خرمشاهی، «به نیابت قضایی، این پرونده به دادسرای فرهنگ و رسانه ارسال شده است.»

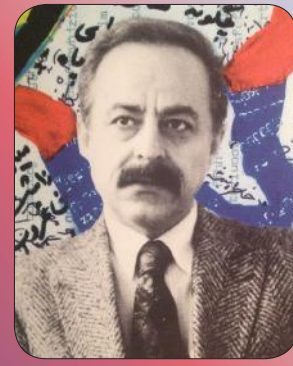
عبدالصمد خرمشاهی وکیل مدافع این بازیگر توضیحاتی گفته که موکلش «اصلاً فکر نمی‌کرده که اتهامی متوجه او باشد و مشکلی ایجاد کند و به محض اینکه به ایران برگردد در اولین فرصت در مرجع قضایی مربوطه حاضر خواهد شد.»

وی درباره صدور حکم احضار و جلب موکلش گفت: «تابع مقررات آیین دادرسی کیفری هستیم و باید این مقررات اجرا شود. ابتدا باید احضار باشد و اکنون هم که موکل در ایران نیست و برگردد حتماً توضیح خواهد داد.»

غفار دریایی طلبه مازندرانی به واسطه بازنشر توییت «جولی» (با استفاده از عکس وی)، توسط مهناز افشار، از این بازیگر شکایت کرده و مدعی شده که وی درباره صیغه زنان و حشدالشعبی هرگز چیزی ننوشته است.

برخی حزب‌اللهی‌ها و نیروهای انقلابی در توییت، مهناز افشار را به واسطه بازنشر این توییت در کشته شدن طلبه همدانی مقصر می‌خوانند.

عشق اگر خسته نیست، راه دلم بسته نیست



(رضا مقصدی)

عشق، اگر خسته نیست راه دلم بسته نیست. زخمه به جانم بزن! مُطربِ مهتابی‌ام، باز بیا و ببین تا به کجا عاشق عاطفه‌ی آبی‌ام ...

پخش سریال معروف و محبوب و پربیننده‌ی «بازی تاج و تخت» در کافی‌شاپ‌های تهران ممنوع شد!



شخصیت محوری «جان اسنو» در بیلبورد تبلیغاتی «بازی تاج و تخت» که از سطح شهر جمع‌آوری شد

ما مجاز به پخش فیلم و سریال در فضای کافی‌شاپ نیستند.

پخش برنامه‌های پر طرفداری چون مسابقات ورزشی و فوتبال، در رستوران‌ها و کافی‌شاپ‌ها در ایران همواره با ممنوعیت‌ها و محدودیت‌هایی مواجه بوده است. در جریان جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ روسیه نیز حسین رحیمی فرمانده نیروی انتظامی تهران پخش مسابقات فوتبال در کافی‌شاپ‌ها و قهوه‌خانه‌ها را غیرقانونی خوانده و گفته بود که این مراکز اجازه نمایش بازی‌های فوتبال را ندارند. اما در نهایت، مجوز پخش مسابقات جام جهانی فوتبال به برخی از کافی‌شاپ‌ها در تهران داده شد.

از سوی دیگر، به نظر می‌رسد سریال «بازی تاج و تخت» در میان جناح‌ها و وابستگان جمهوری اسلامی نیز مخالفان خود را دارد. چنانکه سال گذشته، نصب بیلبورد تبلیغاتی سریال «بازی تاج و تخت» توسط کمپانی «فیلمو» زیر نظر وسایت «آپارات» در بزرگراه و خیابان‌های تهران، با واکنش‌های منفی رسانه‌های حزب‌اللهی مواجه شد و در نهایت از سطح شهر جمع‌آوری گشت.

وسایت مشرق نیوز از جمله رسانه‌های منتقد به این بیلبورد نوشت که این کمپانی در تبلیغات هرینگتون بازیگر نقش محبوب جان اسنو، تصویر «یک حرامزاده» را در سطح شهر تهران پخش کرده است! نویسنده این مقاله که خود گویا سریال «بازی تاج و تخت» را دیده، نوشته بود که «کمپانی زیرمجموعه آپارات در ارائه تبلیغات و بیلبوردهای شهری از تصاویر سریالی استفاده می‌کند که بنیان داستانی‌اش با زناى برادر و خواهر شکل می‌گیرد.»

● تبلیغات شهری سریال «بازی تاج و تخت» در تهران با انتقادهایی مواجه شد و در نهایت از سطح شهر جمع شد.

در پی پخش آخرین سری سریال پرطرفدار «بازی تاج و تخت» در برخی کافی‌شاپ‌ها در تهران، رئیس اتحادیه کافی‌شاپ‌های تهران این اقدام را غیرقانونی خوانده است. منابع داخلی می‌گویند همزمان با آغاز پخش سری آخر سریال «بازی تاج و تخت» در شبکه‌ای او آمریکا، برخی از کافی‌شاپ‌ها در تهران برای مشتری‌هایشان این سریال را پخش می‌کنند. این سریال معروف در ایران نیز طرفداران بسیاری دارد که مشتاقانه آن را دنبال می‌کنند.

خبرگزاری تسنیم نوشته که طی دو هفته اخیر، برخی از کافی‌شاپ‌های پایتخت، علاوه بر تبلیغ پخش قسمت‌های جدید این سریال، هر شب قسمت‌های قبلی این سریال را هم به نمایش می‌گذارند و در تبلیغات خود برای جذب مشتریان، اقدام به پخش این سریال می‌کنند. این خبرگزاری به سراغ رئیس اتحادیه آمبویه، بستنی و کافی‌شاپ تهران رفته و درباره غیرقانونی بودن پخش این سریال جويا شده. اسکندر آزموه رئیس صنف کافی‌شاپ‌های تهران در پاسخ گفته که «بر اساس قانون فعالیت صنفی کافی‌شاپ‌ها، پخش فیلم در کافی‌شاپ‌ها غیرقانونی است و فعالیت کافی‌شاپ‌ها شابهتی با فعالیت سینما ندارد.»

به گفته وی، «پخش این سریال در کافی‌شاپ‌ها قطعاً با فعالیت صنفی این واحدها مغایرت دارد و همکاران



Richard Bulet 2014



Tahmineh Milani 2018 (Detail)

کپی‌کاری تهمینه میلانی تایید شد

● گالری «آریانا» به دلیل عدم توجه به اصالت آثار به نمایش گذاشته شده در این گالری، تذکر گرفت.

● میلانی برای دو بار پیاپی در نمایشگاه نقاشی‌اش دست به کپی‌برداری زد.

● شکایت از میلانی به عهده صاحبان آثار کپی‌شده واگذار شده است.

شورای نظارت و ارزیابی فعالیت نگارخانه‌ها بطور تلویحی کپی‌برداری تهمینه میلانی کارگردان سینما در نمایشگاه اخیرش را تایید و به گالری «آریانا» برگزارکننده این نمایشگاه به دلیل عدم تشخیص اصالت و کیفیت آثار تذکر داد. این شورا شکایت از میلانی را در اختیار تصمیم‌سازان دانسته است.

در حالی که پیشتر تهمینه میلانی کارگردان سینما، هدف از ادعای کپی‌کاری تابلوهایش را «ترویج شخصیت» اش دانسته بود، شورای نظارت و ارزیابی نگارخانه‌ها، تابلوهای نمایشگاه «آن دیگری» در گالری آریانا را نیز بطور تلویحی «کپی» اعلام کرد. آنگونه که خبرگزاری مهر گزارش کرده، شورای نظارت و ارزیابی نگارخانه‌ها

تذکر کتبی به او داده و در پرونده گالری مذکور درج خواهد شد. شورای نظارت و ارزیابی فعالیت نگارخانه‌ها از مدیران گالری‌ها درخواست کرد تا در «تشخیص اصالت و کیفیت آثار»، «قواعد حرفه‌ای و هنری» را رعایت و دقت عمل بیشتری به کار ببرند «زیرا که تأثیر یک بی‌دقتی و اشتباه، بازخوردهایی را از جمله بی‌اعتمادی جامعه هنری به یک گالری خاص و حاشیه‌سازی در عرصه هنرهای تجسمی را در پی خواهد داشت.»

تهمینه میلانی نقاشی بسیار دو نمایشگاه نقاشی بی‌پای خود، متهم به کپی‌برداری از آثار هنرمندان سرشناس و ناشناس شده و نمایشگاه‌هایش با حواشی متعددی روبرو بوده. میلانی در واکنش به تداوم این کپی‌ها اعلام کرده که «از همه چیز و همه کس الهام می‌گیرم!» این کارگردان سینما تا زمان انتشار این گزارش به رأی شورای نظارت سابقه پیشین گالری، با رعایت تخفیف، بر نگارخانه‌ها واکنشی نشان نداده است.

«تعزیه سر قبر خالی»؛ اصرار «خانم هاویشام» به حفظ برجام!



یکی از دیدارهای جان کری و محمدجواد ظریف در جریان مذاکرات اتمی

برخی دیگر خروج مرحله‌ای از برجرام و یا «تجدید نظر در اجرای برجرام» را توصیه می‌کنند. اما هیچکدام توضیح نمی‌دهند که این اقدامات چه تأثیری بر سیاست اروپا و آمریکا داشته؟! بلکه برعکس؛ هر کدام از این اقدامات سیاست‌های اروپا و آمریکا را بیشتر بهم نزدیک کرده و علیه خود جمهوری اسلامی عمل خواهد کرد.

آمریکا: به شرط اجرای ۱۲ اصل

وزیر خارجه آمریکا در واکنش به خبر احتمال خارج شدن جمهوری اسلامی از بخش‌هایی از برجرام در روزهای آینده با خونسردی یادآوری کرده که «آنها در دو سال گذشته خیلی تهدیدها کرده‌اند.»

به گزارش تقاطع، مایک پمپئو در فنلاند به خبرنگاران گفته است: «تلاش ما این است که ایران مانند یک کشور نرمال رفتار کند. ما ۱۲ اصل روی میز گذاشته‌ایم که هر کدام از آن ۱۲ اصل مطابق با آنچه‌ای است که ما از هر کشور دیگری در جهان می‌خواهیم تا انجام دهد. پس اینها مخصوص ایران نیستند؛ چیزهایی مثل اینکه کارزارهای ترور در سراسر جهان بر پا نکنند؛ از سازمان‌های تروریستی حمایت نکنند که همین الان بیش از ۶۰۰ بار به اسرائیل حملات موشکی کرده‌اند؛ سیستم‌های موشکی در یمن نسانند...»

او تأکید کرده، «اینها چیزهایی است که ما از هر کشوری می‌خواهیم انجام دهد. این هدف ماست. این هدف ما از آغاز بوده. هدف ما این است که جمهوری اسلامی ایران مانند یک کشور نرمال رفتار کند. وقتی آنها اینگونه شدند، ما بازگشت لازم باشد مذاکراتی صورت بگیرد، همانطور که رییس‌جمهور گفته، ما از شرکت در آن نیز خوشحال خواهیم شد.»

خانم هاویشام نه روحانی بلکه خامنه‌ای است

مجتبی ذوالنور رئیس کمیته هسته‌ای مجلس در خصوص تصمیم دولت مبنی بر کاهش سطح اجرای تعهدات برجرام، گفته «برجامی باقی نمانده است که سطح اجرای آن کاهش یابد.» این نماینده به خبرگزاری مهر گفته برجرام خانه ویرانه متروکه‌ای است که آقای روحانی مثل «خانم هاویشام» در آن باقی مانده است و الا چیزی از برجرام باقی نمانده است. این در حالیست که حتی نزدیکترین و بانفوذترین مقامات عالی نظام نیز معترفند که مسئول این توافق کسی نیست جز خامنه‌ای. علی‌اکبر ولایتی مشاور عالی خامنه‌ای در امور بین‌الملل سال ۹۵ در همین ارتباط در یک برنامه تلویزیونی گفت، مذاکره تصمیم نظام بود نه فرد و اگر مذاکره نمی‌شد، گزینه دیگر جنگ بود. به این ترتیب «دوشیزه هاویشام» نه روحانی بلکه علی خامنه‌ای است که مانند شخصیت رمان معروف «آرزوهای بزرگ» از چارلز دیکنز نویسنده انگلیسی، پس از شکست و ناکامی در «بیت» ویرانه‌ی خود زندگی می‌کند و به امید به زانو در آمدن «دشمن»، فقط سرشار از نفرت علیه امریکاست و در سکون از درک زمان و ضروریات آن بازمانده است.

هسته‌ای شورای امنیت و هیچگونه تحریم جدید هسته‌ای اتحادیه اروپایی یا اقدامات محدودیت‌ساز وجود نخواهد داشت.»

جمهوری اسلامی می‌گوید، مقامات اتحادیه اروپا در یک سال گذشته تنها به ارائه وعده‌های اجرا نشده اکتفا کرده‌اند و به تعهدات خود پایبند نبوده‌اند و اینکه تحریم‌ها بازگشته مصداق «عدم پایبندی اساسی» آنهاست.

در موارد اختلاف بر سر پایبندی و اجرای تعهدات، طرفین باید آن را از طریق «کمیسیون مشترک» حل و فصل کنند. در چنین شرایطی از یکسو جمهوری اسلامی راهکاری برای اقدام متقابل ندارد و از سوی دیگر آمریکا از برجرام خارج شده و تشکیل این کمیسیون راه به جایی نخواهد برد چون در عمل اروپایی‌ها و چین و روسیه ظرفیت اجرای برجرام بدون آمریکا را ندارند درست همانگونه که رسیدن به برجرام و «توافق اتمی» هم بدون آمریکا ممکن نشد!

تعزیه سر قبر خالی

روزنامه کیهان چاپ تهران، ۱۶ اردیبهشت، در تیترو اول خود با عنوان «فردا بجای اولتیماتوم دست به عمل متقابل بزنید» نوشته، «لازم است دولت برای حفظ اعتبار خود با اقدام عملی و نه صرفاً بیانیه و اولتیماتوم معلوم نماید که حداقل خطوط قرمز ما، تحریم هاست و نه حفظ یکطرفه توافق به هر قیمت، در حالی که حتی اروپا نیز در عمل، کمترین اعتراضی به عهدشکنی سیستماتیک آمریکا نشان نمی‌دهد.»

این روزنامه در ادامه نوشته اقدامات اروپایی‌ها برای اجرای برجرام یکی فعال کردن مکانیسمی موسوم به «قانون مسدودسازی» (Blocking Statute) بود و دیگری «بزار حمایت از مبادلات تجاری» (INSTEX) یا «ساز و کار جبرانی ویژه تبادلات» (Special Purpose Vehicle) است که هدف تسهیل معاملات تجاری که هر دو این راهکارها ناکارآمد از آب در آمده‌اند که به گفته کیهان تهران «۱۱ ماه تعزیه بر سر قبر خالی بسته‌های اروپایی» بود.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، خرداد ۱۳۹۷، برای حفظ برجرام شروطی برای اروپایی‌ها تعیین کرد که هیچکدام از آنها نه اعتنا و نه متحقق شده. مشخص نیست وقتی یک سال از آن هیاهوها و تهدیدها گذشته و هیچیک از شروط رهبر نظام نیز توسط اروپایی‌ها اجرا نشده، چه توقعی وجود دارد که حالا اقدامات دولت روحانی بر آنها تأثیر گذاشته و در حمایت از جمهوری اسلامی آنهم در مقابل آمریکا به میدان بیایند! یادآوری می‌شود که حسن روحانی، بهمن ۱۳۹۴، گفته بود «برجام را خدا آورد!»

برخی کارشناسان می‌گویند احتمال دارد جمهوری اسلامی ایران در روزهای آینده تعداد سانتریفیوژهای مربوط به بندهای ۲۶ و ۲۶ برجرام است.

در بند ۲۶ برجرام آمده: «اتحادیه اروپایی فارغ از فرایند حل و فصل اختلافات پیش‌بینی شده در برجرام، از بازگرداندن یا تحمیل مجدد تحریم‌هایی که اجرای آنها را وفق این سند لغو کرده است، خودداری می‌کند. هیچگونه تحریم جدید

منابع آگاه در تهران می‌گویند حکومت آمادگی اقدامات متقابل در برابر خروج آمریکا از برجرام است اما قصد خروج از برجرام را ندارد.

روزنامه کیهان چاپ تهران خطاب به دولت روحانی نوشته بجای اولتیماتوم دست به عمل متقابل بزنید!

پمپئو: به شرط اجرای ۱۲ اصل از مذاکره استقبال می‌کنیم.

مجتبی ذوالنور رئیس کمیته هسته‌ای مجلس: برجرام خانه ویرانه متروکه تار عنکبوت گرفته‌ای است که آقای روحانی مثل خانم هاویشام» در آن باقی مانده والا چیزی از برجرام باقی نمانده!

رسانه‌های داخل ایران به نقل از «منابع مطلع» اعلام کردند برنامه‌های مرحله‌ای جمهوری اسلامی برای اقدامات متقابل در برابر خروج آمریکا از برجرام، چهارشنبه هشتم ماه (۱۸ اردیبهشت)، در اولین سالگرد خروج آمریکا از برجرام اعلام خواهد شد.

خبرگزاری ایسنا نوشته، احتمالاً حمله روحانی قرار است این اقدامات را آغاز کند. به روشنی پیداست جمهوری اسلامی ضعیف‌تر از آن است که بخواهد دست به یک اقدام متقابل خاص در حد و اندازه‌ی فشارهای حداکثری آمریکا بزند. با این حال این قبیل لاف‌زنی‌ها و مانورهای تبلیغاتی در رسانه‌ها خوراک تیترو روزنامه‌ها می‌شود تا رنگ و لعابی موقت به استیصال جمهوری اسلامی ببخشد.

طبق گزارش خبرگزاری ایسنا به نقل از منابع مطلع، اقدامات متقابل پیش‌بینی شده در چارچوب توافق اتمی است و فعلاً موضوع خروج از برجرام مطرح نیست و تأکید شده «کاهش جزئی و کلی برخی تعهدات ایران و آغاز بخشی از فعالیت‌های هسته‌ای که انجام آن در چارچوب برجرام متوقف شده بود، اولین گام ایران در واکنش به خروج آمریکا از برجرام و همچنین بدعهدی کشورهای اروپایی در اجرای تعهدات‌شان است.»

همچنین این مقام آگاه که نخواسته نامش فاش شود تأکید کرده، «راه برای دیپلماسی باز است و اقدامات مرحله‌ای ایران فرصت مجددی است به دیپلماسی و طرف‌های مقابل که مسیر اشتباه یکجانبه‌گرایی را تصحیح کنند و به نقطه گذشته و عمل به تمام مفاد برجرام بگردند.» آنچه جمهوری اسلامی به عنوان اقدام متقابل روی آن تأکید دارد مربوط به بندهای ۲۶ و ۲۶ برجرام است. در بند ۲۶ برجرام آمده: «اتحادیه اروپایی فارغ از فرایند حل و فصل اختلافات پیش‌بینی شده در برجرام، از بازگرداندن یا تحمیل مجدد تحریم‌هایی که اجرای آنها را وفق این سند لغو کرده است، خودداری می‌کند. هیچگونه تحریم جدید

دیپلماسی محمدجواد ظریف: نادیده گرفتن اصل اختلافات؛ او می‌داند وزنی در سیاست خارجی نظام ندارد!

درست است که آمریکا تهدید به مجازات تجاری کسانی کرده که با ایران معامله کنند اما ایالات متحده مانند رژیم آقای محمدجواد ظریف مخالفانش را بطور وحشیانه‌ای به قتل نمی‌رساند و ترور نمی‌کند و مناطق زندگی آنها را ویران نمی‌کند. کشتار مخالفان سوری، لبنانی و یمنی نمونه بارز عملکرد جمهوری اسلامی ایران است. محمدجواد ظریف همچنین گفت: «منی خواهیم شما را به گذشته و تاریخ بگردانم؛ ما امپراتوری بزرگی داشتیم که برای مدت زمان طولانی بیشتر از تاریخ آمریکا بر جهان حکمرانی کرد و در نهایت از بین رفت بنابراین باید به راه حلی برسیم تا ضمن عملکرد جدیدی امپراتوری شما عمر بیشتری داشته باشد.»

مقامات رژیم ایران همیشه به تاریخ امپراتوری قدیم پارس افتخار می‌کنند. اول اینکه این فخرفروشی مقامات تهران بسیار خنده‌آور و شیشه طنز است چون رژیم جمهوری اسلامی هیچگونه ارتباطی نه‌از حیث ویژگی‌های فرهنگی و نه از حیث ویژگی‌های تمدنی با امپراتوری قدیم ایران ندارد.

دوم اینکه تمدن‌های باستانی مانند تمدن اسلامی - عربی، فرعون، یونانی، رومی، بابلی، چینی، مایا، پارس و غیره نمی‌تواند توجیهی برای دخالت در امور داخلی کشورها یا حمله به مرزها و نقض حاکمیت دیگر کشورها باشد؛ همانگونه که آیت‌الله‌های تهران می‌خواهند و رفتار می‌کنند. محمدجواد ظریف افزود: «برباره توافق هسته‌ای بحث زیادی کردیم من فکر نمی‌کنم آمریکا یا ایران، توافق بهتر از این توافق به دست بیاورند؛ البته این توافق نه مورد رضایت من بود و نه جان کری آن را دوست داشت اما این بهترین توافق بود که ما با پنج نفر نماینده قدرت‌های بزرگ در ژنو امضا کردیم. این توافق شامل منافع مبتنی بر رقابت نه تنها آمریکا و ایران بلکه بین آمریکا و متحدان اروپایی آن و بین آمریکا، روسیه و چین است.»

واقعیت اما این است که در توافق اتمی اوپاما، اموال هنگفت و امتیازات فراوانی به رژیم ایران داده شد از جمله اجازه اقامت فرزندان رهبران جمهوری اسلامی ایران در ایالات متحده آمریکا؛ اما در مقابل هدیه جمهوری اسلامی به غرب چیزی جز شبه‌نظامیان حزب‌الله لبنان، عصاب‌اهل حق عراق، حوثی‌های یمن، فاطمیون شیعه‌افغان نیست. همه اینها گروه‌هایی از مافیای مرگ، ویرانی و جنگ در منطقه و تهدیدکننده صلح و ثبات و آرامش منطقه و جهان هستند. بعلاوه، رژیم ایران پس از توافق اتمی نسبت به مرحله قبل از این توافق بسیار گستاخ‌تر و ویرانگرتر عمل کرده است. محمدجواد ظریف گفت: «تحریم‌ها بر اقتصاد ما تأثیری منفی گذاشت دولت ایالات متحده مردم ایران را هدف قرار داده همان مردمی که پس از امضای برجرام برای حمایت از ما به خیابان‌ها آمدند و شادی کردند!»

درست است که بخشی از مردم ایران با خوشحالی از توافقی هسته‌ای به خیابان‌ها ریختند و شادی کردند اما همان مردم وقتی متوجه شدند که رژیم جمهوری اسلامی اموال و ثروت آنها را برای حمایت و مسلح کردن شبه‌نظامیان در بیرون از مرزهای ایران هدر می‌دهد باز هم به خیابان‌ها ریختند و علیه سیاست‌های رژیم تهران اعتراض کردند. محمدجواد ظریف همچنین گفت: «تحریم‌ها زبان‌های زیادی بر ما وارد خواهد کرد اما باعث تغییر سیاست ما نخواهد شد.»

اتفاقا باید گفت با وجود اینکه تحریم‌های ایالات متحده هنوز اولین مراحل را طی می‌کند اما ما شاهد کاهش فعالیت‌های رژیم ایران در سوریه، عراق و لبنان هستیم تا جایی که حسن نصرالله از طریق یک پیام تلویزیونی از اعضای حزبی‌ش خواست هزینه‌های خود را کاهش دهند ما انتظار داریم طی یک و نیم سال آینده تحریم‌ها تأثیرات بیشتری بر رژیم ایران و فعالیت‌هایش بگذارد. این تأثیرات منفی شاید باعث شود که رژیم تهران به افراط‌گرایی مذهبی، جنگ و هرج و مرج ۴۰ ساله در منطقه و جهان پایان دهد.

منبع: شرق الاوسط
*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن



محمدجواد ظریف

مطرح کردن مسئله توطئه گروه «ب» تلاش می‌کند که از بحث درباره اصل اختلافات و اساس مشکل فرار کند به همین دلیل دربار مهم‌ترین خواسته دولت ترامپ از ایران یعنی متوقف کردن کامل ذخیره‌سازی اورانیوم سخنی نگفت و مهم‌ترین مسئله اختلاف بر سر توافق هسته‌ای را نادیده گرفت.

دومین خواسته آمریکا از تهران متوقف کردن فعالیت خصمانه رژیم جمهوری اسلامی و شبه‌نظامیان وابسته‌اش در منطقه است که محمدجواد ظریف در این مورد نیز که یکی از مهم‌ترین اختلافات میان واشنگتن و تهران است هیچ سخنی به میان نیاورد. محمدجواد ظریف مانند یک بندباز ناوارد می‌خواهد توجه مردم آمریکا را از اصل قضیه به مسائل حاشیه‌ای منحرف کند.

هدف اصلی رژیم ایران تسلط بر شرق عراق، سوریه، لبنان، کشورهای عربی خلیج و یمن است. فرمانده سپاه قدس ده‌ها هزار شبه‌نظامی از کشورهای مختلف را به سوریه گسیل کرده است. تمام کشورهای منطقه و جهان بطور مشترک از این رویکرد توسعه‌طلبانه رژیم افراطی ایران نگرانند. متأسفانه توافق اتمی اوپاما با ایران با رفع تحریم‌های تجاری و مالی و اعطای بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار به تهران راه توسعه‌طلبی بیشتر رژیم جمهوری اسلامی را هموار کرد.

محمدجواد ظریف در این مصاحبه همچنین از وجود توطئه‌ای علیه کشورش سخن گفت؛ او با استناد به جواب پمپئو که در پاسخ به سؤال خبرنگاری که از او پرسیده بود، آیا آمریکا توطئه‌ای علیه تهران دارد... گفته بود: «اگر توطئه برای تهران داشتیم شما را از آن مطلع نمی‌کردم.» گفت که آمریکا توطئه‌ای علیه ایران دارد و بدون آنکه دلیلی برای این ادعا ارائه دهد گفت، گروه «ب» به دنبال طرح توطئه‌ای برای تشویق آمریکا به جنگ علیه ایران هستند. محمدجواد ظریف بر وجود توطئه اصرار داشت اما هیچ اشاره‌ای به دلایل اصلی رسیدن اوضاع منطقه به این وضعیت خطرناک نکرد.

چه «توطئه» یا تحریم علیه تهران در کار باشد یا نباشد، محمدجواد ظریف می‌داند که اگر رژیم متبوعش تنها ۲ شرط یعنی متوقف کردن برنامه اتمی و رفتار خصمانه و توسعه‌طلبانه در منطقه را قبول می‌کرد، ما اکنون چنین بحرانی در منطقه نمی‌داشتیم. محمدجواد ظریف بر وزن ناچیز خود در ساختار رژیم اسلامی تهران به خوبی آگاه است و می‌داند که هیچ تأثیری در تصمیم‌ها و ترسیم سیاست‌های استراتژیک تهران ندارد. او تنها یک کارمند ساده است که بارها به حاشیه رانده شده تا جایی که حتی از نشست اخیر رهبر جمهوری اسلامی ایران با بشار اسد و سلیمانی خبر نداشت و به آن دعوت نشد! وی بعد از این اهانت یک استعفا چند ساعته داد و سپس آن را پس گرفت. طریق توییت که در ایران ممنوع است و تنها برای رهبران رژیم آزاد است، استعفا داد و سپس استعفاش را پس گرفت.

تمدن و توافق اتمی

عبدالرحمن الراشد در بخش دیگری می‌نویسد، ظریف گفت: «طی ۴۰ سال خدمت به جمهوری اسلامی برای اولین بار است می‌بینم یک عضو شورای امنیت [آمریکا] دیگران را به نقض «JCPOA» [برجام] آفرمی خواند و تهدید می‌کند که در صورت عدم پایبندی دیگر اعضای شورای امنیت آنها را مجازات می‌کند.»

محمدجواد ظریف بر وزن ناچیز خود در ساختار رژیم اسلامی تهران به خوبی آگاه است و می‌داند که هیچ تأثیری در تصمیم‌ها و ترسیم سیاست‌های استراتژیک تهران ندارد. او تنها یک کارمند ساده است که بارها به حاشیه رانده شده تا جایی که حتی از نشست اخیر رهبر جمهوری اسلامی ایران با بشار اسد و سلیمانی خبر نداشت و به آن دعوت نشد!

عبدالرحمن الراشد تحلیلگر عرب در مطالبی در شرق الاوسط به بررسی سیاست‌های جمهوری اسلامی و سخنان محمدجواد ظریف از جمله در سفر اخیرش به آمریکا پرداخته است.

این تحلیلگر عرب می‌نویسد، محمدجواد ظریف، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران، اخیراً طی سفری به آمریکا که به بهانه شرکت در نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک صورت گرفت، از ویژگی دیپلماتیک خود استفاده کرد تا شاید بتواند از طریق مصاحبه با چند رسانه خبری و برخی مراکز پژوهشی در ایالات متحده، حمایت شماری از نخبگان این کشور را از رژیم تهران فراهم کند.

ظریف در این سفر بیش از هر چیز به ترمیم چهره شکسته خود در داخل ایران نیاز داشت تا جلب حمایت از سوی آمریکایی‌ها برای خودش به مثابه «معامله‌گری موفق» او خیلی تلاش کرد تا بضاعت خود را همانگونه که به اتحادیه اروپا و دولت اوپاما فروخت این‌بار نیز به آمریکایی‌ها بفروشد غافل از اینکه این دفعه شخصیت‌های بسیار قوی حزب جمهوریخواه به هیچ عنوان حاضر به شنیدن حرف‌های وی بدون عقب‌نشینی کامل نظام ایران و تقدیم امتیازاتی حقیقی از سوی تهران به غرب از جمله متوقف کردن دخالت‌ها در امور کشورهای منطقه و توقف فعالیت‌های موشکی و اتمی نیستند.

از مصاحبه‌های متعدد محمدجواد ظریف یکی هم مصاحبه وی با «آسیا سوسایتی» در نیویورک است که آن را انتخاب کرده‌ام تا برخی مسائلی را که وی مطرح کرده بررسی کنیم. البته شناخت انگیزه‌های هجوم تبلیغاتی محمدجواد ظریف در آمریکا در این شرایط بسیار ساده است چرا که رژیم افراطی جمهوری اسلامی بر اثر تحریم‌های اقتصادی آمریکا و افزایش نارضایتی و اعتراضات داخلی علیه فقر و بدبختی و جنگ‌های بی‌پرونده برون‌مرزی، در مرحله بسیار دشواری از زندگی خود بسر می‌برد.

محمدجواد ظریف در این مصاحبه سخنانی مفصل و طولانی در رابطه با سیاست تبلیغاتی تهران در منطقه و غرب ایراد کرده و در اینجا تلاش می‌شود آن را در چند بخش مورد بررسی و بحث قرار دهیم.

وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران بطور علنی ادعا کرد که ایران در برابر یک توطئه از سوی رهبران گروه «ب» (بولتون، بن سلمان، بن زاید و بنیامین نتانیاهو) قرار دارد و به قول او آنها تلاش می‌کنند تا قبل از رسیدن انتخابات ریاست جمهوری آمریکا جنگی علیه ایران به راه اندازند تا ترامپ پیروز شود. ظریف بر این باور است که با اشاعه سوء ظن و شک و تردید در طرز فکر اغلب آمریکایی‌ها نسبت به رفتار رژیم ایران می‌تواند تفرقه‌ای میان طرفداران ترامپ در آمریکا ایجاد کند یا برخی را علیه ترامپ برانگیزد. بدون تردید سیاست ترامپ به نفع سه کشور سعودی، امارات و اسرائیل است و البته به نفع آمریکا و کشورهای دیگر منطقه نیز هست به این دلیل که سیاست علنی و اعلام شده واشنگتن مورد قبول اغلب کشورهای جهان و خاورمیانه است چرا که ایالات متحده خواستار توقف دخالت‌های رژیم ایران در امور کشورهای منطقه و عدم حمایت تهران از جنگ‌افروزی و تروریسم جهانی و تبدیل این حکومت به دولتی صلح‌آمیز است.

وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران با

زمره‌های مذاکره برای تکرار «نرمش قهرمانانه» یا «جام زهر» نهایی؟!



شعار «مرگ بر آمریکا» بر دیوار سفارت سابق ایالات متحده در تهران؛ عکس: فردا

ایران و آمریکا؛ بهای گزاف یک درگیری احتمالی



تهران؛ ©Atta Kenare/AFP/Getty Images

می‌گیرند، اما همچنان به تعهدات خود در برجام پایبند ماندند، بطوری که نه تنها اژانس بین‌المللی انرژی اتمی این را همواره تأیید کرده، بلکه آمریکایی‌ها هم اطلاعاتی خلاف آن به دست نیاورده‌اند. پس به نظر می‌رسد رهبری فعلی تهران علاقه جدی به حفظ مدل موجود توافق با برجام دارد: محدودیت برنامه هسته‌ای در برابر کاهش قدم به قدم تحریم‌ها. تردیدی نیست که رژیم ایران به دنبال دست یافتن به بمب اتمی بود. به فناوری مربوط به آن هم می‌تواند دسترسی داشته باشد. اما تهران فعلاً از تهیه مواد لازم صرف نظر کرده. توافق اتمی کنترل برنامه اتمی رژیم ایران را ممکن کرد. این کنترل اکنون تهدید به نابودی می‌شود.

استناد آمریکایی‌ها برای بیرون رفتن از برجام این است که توافق اتمی به اندازه کافی مانع سیاست‌های تهاجمی ایران در منطقه، از سوره تا لبنان و یمن، نمی‌شود و رژیم از طریق کاهش تحریم‌ها بیشتر تقویت می‌شود، بدون آنکه از سودهای نظامی‌اش، از جمله برنامه هسته‌ای، به صورت پایدار منع شده باشد. در مقابل باید با فشار حداکثری همراه با تهدیدهای نظامی جدی این رژیم را به زانو در آورد.

ایران باید پیش از حمله به منافع آمریکا، دو بار فکر کند

روشن نیست که آمریکا علاوه بر این چه هدفی را دنبال می‌کند. بخشی از استراتژی آمریکا این است که مردم ایران در نتیجه دشواری‌های اقتصادی علیه رژیم به پا خیزند و از این طریق تحولی ایجاد شود. اما معلوم نیست که این محاسبه به صورت جدی به نتیجه برسد. در لیبی هم این استراتژی بدون مداخله نظامی عمل نکرد. اینکه فشارها ایران را به پای میز مذاکرات تازه ای بکشاند که در آن تعهدات سنگینی را بپذیرد، به معنای این است که تسلیم آمریکا شود؛ ولی این نیز به همین اندازه نامحتمل است. آمریکایی‌ها با سیاست سختگیرانه‌ای خود بیشتر تدریجاً را علیه رئیس جمهور روحانی در تهران تقویت می‌کنند که دست کم می‌شود با او حرف زد. از جانشین او نمی‌توان مذاکرات سازنده‌ای را انتظار داشت. به این ترتیب خطر یک سیاست تهاجمی جدید افزایش یافته است. پاسخ ایالات متحده آمریکا به این پرسش تنها یکی است: ایجاد هراس به عنوان ابزار بازدارندگی. مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا در بغداد گفت که او امیدوار است مقامات ایران دو بار فکر کنند که آیا می‌خواهند منافع آمریکا را مورد حمله قرار دهند؟ پیشتر اعلام شده بود که اعزام ناوگان ابراهام لینکلن و بمبافکن‌های آمریکا به منطقه به دلیل «تهدید جدی نیروهای رژیم ایران» صورت می‌گیرد. پنتاگون هشدار داده بود که «تهدیدهای جدی» از سوی ایران می‌تواند به زودی عملی شود.

با اینهمه اگر زمانی یک انفجار بتواند ایالات متحده آمریکا را مجبور به مقابله مستقیم با ایران کند، خودش نیز در این امر سهم بزرگی ایفا کرده است. این اظهارات جان بولتون مشاور امنیتی دونالد ترامپ را که می‌گوید «آمریکا کاملاً آماده است به هر حمله‌ای پاسخ بدهد، اما جنگ با ایران را نمی‌خواهد» به سادگی نمی‌توان باور کرد. دست کم یک نکته مسلم است: در واشنگتن همه اینطور فکر نمی‌کنند.

* منبع: روزنامه آلمانی دیستسایت
* نویسنده: کارستن لوتر
* ترجمه و تنظیم: جواد طلعی

تشدید تنش میان ایران و آمریکا با تهدید تهران به خروج از برجام از دید بسیاری از تحلیلگران غربی خطر رودررویی میان دو کشور را بسیار بالا برده است. به ویژه اعزام ناوگان عظیم ابراهام لینکلن و واحدهای متعدد جنگی از سوی آمریکا به خلیج فارس و موشک‌پرانی‌های شبه‌نظامی مورد حمایت جمهوری اسلامی به سوی اسرائیل و تحرکات و جابجایی‌های نظامی از سوی رژیم ایران هرچند صرفاً نقش تحریک یا بازدارنده داشته باشد، نگرانی یک درگیری نظامی را افزایش داده است. روزنامه دیستسایت آلمان نیز در تحلیلی، احتمال رودررویی نظامی دو کشور را بسیار قوی ارزیابی می‌کند زیرا به نوشته‌ی این روزنامه، تشدید فشارهای اقتصادی نمی‌تواند سبب به پا خاستن مردم علیه رژیم جمهوری اسلامی نویسنده‌ی دیستسایت مقایسه می‌کند که در لیبی نیز فشارهای خارجی بدون مداخله نظامی داخلی سبب خیزش مردم علیه معمر قذافی نشد.

دستسایت در عین حال تأکید می‌کند که تهدید روحانی به خروج از برجام در صورت عدم اجرای تعهدات شرکای اروپایی، موقعیت اروپایی‌ها را نیز برای نجات برجام تضعیف کرده است. البته این ادعا در حالیست که کشورهای اروپایی در بیانیه‌ای به حکومت ایران هشدار داده‌اند که فکر مهلت تعیین کردن در رابطه با برجام را بهتر است از سر خود بیرون کنند. تحلیل دیستسایت را که با تکیه بر مهلت ۶۰ روزه جمهوری اسلامی تنظیم شده در ادامه می‌خوانید.

برای نجات توافق هسته‌ای با ایران ۶۰ روز باقی مانده است: رهبری جمهوری اسلامی ایران در برابر فشار شدید خارجی، و بیش از همه ایالات متحده آمریکا، چنین مهلتی را تعیین کرده است. مخاطب، کشورهای همسند که پس از خروج آمریکا در یک سال گذشته بر سر پیمان خود با ایران باقی مانده‌اند. حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی گفته است که هدف ایران بهم زدن معامله نیست بلکه می‌خواهد مذاکره کند، در حالی که تهدید به غنی‌سازی اورانیوم با ضرب بالاتر از هم‌اکنون نشانه یک شکست است.

ایران از آلمان، فرانسه، بریتانیا، روسیه و چین می‌خواهد که به تعهدات خود در چارچوب برجام عمل کنند، به ویژه در بخش نفت و گاز. یعنی تحریم‌ها را کاهش دهند و مناسبات اقتصادی خود را به حالت عادی برگردانند. این بدان معناست که اروپا می‌بایست در برابر آمریکا

وزیر خارجه آمریکا به عراق به منظور درخواست میانجیگری از بغداد بود. محمد مهدی البیاتی «بغداد الیوم» گفته «بحران میان آمریکا و ایران مسئله جدیدی نیست بلکه نزدیک به ۳۵ سال است که ادامه دارد. این دشمنی و تنش بجز از طریق گفتگو و تفاهم به پایان نخواهد رسید.»

این فرد سپس ادعا کرده بود که، «سفر شب سه‌شنبه مایک پمپئو به بغداد به منظور درخواست میانجیگری از بغداد انجام شد.» عضو ائتلاف فتح همچنین مدعی شده، «آمریکایی‌ها آمادگی جنگ نظامی با ایران را ندارند و ایرانی‌ها نیز به دنبال جنگ نیستند.» بعید به نظر می‌رسد که مایک پمپئو سفر خود به آلمان را ناگهانی لغو کرده و بجای برلین به بغداد برود تا از دولت عراق بخواهد میانجی بین آمریکا و رژیم ایران شود!

وضعیتی که جمهوری اسلامی اکنون در آن قرار گرفته است، بی‌شبهت به هفته‌های پیش از آغاز مذاکرات اتمی با آمریکا و «نرمش قهرمانانه» علی‌خامنه‌ی نیست اما بسیاری جهات نیز تفاوت‌های عمده دارد. علاوه بر تفاوت سیاست خارجی دو دولت اوپاما و ترامپ، مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا در بیانیه‌ای به مناسبت خروج این کشور از برجام بار دیگر تأکید کرده تا زمانی که «رفتار مخرب» مقام‌های ایران تغییر نکند، فشار حداکثری آمریکا ادامه می‌یابد.

ناظران سیاسی معتقدند روزهای آینده آستان تحولات است. آیا رژیم تهران تن به شروط ۱۲ گانه آمریکا که موجودیت آن را زیر سوال می‌برد خواهد داد؟ آیا بر سر بخشی از این شروط که جمهوری اسلامی پیشاپیش در عمل مجبور شده به آنها تن بدهد، مذاکراتی شروع می‌شود؟ آیا محاسبه جمهوری اسلامی برای خریدن زمان واقعیت و به آن کمک می‌کند؟ یا اینکه فشارهای آمریکا تا فروپاشی اقتصادی ایران ادامه پیدا خواهد کرد؟!

برایان هوک نماینده ویژه وزارت امور آمریکا در امور ایران، چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت، گفته «آمریکا در پی رسیدن به یک توافق جدید با جمهوری اسلامی است و در صورت دستیابی به چنین توافقی، نتیجه آن مانند یک معاهده به کنگره ارائه خواهد شد.» دولت‌مردان آمریکا هرگونه مذاکره با جمهوری اسلامی را منوط به اجرای شروط و تغییر اساسی در رفتار جمهوری اسلامی کرده‌اند.

میانجیگری عراق
در همین رابطه، دو روز پیش ایسنا در گزارشی مدعی شد که یکی از اعضای ائتلاف الفتح عراق گفته، سفر محمدرضا حسینی - به نظر من، حکومت اسلامی و آمریکا ممکن است تا آستانه جنگ پیش بروند اما جنگی در نخواهد گرفت. از سه زاویه می‌توان به این قضیه نگاه کرد.

۱- حکومت اسلامی که شدیداً نیازمند تغییر شرایط است، با وجود تمایل بسیار برای جنگ، توانایی آن را ندارد. میل به آتش‌افروزی همواره به عنوان یک اصل سیاست خارجی حکومت اسلامی بوده است که با توجه به «گل آلود کردن آب و ماهی گرفتن» هر جای منطقه را که توانسته است به آتش کشیده تا نیرو جذب کند. گروگانگیری، جنگ‌افروزی و جذب نیروهای سرخورده در منطقه از روش‌های اصلی حکومت اسلامی برای تغییر شرایط به سود خود بوده است. برای اجرا کردن این روش‌ها احتیاج به هزینه کردن پول فراوان است که مرتب در طول حکومت چهل ساله از سرمایه ملی، یعنی از جیب مردم ایران خرج شده است. راهی که با بسته شدن رگ‌های اقتصادی بر اثر تحریم‌های مرحله‌ای آمریکا اینک به بن‌بست برخورد کرده است.

حال حکومت اسلامی، مانده است و اقتصاد به شدت ورشکسته، نارضایتی شدید مردم، شعارهای پرهزینه ضد امپریالیستی، بازوهای پر دردسر اختیابوسی و جوجه‌های گرسنه‌اش در منطقه، آنهم در شرایطی که روز به روز پیچیده‌تر شده و امکان تنفس را برایش مشکل و مشکل‌تر می‌کند. با نگاهی به شروط دوازده‌گانه آمریکا

جنگی در نخواهد گرفت

می‌توان به خوبی دریافت که پذیرش آنها تنها به ضرر حکومت اسلامی و به نفع مردم ایران است. در واقع، تقابل آمریکا با حکومت اسلامی است و نه مردم ایران. از این رو حکومت اسلامی نیاز شدیدی به تغییر شرایط دارد، اما توانایی‌اش را ندارد. شروع کردن یک جنگ شاید آسان باشد اما ادامه دادنش بسیار سخت و پرهزینه خواهد بود و حکومت اسلامی با تجربه‌ای که از جنگ هشت ساله دارد این را به خوبی می‌داند. ممکن است، همانطور که در نوشته پیشین گفتیم، اقدام به آتش‌افروزی محدود کند اما توانایی جنگ کلاسیک را به دست هیچ وجه ندارد. نه ابزار لازم را دارد، نه پول و نه نیروی کافی.

۲- آمریکا توانایی جنگ را دارد ولی تمایلی برای آن ندارد. نیازی به آن ندارد و می‌داند که با ادامه تحریم‌ها، با پرداخت کمترین هزینه می‌تواند ایران را به پای میز مذاکره و قبول شروط خود بکشاند. در شرایطی که تحریم‌های مرحله‌ای به خوبی جواب داده، گزینه‌های چانه‌زنی حکومت اسلامی را به شدت محدود کرده و از ارزش معامله‌ای و سودآوری آن برای اروپا کاسته است دیگر چه نیازی به درگیر کردن خود در یک جنگ پر هزینه؟

۳- اروپا، روسیه و چین، با وجود دیدگاه‌های متفاوتی که درباره

محمدرضا حسینی - به نظر من، حکومت اسلامی و آمریکا ممکن است تا آستانه جنگ پیش بروند اما جنگی در نخواهد گرفت. از سه زاویه می‌توان به این قضیه نگاه کرد.

۱- حکومت اسلامی که شدیداً نیازمند تغییر شرایط است، با وجود تمایل بسیار برای جنگ، توانایی آن را ندارد. میل به آتش‌افروزی همواره به عنوان یک اصل سیاست خارجی حکومت اسلامی بوده است که با توجه به «گل آلود کردن آب و ماهی گرفتن» هر جای منطقه را که توانسته است به آتش کشیده تا نیرو جذب کند. گروگانگیری، جنگ‌افروزی و جذب نیروهای سرخورده در منطقه از روش‌های اصلی حکومت اسلامی برای تغییر شرایط به سود خود بوده است. برای اجرا کردن این روش‌ها احتیاج به هزینه کردن پول فراوان است که مرتب در طول حکومت چهل ساله از سرمایه ملی، یعنی از جیب مردم ایران خرج شده است. راهی که با بسته شدن رگ‌های اقتصادی بر اثر تحریم‌های مرحله‌ای آمریکا اینک به بن‌بست برخورد کرده است.

حال حکومت اسلامی، مانده است و اقتصاد به شدت ورشکسته، نارضایتی شدید مردم، شعارهای پرهزینه ضد امپریالیستی، بازوهای پر دردسر اختیابوسی و جوجه‌های گرسنه‌اش در منطقه، آنهم در شرایطی که روز به روز پیچیده‌تر شده و امکان تنفس را برایش مشکل و مشکل‌تر می‌کند. با نگاهی به شروط دوازده‌گانه آمریکا

● **سفیر عمان در آمریکا می‌گوید کشورش آماده میانجیگری میان تهران و واشنگتن است.**

● **یک نماینده مجلس عضو «فراکسیون امید» خواسته با «اجازه» علی خامنه‌ای مذاکره با آمریکا از طریق «دیپلماسی پارلمانی» آغاز شود.**

● **همتی رئیس بانک مرکزی: ممکن است توافقاتی صورت گیرد، مذاکراتی انجام شود که هیچکدام از آنها قابل پیش‌بینی نیست!**

● **محمد مهدی البیاتی از اعضای ائتلاف الفتح عراق: سفر مایک پمپئو به بغداد برای درخواست میانجیگری از دولت عراق انجام شد!**

با افزایش فشارهای ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی و پافشاری دولت آمریکا بر ۱۲ شرط کاخ سفید به عنوان پیش‌شرط آغاز مذاکرات اتمی و موشکی، بار دیگر عمان برای میانجیگری اعلام آمادگی کرده است.

پایگاه خبری المانیتر از مخالفان سرسخت سیاست‌های دونالد ترامپ، به نقل از سفیر عمان در واشنگتن نوشت، اگر ایران و آمریکا بر موثر بودن میانجیگری عمان باور داشته باشند، مسقط برای حل تنش بین دو طرف آمادگی دارد. حنیفه المغیری با اشاره به روابط دوستانه عمان با دولت‌های ایران و آمریکا گفت، ما می‌توانیم مجدداً در حل تنش به وجود آمده میان دو کشور نقش داشته باشیم. سفیر عمان در آمریکا به ویژگی‌های سیاست خارجه مسقط پرداخته و می‌گوید، «یکی از اصول اصلی سیاست خارجه عمان عدم دخالت در امور داخلی کشورهای همسایه همچنین نقش میانجیگری در حل بحران‌های منطقه است.»

وی درباره‌ی روابط مسقط- تهران نیز گفت، «ایران یکی از همسایگان خوب عمان است و ما دارای روابط خوبی با این کشور هستیم و عمان با همین سیاست توانست در سال ۲۰۰۹ کوهنوردان آمریکایی بازداشت شده در ایران را آزاد کند.»

مذاکره با آمریکا از طریق پارلمان‌ها؛ البته با اجازه مقام معظم رهبری!

اما در تهران نیز زمره‌هایی از سوی جریان موسوم به اصلاح‌طلب برای لزوم مذاکره با آمریکا با هدف استمرار بقای نظام شنیده می‌شود. استعمارطلبان برای حفظ نظام و به نام «منافع مردم ایران» دل در گرو مذاکره با آمریکایی‌ها بسته‌اند.

حجت‌الاسلام احمد مازنی عضو «فراکسیون امید» و رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس، در مصاحبه با خبرگزاری «خانه ملت» گفته، «ایران ضمن اتخاذ تصمیم کنونی می‌تواند با عناصر معقول و منطقی که در کنگره و مجلس نمایندگان آمریکا هستند، روابط پارلمانی برقرار کند، البته با اجازه مقام معظم رهبری و بررسی عمیق این ایده در شورای عالی امنیت ملی می‌توانیم منافع مردم ایران را در قالب دیپلماسی پارلمانی تأمین کنیم.»

این نماینده می‌گوید، جمهوری اسلامی به کمک کشورهای حافظ منافع ایران و آمریکا مانند سوئیس و الجزایر می‌تواند به دنبال برقراری روابط پارلمانی با آمریکا باشد، همچنین از ظرفیت کشورهایمانند عراق، چین، هند و روسیه که رابطه خوب با ما و آمریکا دارند، می‌توانیم بهره ببریم.»

مازنی تأکید کرده، «در شرایط کنونی که خط تماس بین دولت‌ها بسته است می‌توان راه بین مجالس را باز کرد؛ این مسائل منافاتی با آمادگی و تقویت حوزه دفاعی جمهوری اسلامی ندارد، ما باید تلاش کنیم تا ضمن آمادگی برای دیپلماسی فرهنگی و عمومی حل کنیم، راه دیپلماسی پارلمانی نیز باز است.» جلیل رحیمی جهان‌آبادی عضو دیگر «فراکسیون امید» نیز مدعی شده، «اگر چه آمریکا به دنبال تنش نظامی با ایران

زنان شاخص

بهناز شفیعی (کرج - ۱۳۶۸)



بهناز شفیعی موتورسوار و مسابقه‌دهنده موتورکراس است. بهناز نخستین و شناخته شده‌ترین زن موتورسوار ایرانی با سابقه حرفه‌ای است. مجله میک بهناز شفیعی را به عنوان یکی از «هشت زن قدرتمند جهان» در سال ۲۰۱۵ معرفی کرده‌است. شفیعی در فستیوال جهانی ایتالیا به عنوان یکی از «پنج بایگر نمونه زن جهان» شناخته شد.

وی تحصیلات خود را در رشته حسابداری گذرانده‌است. وی برای اولین بار در سن ۱۵ سالگی موتورسواری را آغاز کرد. او اولین موتورسوار ایرانی ۱۸۰ سی‌سی را در سن ۲۲ سالگی خرید و در خیابان‌ها مشغول به تمرین شد. او مدیر مالی یک شرکت بازرگانی بود و در بهمن ۱۳۹۳ شغل خود را به کل رها کرد و به موتورسواری حرفه‌ای پرداخت. در سال ۹۴ توانست معروف‌ترین دختر موتور سوار دنیا در ۲۰۱۵ شود. شفیعی در سال ۲۰۱۵ به دعوت از

استرس را بشخوار نکنید! رهایی از اضطراب راهکارهایی جز دارو هم دارد

استرس یا فشار روحی و اضطراب بیماری جهان مدرن و صنعتی است. رقابت و شتاب زندگی در جهان مدرن، انسان را در چنگ موقعیت‌های استرس‌زا و هولناک اسیر کرده‌است. اما تحمل و مهار فشارهای روحی نیاز به کسب دانش و شناخت آنها دارد و صرفاً با مصرف دارو و مسکن قابل درمان نیست. راه‌های عملی برون رفتن از شرایط استرس‌زا بسیار است. می‌توانید برخی از این راهکارها را با توصیه‌های زیر امتحان کنید.

نشخوار را متوقف کنید

همه ما با عوامل مضطرب‌کننده همواره روبرو هستیم. این طبیعی است که ما درباره این عوامل فکر کنیم تا بتوانیم با درک بهتر وضعیت، فکری برای تغییر پیدا کنیم. اما گاهی اوقات این روش

استرس و احساسات ما دارد. رژیم غذایی اشتباه به اندازه کم‌خوابی استرس تولید می‌کند. اگر کافئین و شکر زیاد مصرف کنید حتماً بر حجم استرس خود اضافه می‌کنید. استرس منجر به تغییر درخواست‌های غذایی می‌گردد و به انتخاب احساسی غذا منجر می‌شود. نسبت به گذشته این تأثیرات بر غذای انسان‌ها بیشتر و بیشتر می‌شود.

دوستی و دشمنی را جدی نگیرید

روابط می‌تواند منابع مهمی برای گرفتاری و یا رهایی از استرس باشد. هنگام استرس اگر از حمایت عاطفی، مفید و پایدار دوستان برخوردار باشیم، سپر محکمی در برابر مشکلات خواهیم داشت.

علاوه بر این، بسیاری از مردم (به ویژه زنان) به دنبال روابط نزدیک برای کاهش میزان استرس هستند



رژیم غذایی سرخپوشان

رژیم سرخپوشان، که گاهی اوقات رژیم غذایی غارنشین نیز نامیده می‌شود بر این باورند که شما باید فقط از مواد غذایی استفاده کنید که می‌تواند شکار کرده و بخورید. مواد غذایی مانند گوشت، ماهی و ماهی صدف، سبزیجات، میوه‌ها، انواع توت‌ها، تخم مرغ و آجیل.

این‌ها ظاهراً توسط انسان غارنشین خورده می‌شد. این رژیم غذایی طرفداران زیادی دارد. استفاده از سبزیجات و میوه نیز جزو این رژیم است هر چیزی که کشت و یا پردازش شده، مانند حبوبات، شکر، حبوبات، لبنیات، سیب زمینی، روغن‌های پردازش شده، نمک اجتناب است، هر گونه نوشیدنی به جز آب، آب نارگیل و چای سبز گاهی اوقات خوب است. عسل مجاز است برخی از روغن‌های پردازش شده مثل زیتون یا میوه.

رژیم غذایی و ورزش می‌تواند انسان را به لذت جنسی برساند. رژیم غذایی سرخپوشان یک راه سالم برای غذا خوردن است که تقلید از اجداد ما بوده است. ترکیب قدرتمند رژیم غذایی و ورزش هم برای مردان و هم برای زنان کارساز است. رژیم غذایی سرخپوشان به طور متوسط یک رژیم غذایی متفاوت است. رژیم غذایی با پروتئین بالا است که ۱۹ تا ۲۵ درصد از رژیم غذایی باید از منابع پروتئینی آماده شده باشد. کربوهیدرات کم و نشاسته مجاز است، این رژیم باید شامل فیبر، پتاسیم، ویتامین‌ها، مواد معدنی و آنتی‌اکسیدان‌ها و مصرف چربی‌های اشباع و غیر اشباع به جای چربی‌های اشباع است.

به تسکین استرس و کاهش سطح آن کمک کند. این می‌تواند یک خبر خوب باشد، اگر الگوهای فکری خود را به الگوهای خوش‌بینانه تغییر دهید. ولی در عین حال می‌تواند کاملاً مخرب هم باشد اگر الگوهای تفکر خود را به سمت منفی متمایل کرده باشید. نگرش منفی منجر به استرس می‌شود و حس تهدیدآمیزی به انسان می‌بخشد. تغییر مثبت در نگرش و دیدگاه، در نهایت منجر به کاهش تنش می‌شود.

ورزش کنید
ورزش می‌تواند به شما کمک کند تا در کوتاه‌مدت انعطاف‌پذیری بیشتری



زن روز



سیمین بهبهانی

نه نام کس به زبانم نه در دلم هوسی به زنده بودنم این بس که می‌کشم نفسی جهان و شادی او کام دوستان را باد پر شکسته‌ی ما باد و گوشه‌ی قفسی از آن به خنجر حسرت نمی‌درم دل خویش که یادگار بر او مانده نقش عشق کسی بهار عمر مرا گو خزان رسد که در او نرُست لاله‌ی عشقی، شکوفه‌ی هوسی سکوت جان من از دشت شد فزون که به دشت درای قافله‌ای بود و ناله‌ی جرسی شکیب خویش نگه دار و دم مزن سیمین! که رفت عمر و ز اندوه او نمانده بسی

می‌توانید یک فمینیست خانه‌دار باشید

شما می‌توانید زندگی‌تان را همانطور که می‌خواهید، هدایت کنید. البته نباید فراموش کنید که شما مادر تمام وقت یا زن خانه‌دار تمام وقت نمی‌توانید باشید. همانطور که نمی‌توانید یک کارمند یا یک رئیس تمام وقت باشید. مانند در خانه و مراقبت از بچه‌ها، شغل دائمی برای نقش مادری و زن بودن را انتخاب نکنید، چرا که همه مشاغل نیاز به مرخصی دارند. مدیریت این تصمیم هم باشماست، اینکه چه برنامه‌های دیگری در زندگی‌تان بگنجانید که مادر تمام وقت نباشید.

با این حال، همه نمی‌توانند یا نمی‌خواهند مادر خانه‌دار باشند و برای همین هم هنوز به فمینیسم نیاز است. مادران تنها در تمام دنیا، تلاش می‌کنند تا از فرزندان خود حمایت کنند. این زنان نیاز به حمایت برای مراقبت بهتر

کرد. نباید زنان خانه‌دار را به دلیل انتخاب نکردن یک شغل و انتخاب خانه‌داری تحقیر کرد و مورد قضاوت منفی قرار داد.

اگر خانواده‌تان به اندازه کافی درآمد داشته باشد تا بتوانید با یک حقوق و دستمزد، به خوبی اداره شود، چرا که نه. اگر می‌خواهید یک مادر خانه‌دار باشید، روی آن متمرکز شوید و قدرت خود را در این کار نشان دهید. زنان جامعه امروز می‌دانند که چقدر دشوار است که همزمان با کار، از بچه‌ها یا نوزادان هم مراقبت کنید. بسیاری از کودکان هم دوست دارند، مادرشان را در اطراف خود داشته باشند و از حمایت همیشگی وی برخوردار باشند.

پس اگر زن خانه‌دار هستید یا زن خانه‌داری را در اطراف خود دارید، در صورتی که شخصاً تمایل به خانه‌داری دارید و دارد، حامی خود و دیگران باشید. هیچ دلیلی ندارد



بیشتر از کودکان خود دارند. آنها به فمینیسم نیاز دارند. زنان در بعضی از کشورهای جهان مانند ایران، با اینکه می‌خواهند کار کنند، حتی اجازه کار ندارند. این زنان به حمایت نیاز دارند. دلایل زیادی وجود دارد که باید از زنان در سراسر جهان حمایت شود، اما این یک انتخاب هم هست که شما می‌خواهید جزویی از این حمایت باشید یا خیر. ما فقط می‌گوییم که از فقط یک مادر بودن یا یک زن خانه‌دار بودن نباید شرمسار باشید. در عوض هم نباید مبارزه برای برابری خواهی را متوقف کرد، زیرا این مبارزات در نهایت به حقوق برابر زنان و مردان منجر می‌شوند. این بدان معنا نیست که این قوانین برای همه هستند و بدان معنا نیست که کاری هستند که باید همه انجام دهند. شما می‌توانید به یک زن برابری خواه بدل شوید اما مادر یا زن خانه‌دار باشید. انتخاب خود را داشته باشید.

که خانه‌داری، نقطه تفارق و تقسیم زنان به دو دسته زنان خانه‌دار و زنان شاغل باشد.

حقی دارید شخصا برای زندگی‌تان تصمیم بگیرید

فقط به یاد داشته باشید، همه با کفش شما راه نمی‌روند و جای شما نیستند. برخی افراد احساس می‌کنند که ما دیگر نیازی به فمینیسم نداریم زیرا ما همین الان هم از برابری برخورداریم. حتی اگر این موضوع واقعیت داشته باشد که ندارد، حتی در کشورهای پیشرفته دنیا، همچنان اختلاف دستمزد بین زن و مرد وجود دارد و هنوز در بسیاری از کشورهای دنیا، زنان از اولین حقوق انسانی خود بهره‌مند نیستند. با این همه، نباید اعتراض و مبارزه را متوقف کرد، که البته بخشی از آن به ضرر زنانه تمام می‌شود که قصد ماندن در خانه را به عنوان مادر دارند. برای همین، باید شما که تصمیم دارید زن خانه‌دار باشید، بر حقوق خود برای داشتن انتخاب آگاه باشید.

اما این بدان معنا نیست که شما مجبور هستید تا یک زن و مادری خانه‌دار نباشید. بلکه شما می‌توانید یک زن فمینیست باشید و اگر بخواهید یک مادر خانه‌دار هم باشید. بنیادی‌ترین تعریف از فمینیسم (بدون در نظر گرفتن انواع مختلف آن در طول زمان‌های متمادی) حمایت از حقوق زنان بر اساس برابری جنسیتی است. بخش بزرگی از آن، آزادی زنان است. بدین ترتیب که فمینیسم این شرایط را فراهم می‌کند تا زنان بدانند محدود به مسئولیت‌های خانه‌داری نیستند و خارج از خانه نیز می‌توانند حرفه‌های مختلف کاری و مدیریتی و غیره را انتخاب کنند. فمینیسم فقط می‌خواهد تمام فرصت‌ها در اختیار زنان و در دسترس‌شان باشد، اما این بدان معنا نیست که مجبور به کاری هستید که نمی‌خواهید انجامش دهید.

باید از کسانی که احساس می‌کنند که فمینیسم به احساسات آنها برای خانه‌داری حمله می‌کند، حمایت

نسبت به استرس داشته باشید. بسیاری از مردم این را می‌دانند، اما انجام ورزش منظم و زیر نظر مربی سر باز می‌زنند چرا که استرس کاری دارند یا بیش از حد گرفتار هستند. ما بیشترین بهره را با ورزش کردن می‌بریم، در حالی که به دنبال مسکن یا درمان دارویی دیگری برای کاهش استرس خود هستیم.

فرصت را از دست ندهید

در هنگام استرس ما احساس شکست و ناکامی می‌کنیم یا خسته از تلاش همیشگی هستیم و فرصت‌ها را با قرار گرفتن در یک وضعیت بد از دست می‌دهیم. ناامیدی یا احساس شکست منجر به ایستایی و غفلت از قدم‌های بعدی می‌شود و یک شکست موقت را به یک مشکل عظیم و ماندگار بدل می‌کند. نگاه خوش‌بینانه و مثبت می‌تواند نه تنها به شما کمک کند تا احساس شادی و سپاسگزاری داشته باشید بلکه می‌تواند شما را برای دیدن فرصت‌های تازه و تمرکز بیشتر بر نکات مثبت زندگی، از موارد استرس‌زا و اضطراب‌آفرین دور کند.

که کاملاً بستگی به پاسخی دارد که از طرف مقابل دریافت می‌کنند. این پاسخ مانند جنگ یا گرفتن جانی تازه است. پس دوستی و دشمنی دوران استرس چندان هم قابل اطمینان و اتکان نیست.

مسئولیت بیش از حد توان خود قبول نکنید

هنگامی که سرمان بیش از حد شلوغ است، حتی اگر از برنامه‌های هیجان‌انگیز و دوست‌داشتنی هم پر شده‌باشد، باز هم حس می‌کنیم تحت فشار هستیم و کمبود وقت داریم. اگر برنامه نامنظم و بهم ریخته‌ای دارید با فعالیت‌های استرس‌زا و یا غیر ضروری، شرایط را سخت‌تر نکنید. یاد بگیرید نه بگویید و خواسته‌های خود را طوری برنامه‌ریزی کنید تا باعث کاهش استرس شود و استراتژی بزرگ شما همان آرامش درونی را پدید آورد.

منفی‌نگر نباشید

الگوهای فکری می‌تواند همیشگی باشد. اما باید به خاطر داشت که ذهنیت انسان نسبت به جهان می‌تواند

بی‌فایده است و بیش از حد ما را به وادی فکری منفی و وسواس‌های فکری می‌اندازد. این نوع تفکر را به عنوان «نشخوار» فکری می‌شناسند و هنگامی که ما طعمه نشخوار افکار خود می‌شویم، تمرکز ما بر افکار منفی بیشتر می‌شود و استرس افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی تمرکز ما بیشتر روی اشتباهات است تا راهکار.

استراحت کنید

خیلی چیزها به بالا رفتن سطح استرس و اضطراب ما کمک می‌کند، اما کمبود خواب یکی از عوامل مهم افزایش استرس است. وقتی که ما خواب کافی نداریم، نه تنها بیشتر نسبت به استرس واکنش نشان می‌دهیم، بلکه شناخت خود را هم از دست می‌دهیم و بیشتر مضطرب می‌شویم. پس سعی کنید خواب خود را تنظیم کنید و طبق روال همیشگی حداقل ۸ ساعت استراحت کنید.

تنقلات نخورید

آنچه می‌خوریم، تأثیر مستقیم روی

مردان شاخص



جواد فالیزوانیان (۱۳۸۴ - ۱۳۴۸)

محمدجواد فالیزوانیان موتورسوار حرفه‌ای و قهرمان پرش با موتور آسیا بود که در هنگام اجرای پرش از روی ۲۲ اتوبوس در پیست موتورسواری ورزشگاه آزادی جان خود را از دست داد. فالیزوانیان موتورسواری را از ۱۴ سالگی شروع کرد و پیش از مرگ ده سال سابقه پرش با موتور و اجرای ۱۵۷ برنامه پرش از روی ماشین، واگن و حلقه آتش را در کارنامه خود داشت. وی در اردیبهشت ۱۳۸۴ با موتورسیکلت سوزوکی ۲۵۰ خود عرض رودخانه کر در شهرستان مرودرشت را با پرشی ۵۳ متری طی کرد که رکوردی جدید در تاریخ موتورسواری آسیا بود. فالیزوانیان در روز ۴ شهریور ۱۳۸۴ در پیست موتورسواری ورزشگاه آزادی قصد داشت تا با عبور از ۲۲ اتوبوس به مسافت ۶۶ متر رکورد جدیدی برای پرش با موتور ثبت کند. وی برای اجرای این برنامه ۳۰ میلیون تومان وام گرفته بود. برنامه او از تلویزیون ایران بطور مستقیم پخش می‌شد اما

با وقوع سانحه پخش تلویزیونی قطع شد. فالیزوانیان با چرخ عقب بر روی اتوبوس سیزدهم فرود آمد و از روی اتوبوس چهاردهم در فضای خالی میان اتوبوس چهاردهم و پانزدهم به سمت زمین حرکت کرد. او قبل از پرش چند بار جلوی سکوی پرش را پیش آمده اما ناگهان مسیرش را عوض کرد و از گوشه پیست به راه خود ادامه داده بود. چند دقیقه قبل از پرش هم وقتی می‌خواست خودش را گرم کند، دو بار با موتور به زمین خورد.



برنامه تحقیقاتی

مبارزه با فقر در دانشگاه میشیگان

از مهمترین اقدامات و برنامه‌های دولت‌های کشورهای مختلف جهان مبارزه با فقر است که با فرهنگ سازی‌های مختلف و آموزش‌های مدیریت هزینه زندگی و هم‌چنین بسته‌های حمایت اقتصادی همواره در دستور کار مدیران قرار می‌گیرد در یکی از دانشگاه‌های آمریکا نیز طرح مطالعاتی راهکارهای مبارزه با فقر در حال انجام است. دانشگاه میشیگان آمریکا مجموعه‌ای از پروژه‌های تحقیقاتی را در راستای مبارزه با فقر و کاهش آن آغاز می‌کند. به گزارش ایسنا به نقل از Inverse Education، طرح دانشگاه میشیگان که با عنوان "راه حلی برای فقر" آغاز شده است به بررسی رهیافت‌هایی می‌پردازد که می‌تواند سبب کاهش فقر شود. بخش اول این پروژه با بودجه ۲۰۰ هزار دلاری کار خود را آغاز کرده است. لوک شیفر استادیار دانشگاه میشیگان و مسئول این طرح گفت: هدف این برنامه این است که به صورت علمی و آکادمیک موارد منجر به فقر را شناسایی کرده و راهکارهای مناسب برای هر مورد را ارائه دهد. چندین سازمان اجتماعی در زمینه‌های بهداشت فردی و روانی در دیترویت با این پروژه همکاری فعال و همه‌جانبه دارند و به افرادی که با این پروژه همکاری می‌کنند کمک می‌کنند تا روش‌های کاهش هزینه زندگی و مالیات را بیاموزند و در زندگی خود به کار ببندند. مسئولان دانشگاه میشیگان اعلام کرده‌اند که این طرح بر روی رفتارهای اقتصادی افراد در شرایط مختلف تمرکز می‌کند تا بتواند مدل‌های ذهنی مشترک را بین افرادی که در زمینه اقتصادی در این شکست می‌خورند، شناسایی سال‌ها حضور در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک و اینستاگرام و توئیتر به بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی روزانه تبدیل شده. این حضور اما می‌تواند با تأثیر منفی بر مناسبات واقعی انسان‌ها سبب دوری آنان از یکدیگر شده و به ویژه در زندگی مشترک، زوج‌ها را از اوقات و سرگرمی‌های مشترک غافل کند و حتی رابطه آنها را بهم برزند. در اینجا با برخی عادات زوج‌های خوشبخت آشنا می‌شوید که رابطه خود را بیش از شبکه‌های اجتماعی دوست دارند و از آن مراقبت می‌کنند.

شما تنها آدم نیستید
میا مکلفینگ وبلاگ‌نویس می‌گوید: «من همیشه فکر می‌کردم، فقط این من هستم که این افکار را دارم. به این موضوع اصلاً فکر نمی‌کردم که چرا همیشه به خودکشی فکر می‌کنم ولی هرگز انجامش نمی‌دهم. من در این مورد سیاه و سفید فکر کردم. فکر می‌کردم اجازه ندارم که به این موضوع فکر کنم، اگر زمانی که آن را عملی نکردم.» اما می‌تواند کسی نیست که در دنیا به خودکشی فکر می‌کند. فکر کردن به خودکشی سیاه و سفید نیست و کسی که به خودکشی فکر می‌کند، الزاماً قرار هم نیست، اجرایش کند.



مرد روز



رهی معیری

سزای چون تو گلی گر چه نیست خانه ما
بیا چو بوی گل امشب به آشیانه ما
تو ای ستاره خندان کجا خبر داری؟
ز ناله سحر و گریه شبانه ما
چو بانگ رعد خروشان که پیچد اندر کوه
جهان پر است ز گلبانگ عاشقانه ما
نوی گرم نی از فیض آتشین نفسی است
ز سوز سینه بود گرمی ترانه ما
چنان ز خاطر اهل جهان فراموشیم
که سیل نیز نگیرد سراغ خانه ما
بخنده رویی دشمن مخور فریب رهی
که برق خنده زنان سوخت آشیانه ما

فکر کردن به خودکشی، خودکشی نیست

فکر کردن درباره خودکشی به معنای این نیست که کسی قصد خودکشی دارد. خودکشی سیاه و سفید نیست و نباید فرض را بر این گذاشت که فکر کردن به خودکشی، به انجامش یکی است. مردم معمولاً در چنین شرایطی خودکشی را سیاه و سفید در نظر می‌گیرند و افکار خودکشی را برابر با تمایل به مرگ تفسیر می‌کنند. حال آنکه، کسانی که به خودکشی فکر می‌کنند، نمی‌خواهند بمیرند و می‌خواهند زندگی کنند. آنچه که اکثر مردم نمی‌دانند این است که بین سیاه و سفیدی مرگ و زندگی نقاط خاکستری هم وجود دارد. میا مکلفینگ وبلاگ‌نویس که دوره‌های متمادی بیماری افسردگی را پشت سر گذاشته، می‌گوید: «در دوران کودکی به خودکشی فکر می‌کردم. خاطرم هست یک روز بعد از مدرسه به خانه برگشتم. حسابی

چطور رابطه‌تان را بیشتر از شبکه‌های اجتماعی دوست داشته باشید

مدام دونفره پیدا کنید. در دنیای پرمشغله و دیوانه‌وار کنونی چندان آسان نیست که با وجود گرفتاری‌ها یکدیگر را فراموش نکنیم. به یاد بیاورید اولین روز دیدارتان تا چه اندازه هیجانزده بودید. کاری کنید تا دوباره یکدیگر را به هیجان بیاورید. فراموش نکنید که کسی را دوست دارید و او هم شما را دوست دارد. شریک زندگی‌تان را نگاه کنید و شکرگزار باشید که یکدیگر را دارید و با هم هستیید.

آنها با هم بیرون می‌روند

داشتن یک قرار شبانه ضروری است. شبیه زمانی که برای بارهای اول هدیه‌ها را می‌دید، برای تمام طول شب برنامه‌ریزی کنید. این برنامه را به عادت دونفره بدل کنید. قرار زندگی‌تان را به بهتر کردن رابطه تشویق می‌کند. شاید لباس پوشیدن و بیرون رفتن این چنینی مضحک به نظر برسد ولی نه تنها مضحک نیست بلکه عشق شما را قوت می‌بخشد. وقتی این جرعه نورانی را روشن نگه می‌دارید، خوشحال خواهید بود.

آنها از مشارکت با هم لذت می‌برند
یک دوست واقعی بودن یکی دیگر از کارهای مهم شماس است. وقتی شما با هم هستیید، لذتی ابدی می‌برید. این می‌تواند آسانترین دلیل برای شراکت با هم باشد. شما در این شراکت از لذت‌ها، علاقمندی‌ها و اساسی‌ترین چیزها با هم صحبت می‌کنید.

آنها روال عادی امور را می‌شکنند
رابطه شما نباید شکلی عادی و تکراری داشته باشد. آیا در طول روز زندگی تکراری دارید؟ هر شب کارهای مشابهی می‌کنید؟ اگر چنین است، آن را تغییر دهید و زندگی‌شان آنها را آزرده می‌کند، به اتفاقی غیرقابل پیش‌بینی تبدیل کنید. احساسات خود را به کاری برنامه‌ریزی شده بدل نکنید. بگذارید خود به خود در آغوش هم باشید و از دیدن یکدیگر شاد شوید و هر بار سرگرمی تازه داشته باشید.

موبایل و گوشی را کنار می‌گذارند

زوج‌های موفق گوشی و موبایل و تلفن را کنار می‌گذارند و بر رابطه دونفره‌ی خود متمرکز می‌شوند. هر اتفاقی هم که ممکن است در فضای مجازی بیفتد، مهم نیست. چه شکالی دارد در فضای مجازی نباشید و فیس‌بوک و اینستاگرام و توئیتر را منتظر بگذارید؟! مطمئناً داشته باشید هیچ اتفاقی نمی‌افتد!

اینها کلید یک رابطه موفق است که با هم بودن را ارزشمند و زندگی مشترک را بامعنا و شاد می‌کند.



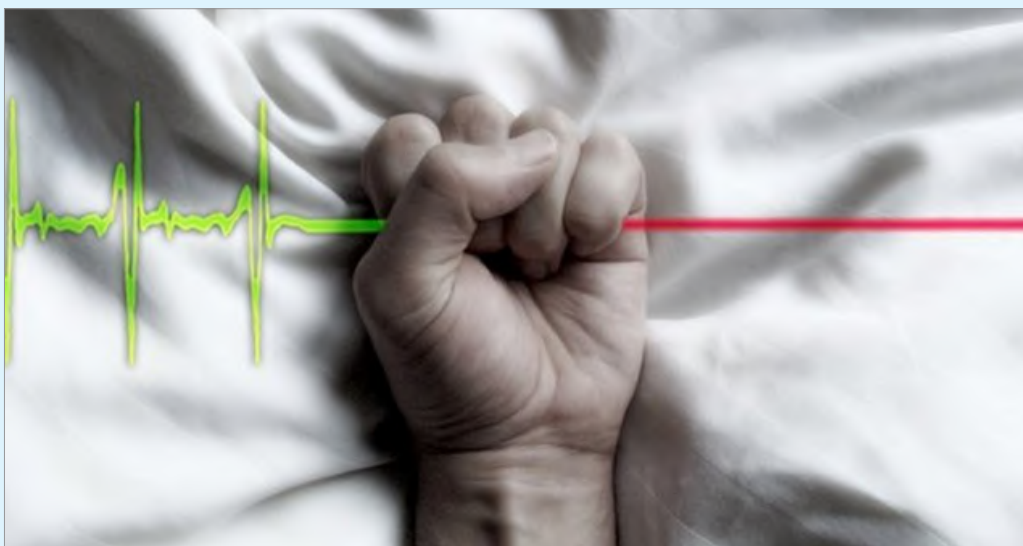
دارند. این به معنای نق زدن مدام و سخنان آزاردهنده و انتقادات کوبنده نیست. اگر چیزی در رفتار شریک تلویزیون تماشا کنید، آنهم وقتی که آن را در یک مکالمه منطقی بیان می‌کنند.

سلام کردن و بوسیدن یکدیگر را اجرا می‌کنند چون «کلیشه‌ای» ضروریست

قبل از اینکه خانه را به مقصد محل کار ترک کنند، شریک زندگی خود را با بوسه خداحافظی ترک می‌کنند و به او می‌گویند که دوستش دارند. وقت بازگشت به خانه نیز چنین می‌کنند. اجرای کلیشه‌های رایج صبح و شام برای حفظ یک رابطه ضروری است، چرا که احساسات خود را با بوسیدن و ابراز علاقه بیشتر می‌کنند. مردم همیشه چنین موقعیت‌هایی را به واسطه تکراری شدن بی‌اهمیت قلمداد می‌کنند اما شما می‌توانید این کلیشه‌ها را رفتاری موثر بدانید و در آن خلاقیت داشته باشید، مثلاً برای همسران یادداشت بگذارید.

یکدیگر را فراموش نمی‌کنند

آیا به یاد دارید زمانی که تازه وارد رابطه با شریک زندگی خود شده بودید، در اتاق نشیمن مانده باشید و تلویزیون تماشا کنید، آنهم وقتی که همسران به تخته‌خواب رفته باشند؟ اینکه همزمان با هم به تخته‌خواب بروید در دوام رابطه موثر است. این کار ثابت می‌کند که شما با هم هماهنگ هستیید. حتی اگر قصد برقراری رابطه جنسی با هم ندارید، وارد شدن همزمان به تخت نشان می‌دهد که شما همواره در تلاش هستیید تا با هم یک روز را به پایان برسانید. **به دنبال سرگرمی‌های مشترک** پیدا کردن سرگرمی‌های مشترک در یک رابطه بسیار حائز اهمیت است. واضح است که لازم نیست همه سرگرمی‌های خود را با همسران به اشتراک بگذارید. اما فراموش نکنید باید به دنبال سرگرمی‌هایی باشید که مناسب یک زوج باشد. به دنبال رستوران‌های جدید و تازه باشید. هر آخر هفته بیرون شهر دوچرخه‌سواری کنید یا برای یک خوشگذرانی ساده با هم سریال تماشا کنید. یک سرگرمی



هر نوع احساس انسانی، ارزشمند است و نباید نادیده گرفته شود. بسیاری از کسانی که این افکار را دارند، مدت زمان طولانی آن را در ذهن خود نگه می‌دارند و بیانش نمی‌کنند. اما باید این احساس را بیان کرد، با فرد مهم زندگی‌تان، عضوی از خانواده، یک دوست و یک درمانگر در این باره صحبت کنید.

بزرگترین اشتباه این است که سالها این افکار را نزد خود نگه دارید و از این هراس داشته باشید تا با افکارتان دیگران را خسته کنید. نترسید که فکر کنید می‌خواهید واقعاً خودکشی کنید یا اینکه نکنند بخواهند شما را به بیمارستان ببرند و سعی کنند تا نجات‌تان دهند. در این مقاله می‌خواهیم بگوییم، صحبت کردن از افکار خودکشی احساس بسیار تسکین‌دهنده‌ای دارد که به شما کمک خواهد کرد. این شاید ترسناک باشد که به دیگران بگویید چطور احساس می‌کنید ولی این تنها شما نیستید که به خودکشی فکر می‌کنید، پس مجبور نیستید تا ابد تنها بمانید.

هرگز نمی‌دانید این افکار چه وقت به سراغ‌تان می‌آیند. چند روز شما خیلی خوشحال هستیید و نمی‌توانید باور کنید که زندگی چقدر خوب است ولی روز بعد، خودتان را با چشم‌هایی پر از اشک در یک اتاق تنها پیدا می‌کنید که دارید با خودتان فکر می‌کنید بهتر است بمیرم. شما احساس تنهایی می‌کنید. احساس اینکه از دیگران دور افتاده‌اید و جهان بدون شما جای بهتری است.

این احساسات مواج هستند

این احساس شبیه این می‌ماند که در حال شنا کردن زیر آفتاب درختان هستیید و اندکی بعد یک موج دریا شما را با خود به قعر تاریکی آب می‌برد. مهم نیست که چقدر سعی می‌کنید دوباره به روی آب بیایید، موج جدیدی می‌آید و دوباره و دوباره باز می‌گردد. **و پس از آن متوقف می‌شود** اما شما هرگز نمی‌دانید که چه موقع موج بعدی می‌آید و شما هرگز نمی‌دانید که چه موقع دوباره به روی آب باز خواهید گشت.

حذف پرسپولیس و استقلال از لیگ قهرمانان آسیا؛ همه واقعیت فوتبال ایران ...



افسوس روزبه چشمی مدافع استقلال (تاج) پس از دریافت گل تساوی این تیم از الدحیل

● به اعتقاد بسیاری از کارشناسان پرسپولیس و استقلال بازی‌های خوبی در آسیا انجام دادند اما «زور» حریفان آنها خیلی بیشتر بود. ● روزگاری غیرت و تعصب و به قول فوتبالی‌ها «سفت بازی کردن» وقتی با حمایت‌های تماشاگران همراه می‌شد نتیجه‌بخش بود اما اکنون تاریخ مصرف این روش‌ها گذشته و حریفان کاملاً حرفه‌ای هستند.

تیم‌های پرسپولیس و استقلال (تاج)، دوشنبه شب ۱۶ اردیبهشت، از رقابت‌های لیگ قهرمانان آسیا حذف شدند.

در رقابت‌های آسیایی ایران سه نماینده داشت که از میان آنها فقط ذوب آهن اصفهان به دور دوم رقابت‌ها صعود کرد و این تیم با هدایت علی منصوریان نتایج فوق‌العاده گرفته است. حذف دو تیم بزرگ پایتخت از این مسابقات در حالی رقم خورد که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان بازی‌های خوبی انجام دادند اما «زور» حریفان آنها خیلی بیشتر بود. پرسپولیس و استقلال (تاج) گرانترین تیم‌های ایران هستند اما در آسیا حریفانی دارند که قیمت دو سه بازیکن آنها از مجموع کل هزینه‌های هر یک از این تیم‌ها در کل سال بیشتر است.

مسابقات باشگاه‌های آسیا در این سال‌ها عرصه رقابت تیم‌های عربی شده است؛ الدحیل، الهلال، العین، السد، الاهلی و سایر تیم‌ها که بعضی از آنها به اندازه مجموع بازیکنان خارجی

دو تیم استقلال و پرسپولیس بازیکن خارجی دارند.

شاید تا همین یکی دو دهه پیش به لطف حمایت‌ها و فشار تماشاگران پرشمار دو تیم پایتخت در بازی‌های خانگی راه صعود ممکن می‌شد اما بازیکنان و حریفان تیم‌های ایرانی حالا آنقدر حرفه‌ای هستند که جو استادیوم «آزادی» که روزی نقطه قوت تیم‌های ایرانی بود در روح و روان آنها بی‌اثر است.

در پایان مسابقه تیم استقلال و الدحیل قطر که با تساوی یک بر یک تقریباً تمام شانس‌های استقلال برای صعود را از بین برد تماشاگران علیه سلطانی‌فر وزیر ورزش و فتاحی مدیرعامل استقلال شعار دادند، واکنشی که بارها در حاشیه رقابت‌های امسال تکرار شده است.

بعید است تا وضعیت مالی این دو باشگاه روشن شود از آنها انتظار داشت در مقابل حریفان حرفه‌ای خود که روز به روز بهتر شده‌اند حرفی برای

فدراسیون فوتبال منتظر پاسخ آدوکات؟



تیم فوتبال ایران قرار است روز ۲۱ خرداد آینده در ورزشگاه جام جهانی سئول یک بازی دوستانه با فدراسیون فوتبال و حامی مالی آن، وزارت ورزش، بعد از پیوستن کارلوس کیروش سرمربی پرتغالی تیم ایران به تیم ملی کلمبیا گفتند عجله‌ای برای استخدام مربی جدید ندارند، بعید نیست تیم ایران را یک سرمربی موقت در سفر به سئول همراهی کند. بعد از جدایی کیروش از تیم ملی، مسئولان فدراسیون فوتبال گفتند به دنبال یک مربی سرشناس هستند و در این مدت نام چند مربی نسبتاً معروف برای هدایت تیم فوتبال ایران مطرح بوده که ظاهراً مهدی تاج رئیس فدراسیون با آنها تماس داشته که آخرین آنها نیز دیک آدوکات، سرمربی هلندی پیشین تیم‌های ملی هلند، کره جنوبی، بلژیک، امارات، روسیه، صربستان و باشگاه گلاسکو رنجر اسکاتلند است. گفته می‌شود فدراسیون فوتبال اسکاتلند علاقه به استخدام آدوکات دارد. نشریه ساندی پست چاپ اسکاتلند نوشت: ایران نیز در فکر به کار گرفتن دیک آدوکات برای رهبری تیم ملی آن کشور است. آدوکات که ۷۱ سال دارد در ماه ژوئیه قراردادش با تیم اوترخت به پایان می‌رسد و دستش برای انتخاب ایران، اسکاتلند یا دیگر متقاضیان استخدام او کاملاً باز خواهد بود. این هفته گفت: هنوز مسئولان فدراسیون فوتبال اسکاتلند با او تماس نگرفته‌اند اما اگر مرا بخواهند قطعاً پاسخم به آنها مثبت خواهد بود.

ویلموتس در صدر لیست نامزدهای سرمربی گری تیم ملی



در حالی که مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال روز چهارشنبه به خبرنگاران ورزشی اطمینان داد در سه روز آینده نام سرمربی جدید تیم ملی فوتبال اعلام خواهد شد اما آشنایان به شرایط ناسامان سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی در حال حاضر قول‌های رئیس فدراسیون را برای معرفی هرچه زودتر جانشین کارلوس کیروش چندان جدی نمی‌گیرند.

روز چهارشنبه نام نامزد جدیدی برای مربیگری تیم ملی فوتبال ایران سر زبان‌ها افتاد. این شخص مارک ویلموتس سرمربی پیشین و نسبتاً جوان تیم ملی بلژیک است. از روزی که کارلوس کیروش پس از ۸ سال هدایت تیم ایران با تلخی و بدون بدرقه دوستانه و عدم دریافت بخش عمده‌ای از حقوق معوقه‌اش ایران را ترک کرد تا امروز نام‌های مختلفی به عنوان جانشین او مطرح بوده است که زین‌الدین زیدان، خوزه مورینیو، فوستاتی، یورگن کلاینزمن، مونتلا، بلان و زرنار آدوکات از آن جمله‌اند. مهدی تاج رئیس فدراسیون هفته قبل چند روزی را در خارج از کشور گذراند و با یکی دو تن از مربیان نسبتاً سرشناس خارجی دیدار و گفتگو کرد. او چند بار تا کنون صحبت از معرفی

حمله تماشاگران عراقی به بازیکنان ذوب آهن در استادیوم کربلا: در ورزشگاهی که با پول مردم ایران ساخته شده امنیت نداشتیم!



میلاد فخرالدین در مقابل تماشاگری که به او هجوم آورده دفاع کند

حس برادری رو فقط مسئولین حس میکنند (نوش چونشون)... «هر چی مردم میگفتن و میگن درسته و واقعیتش من خودم فکر میکردم مردم ما اطلاعات کافی ندارند ولی الان که خودم دیدم فهمیدم کاملاً درست میگفتن و دل‌میسوزه که این مردم ما چقدر مظلوم خدایی... بازیکنی نیستم که به حواشی فوتبالی توجهی بکنم ولی واقعا به غیرتم بر خورد که این متن رونوشتیم.»

اسفند ۱۳۹۶، مجله اکونومیست در گزارشی به رقابت میان رژیم ایران و عربستان در مناطق شیعه‌نشین عراق پرداخت که همان زمان ترجمه آن در کیهان لندن منتشر شد.

در بخشی از این گزارش به افزایش قدرت نرم عربستان با کمک سرمایه‌گذاری‌های کلان در عراق اشاره شده بود که برگزاری مسابقه دوستانه فوتبال بین تیم‌های فوتبال عربستان و عراق در شهر بصره از نشانه‌های آن بود. این مسابقه نخستین دیداری بود که بعد از نزدیک به چهل سال انجام شد و به اعتقاد تحلیلگران فرصت خوبی برای بهبود روابط دو کشور شد. در این دیدار بازیکنان عربستان با نشان‌هایی از پرچم عراق وارد زمین شدند و روی سکوها تماشاگران عراقی با پرچم‌های عربستان نشسته بودند.

چند ماه بعد مردم در شهرهای نجف، کربلا و بصره در اعتراض به وضعیت معیشتی و مشکلات اقتصادی و قطع مکرر برق و آب و افزایش بیکاری به خیابان‌ها ریختند که ده‌ها کشته و زخمی و بازداشتی بر جای گذاشت. معترضان علیه سیاست‌های جمهوری اسلامی و روح‌الله خمینی و قاسم سلیمانی شعار می‌دادند و برنهای آنها را به آتش می‌کشیدند. ریشه اعتراضات و خشم هواداران تیم الزوراء سیاسی است و در واقع بازیکنان ذوب آهن اصفهان فدای سیاست‌های مداخله جویانه جمهوری اسلامی در عراق و نفرت مردم این کشور از حکومت اسلامی در ایران شدند.

● میلاد فخرالدین دفاع ذوب آهن: بازی شرایط سختی داشت، متأسفانه از زمانی که تیم حریف جلو افتاد، هر وقت ما کنار زمین از توپ جمع کن‌ها توپ می‌خواستیم توهین می‌کردند.

● رشید مظاهری دروازه‌بان ذوب آهن: توی ورزشگاهی که با پول مردم ایران ساخته شده امنیت جانی نداشتیم!

● ریشه اعتراضات و خشم هواداران تیم الزوراء سیاسی است و در واقع بازیکنان ذوب آهن اصفهان فدای سیاست‌های مداخله جویانه جمهوری اسلامی در عراق شده‌اند.

تماشاگران تیم الزوراء عراق در جریان بازی مقابل تیم ذوب آهن اصفهان که در استادیوم کربلا برگزار شد پس از هجوم به داخل زمین چمن به بازیکنان ایرانی حمله کردند. این مسابقه در مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا سه‌شنبه شب، ۱۷ اردیبهشت، در عراق برگزار شد که با نتیجه تساوی دو بر دو خاتمه یافت و تیم ذوب آهن به مرحله دوم رقابت‌ها صعود کرد. تیم ذوب آهن در این بازی جنجالی موفق شد در دقایق پایانی گل تساوی را وارد دروازه الزوراء کند که به حذف نماینده عراق از رقابت‌ها منجر شد.

پس از این گل بود که تماشاگران عراقی عصبی شدند و استادیوم متشنج شد. تعدادی از هواداران تیم عراقی به جان بازیکنان سبزپوش ذوب آهن افتادند و آنها را مجبور به دفاع از خود کردند.

خبرگزاری‌های نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از جمله فارس و تسنیم خبرهای مربوط به این درگیری‌ها را سانسور کردند اما وبسایت «ورزش سه» نوشته، یکی از هواداران به سمت قاسم حدادی‌فر حمله کرد و با دست ضربه‌ای به سر او زد. همچنین میلاد فخرالدینی، حمید بوحمندان و برخی دیگر از بازیکنان ذوب آهن نیز در واکنش به حمله چند هوادار عراقی از خود دفاع کردند. خبرگزاری تسنیم بدون اشاره به هجوم تماشاگران عراقی به داخل زمین، به نقل از مهدی رجبزاده کاپیتان سابق ذوب آهن نوشت، «اینکه میلاد فخرالدینی به سمت تماشاگران عراقی سنگ پرتاب کرد، کار خوبی نبود. بازیکن با تجربه‌ای مانند میلاد باید در آن شرایط جو را آرام کند و اگر فرد جوانی احساسی عمل کرد، بازیکنان باتجربه‌تر اوضاع

مهدی تاج: مشکل ارزی دلیل تاخیر در استخدام مربی خارجی است



که هیچ ، مسابقه رسمی یا دوستانه هم نداشتیم. اما حالا باید خود را برای دیدار با تیم‌های ملی سوریه و کره جنوبی آماده کنیم.

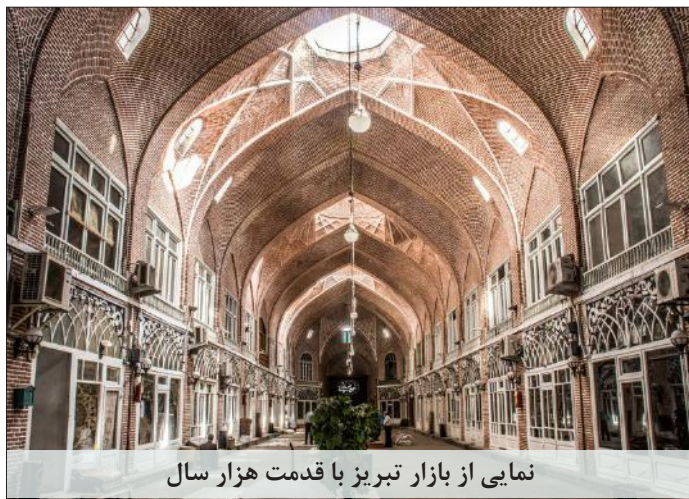
مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال سرانجام روز دوشنبه این هفته سکوت طولانی خود را در مورد علت تاخیر در استخدام سرمربی تیم ملی شکست و اعتراف کرد؛ گرفتاری اصلی برای به کار گرفتن یک مربی سرشناس خارجی در درجه اول پرداخت حقوق او به ارز خارجی و مشکل دوم مبادله اسناد و اطلاعاتی است که باید در اختیار وی قرار داده شود.

مهدی تاج: به توصیه رهبر باید فضای موجود در کشور با توجه به تحریم‌ها تنظیم شود. بنابراین فوتبال ایران هم نیاز به چنین او افزود: مسائل دیگری نیز در این رابطه وجود دارد که نمی‌توانیم درباره آنها صحبت کنیم. تاج ادامه داد: از ابتدا هم به دنبال مربی خارجی بودیم و متأسفانه در این مدت یک «فیفا دی» یا روز فیفا را از دست دادیم

مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال سرانجام روز دوشنبه این هفته سکوت طولانی خود را در مورد علت تاخیر در استخدام سرمربی تیم ملی شکست و اعتراف کرد؛ گرفتاری اصلی برای به کار گرفتن یک مربی سرشناس خارجی در درجه اول پرداخت حقوق او به ارز خارجی و مشکل دوم مبادله اسناد و اطلاعاتی است که باید در اختیار وی قرار داده شود.

مهدی تاج: به توصیه رهبر باید فضای موجود در کشور با توجه به تحریم‌ها تنظیم شود. بنابراین فوتبال ایران هم نیاز به چنین آرایشی دارد! تاج گفت: در جلسه‌ای که با مدیران ۱۶ تیم لیگ برتر داشتیم ، به آنها گفتیم چهارم محدودیت‌هایی را قائل شویم. مثلاً اگر بازیکن خارجی می‌آوریم باید کیفیت بهتری از فوتبالیست‌های داخلی داشته باشد. گفتنی است که دلیل شکایت کارلوس کیروش، سرمربی پیشین تیم ملی فوتبال که در حال حاضر همین سمت را در تیم ملی فوتبال کلمبیا دارد، به فدراسیون جهانی فوتبال

بازار تاریخی تبریز؛ میراث جهانی یونسکو در آتش سوخت



نمایی از بازار تبریز با قدمت هزار سال

باعث شد که «امروز کمترین خسارت را در بافت بازار و معماری آن شاهد باشیم».

بازار تبریز از جمله آثار تاریخی ثبت شده ایران در فهرست یونسکو است که در سال‌های گذشته بارها دچار آتش‌سوزی شده. با اینکه فعالان میراث فرهنگی همواره نسبت به عدم ایمنی برق‌کشی و بی‌توجهی مغازه‌داران به بافت تاریخی، هشدار داده‌اند ولی این بار هم این بازار در آتش سوخت.

۱۰ سال پیش نیز آتش‌سوزی سرای «ایکی‌قاپیلار» بازار تبریز در آستانه ثبت جهانی این بازار رخ داد و ۱۲۰ دهنه مغازه در آتش سوختند. بازار تبریز در سال ۸۹ به عنوان میراث مشترک بشری در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شد. بازار تبریز قدمتی هزارساله دارد و یکی از بزرگترین بازارهای سرپوشیده و یکپارچه در جهان به شمار می‌رود. این بازار پس از زلزله در سال ۱۱۹۳ هجری قمری، در دوران قاجار به دستور عباس میرزا بازسازی و مرمت شد. بازار تبریز ۲۰ راسته، ۲۵ تیمچه، ۱۱ دالان، ۲۴ کاروانسرا، ۵۵۰۰ حجره، ۴۰ صنف گوناگون، ۱۹ مسجد و ۹ مدرسه دینی دارد.

دانشگاه علوم پزشکی تبریز، در این آتش‌سوزی ۲۹ نفر مصدوم شدند که ۱۹ نفرشان آتش‌نشان بودند.

آنگونه که منابع داخلی نوشتند، ازدحام جمعیت و عدم امکان ورود تجهیزات آتش‌نشانی به داخل بازار، موجب گستردگی آتش و کندی روند مهار حریق شده است.

فرهاد عزیزی مدیرکل امور پایگاه‌های ثبت ملی و جهانی ایران درباره علت این آتش‌سوزی گفته است: «بررسی‌های اولیه بیانگر اتصال مجدد سیم‌های برق و آتش‌سوزی بازار تبریز است.»

مدیر پایگاه‌های میراث ملی و جهانی اضافه کرد که «کالاهای آرایشی و بهداشتی مستعد آتش‌سوزی هستند که متأسفانه این بار نیز همین بخش طعمه آتش شد و خسارت زیادی به بازار تاریخی تبریز وارد کرد.»

مرتضی آبدار مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری آذربایجان شرقی گفت که ارزیابی نهایی برآورد خسارت ادامه دارد ولی طبق ارزیابی اولیه ۱۰۰ مغازه این بازار آسیب دیده.

آبدار با این حال تأکید کرده که به دلیل مقاوم‌سازی‌های صورت گرفته پس از آتش‌سوزی ۱۰ سال پیش

● فرهاد عزیزی مدیرکل امور پایگاه‌های ثبت ملی و جهانی ایران علت این آتش‌سوزی را «اتصال مجدد سیم‌های برق» دانسته.

● ۱۰ سال پیش بخش عمده بازار تاریخی تبریز نیز دچار آتش‌سوزی شده بود.

● در این آتش‌سوزی ۲۹ نفر مصدوم شدند که ۱۹ نفرشان آتش‌نشان بودند.

● آتش‌زا بودن مواد آرایشی و بهداشتی نگهداری شده در این بخش بازار تبریز، عامل آتش‌سوزی بوده است.

بازار تبریز؛ بزرگترین بازار تاریخی سرپوشیده جهان پس از ۱۰ سال دوباره در آتش سوخت. در این آتش‌سوزی بخش گسترده‌ای از سرای «ایکی‌قاپیلار» و دو دالان این اثر ثبت شده در فهرست آثار جهانی یونسکو سوختند.

شامگاه دیروز چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت‌ماه سرای «ایکی‌قاپیلار» (سرای دو در) و دو دالان در بازار ثبت جهانی شده تبریز شب گذشته در آتش سوختند. آتش ساعت سه بامداد امروز مهار شد.

وسیع‌ترین بازار تاریخی سرپوشیده جهان در تبریز بار دیگر و پس از ۱۰ سال طعمه حریق شد و سرای «ایکی‌قاپیلی» (سرای دو در) و دو دالان در بازار ثبت جهانی شده تبریز از شب گذشته در آتش سوخت.

سرای «ایکی‌قاپیلار» محل عرضه لوازم آرایشی و بهداشتی است که یک دهه قبل نیز همین سرا به دلیل اتصال کابل‌های برق و مستعد بودن کالاهای عرضه شده در آن دچار آتش‌سوزی گسترده شد. طبق اعلام رئیس اورژانس

تشکیل «کمیته ویژه» برای واگذاری استقلال و پرسپولیس



سلطانی‌فر ابراز امیدواری کرده تا پایان سال ۹۸ استقلال و پرسپولیس خصوصی شوند

فرایند در سال ۹۸ صورت بگیرد و استقلال و پرسپولیس خصوصی شوند. بحث واگذاری دو تیم استقلال (تاج) و پرسپولیس به بخش خصوصی از دولت محمود احمدی‌نژاد تا امروز مطرح بوده و همچنان هم ادامه دارد و اتفاقاً یکی از شعارهای انتخاباتی حسن روحانی هم بوده است.

عدم واگذاری این دو باشگاه پرهوادار مجموعه دلایلی دارد که یک سر آن مسائل اقتصادی است و سر دیگر آن مسائل سیاسی و اجتماعی. موضوع اصلی اما بر سر این است که در ایران امروز «بخش خصوصی» در تعریف متعارف و اقتصاد بازار وجود ندارد و هر فعالیت اقتصادی به دولت و گروه‌های

مافیایی رژیم وصل و وابسته است. مرداد سال ۹۶ اعلام شد، پرسپولیس ۲۱۱ میلیارد و استقلال ۱۱۸ میلیارد تومان بدهی دارند. این رقم بدهی در اقتصاد آلوده جمهوری اسلامی ناچیز است اما رانتی که حضور در هیات مدیره این دو باشگاه ایجاد می‌کند و مزایای پیدا و پنهان غیرخصوصی بودن این دو باشگاه برای دولتی‌ها بیش از این حرف‌هاست.

سال ۱۳۹۳ در دولت روحانی، مزایده واگذاری استقلال (تاج) و پرسپولیس دو بار آگهی شد و هر بار هم لغو شد!

هم فکر می‌کنیم باشگاه‌هایی که خصوصی باشند فرایند رشد و توسعه خود را بهتر طی می‌کنند.» او تأکید کرده، استقلال و پرسپولیس خمیرمایه اصلی فوتبال کشور هستند و با خصوصی شدن حتماً می‌توانند در آموزش پایه تیم‌های خود کارهای اساسی‌تری انجام دهند.

وزیر ورزش و جوانان با بیان اینکه به نسبت دو سال و نیم قبل، امروز این دو باشگاه وضعیت بسیار بهتری دارند توضیح داد، بحث تأمین منابع مالی استقلال و پرسپولیس از اسپانسرینگ و تبلیغات آنها بدون وابستگی به بودجه دولتی ساماندهی شده است. همچنین در زمینه مالیات، نشست‌های مختلفی با سازمان مالیاتی داشتیم و شفاف‌سازی کامل انجام دادیم تا با این شفاف‌سازی بخش مهمی از مشکلات آنها حل شود.

سلطانی‌فر ادعا کرد، مقرر شده «کمیته ویژه» متشکل از تعدادی از نمایندگان مجلس، معاون ورزشی وزارت ورزش و جوانان، مدیران باشگاه استقلال و پرسپولیس، نمایندگان سازمان فرابورس، دیوان محاسبات و مرکز پژوهش‌های مجلس تشکیل شود تا با برگزاری جلسات مستمر هفتگی موضوع واگذاری این دو باشگاه را پیگیری کنند و به امید خدا کل این

● وزیر ورزش می‌گوید در مورد مسائل مالیاتی واگذاری استقلال و پرسپولیس شفاف‌سازی کامل انجام دادیم.

● عدم واگذاری این دو باشگاه پرهوادار مجموعه دلایلی دارد که یک سر آن مسائل اقتصادی است و سر دیگر آن مسائل سیاسی و اجتماعی است.

وزیر ورزش و جوانان جمهوری اسلامی با بیان این‌که دولت از خصوصی‌سازی زودتر استقلال (تاج) و پرسپولیس استقبال می‌کند، از تشکیل یک کمیته ویژه برای واگذاری این دو باشگاه خبر داد. به گزارش پایگاه خبری وزارت ورزش و جوانان، مسعود سلطانی‌فر گفت: «رسم اعلام می‌کنم که نظر دولت و وزارت ورزش این است که هرچه سریع‌تر دو باشگاه استقلال و پرسپولیس به بخش خصوصی واگذار شود. هر یک روزی که زودتر این اتفاق رخ بدهد بیشتر مورد استقبال ماست.» وی افزود، «هم از نظر الزامات بین‌المللی به این موضوع اصرار داریم

واکنش بازار ارز و طلا به کاهش تعهدات جمهوری اسلامی به برجام



صبح چهارشنبه همچنین هر مثقال طلا نیز با افزایش قیمت چشمگیر نسبت به روز گذشته به دو میلیون و ۵۰ هزار تومان معامله شد. قیمت هر سکه بهار آزادی نیز به ۵ میلیون و ۱۸۰ هزار تومان رسیده است. این در حالیست که معمولاً در ماه رمضان قیمت‌ها در بازار ارز و طلا روند کاهشی را طی می‌کرده است. اما به عقیده صرافان، سنبله بحران سیاسی در ایران چنان پررزون است که بر ماه رمضان هم غالب شده. بر اساس توافقی نانوشته قیمت ارز معمولاً ساعت یازده صبح اعلام می‌شود و اتفاقاً بسیاری از کارشناسان با این موضوع مشکل دارند و معتقدند ساعت بازار ارز در تهران نباید به وقت دوی تنظیم شود.

صرافان معتقدند «وضعیت چندان قابل پیش‌بینی نیست چرا که موقعیت سیاسی ایران با گذشته تفاوت دارد.» جدا از وضعیت سیاسی پیچیده‌ای که جمهوری اسلامی برای ایران درست کرده، وضعیت اقتصادی کشور نیز با توجه به رکود شدید و تورم فزاینده شرایط مساعدی ندارد و در چنین شرایطی تضعیف پول ملی که افزایش قیمت ارزها را در پی دارد، معضلی است که به شدت گریبان اقتصاد ایران را گرفته و آن را بیش از پیش تضعیف می‌کند.

● روز چهارشنبه افزایش قیمت خیلی زودتر از روزهای دیگر و در شرایطی که به قول صرافان ساعت معمول «درآمدن قیمت روز» فرا نرسیده بود، آغاز شد.

● صرافان معتقدند «وضعیت چندان قابل پیش‌بینی نیست چرا که موقعیت سیاسی ایران با گذشته تفاوت دارد.» بازار ارز که از روز گذشته در التهاب وضعیت سیاسی ایران بسر می‌برد از بامداد روز چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت نیز شاهد افزایش قیمت‌ها بود. یکی از مهمترین نکات در روند قیمت ارز در روز چهارشنبه این است که این افزایش قیمت خیلی زودتر از روزهای دیگر و در شرایطی که به قول صرافان ساعت معمول «درآمدن قیمت روز» فرا نرسیده بود، آغاز شد. همه ارزهای رایج در بازار ارز بامداد چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت با روندی افزایشی آغاز و در نخستین دقایق آغاز به کار صرافان دلار ۱۵۳۶۰، یورو ۱۷۲۵۰، درهم ۴۱۹۰، پوند ۲۰۰۵۰ و لیر ترکیه ۲۵۵۰ قیمت‌گذاری شد.

کودک فقیر در آلمان هشدار است بر این واقعیت که این چرخه معیوب همچنان ادامه دارد و باید پایان یابد.

کاهش خدمات تأمین اجتماعی، بی‌توجهی یا کم‌توجهی احزاب بزرگ و در قدرت در آلمان به مسائل اجتماعی، به ویژه در دو دهه گذشته باعث شده تا بخش بزرگی از مردم از این احزاب روگردان شوند. بخشی به حزب دست راستی «الترناتیو برای آلمان» گرایش پیدا کرده و بخشی نیز از شرکت در انتخابات خودداری می‌کنند. فشار از بدنه اجتماع، از همه قشرها، به دولت برای بازنگری در این سیاست افزایش یافته، اما اصلاحات تا کنونی نتوانسته رضایت معترضان را جلب کند. یکی از همین گروه‌های اجتماعی معترض، مادران و پدران تک‌سرپرست هستند. از همین روست که روز شنبه ۱۱ ماه مه با شعار «دیگر کافیسیت/بس‌مان است!» به خیابان‌ها می‌آیند تا سیاستمداران را به اقدامات موثر فرا بخوانند.

سیاستمداران در آلمان باید در این کشور ثروتمند به موازنه‌ای موثرتر از آنچه تا کنون بین ثروت و عدالت اجتماعی ایجاد کرده‌اند بیاندیشند. گسترش فقر و نابرابری توزیع ثروت در جامعه یکی از چالش‌های پیش روی احزاب بزرگ آلمان است. اگر این احزاب نتوانند به این موضوع پاسخ مناسب بدهند اعتراض‌های اجتماعی مشابه «جلیقه زردها»ی فرانسه تشدید شده و به ویژه بی‌اعتنایی‌رای دهندگان به آنها بیش از آنچه الان هست افزایش خواهد یافت به نحوی که ممکن است در انتخابات ایالتی و سراسری آینده، آرایش سیاسی به گونه‌ای تغییر کند که حذف یا کم‌رنگ شدن برخی از این احزاب را به دنبال بیاورد. وضعیتی که پیامد آن می‌تواند قدرت گرفتن احزاب راست بوده یا آنکه به دلیل پایین آمدن میزان آرای احزاب بزرگ، ائتلاف احزاب و تشکیل دولت آینده بسیار دشوار شود و همه اینها ثبات سیاسی و اقتصادی را در دنیای گلوبال و پُر رقابت، شکننده‌تر خواهد کرد. موقعیتی که اقتصاد آلمان، که اساساً بر صادرات متکی است، به سختی می‌تواند آن را برای مدت طولانی تحمل کند.



چرخه معیوب کودکان فقیر در آلمان

خردسال که هنوز به سن کودکستان نرسیده‌اند را بزرگ می‌کنند امکان کمتری دارند که بتوانند کاری با درآمد مناسب پیدا کنند. این وضعیت پیامدهای مالی به همراه داشته و آنها را بیشتر در معرض فقر قرار می‌دهد. در مقایسه با پدرانی که تک‌سرپرست هستند، ۴۲ درصد از مادران تک‌سرپرست ناچارند به کار نیمه‌وقت تن دهند، چرا که نمی‌توانند به خاطر سرپرستی از کودکان خردسال کار تمام وقت انجام دهند. از جمله پیامدهای بیکاری یا درآمد پایین در بین خانواده‌های تک‌سرپرست این است که ۱۴ درصد از خانواده‌های تک‌سرپرست امکان خرید مواد غذایی بطور منظم و در حد لازم را ندارند، این درصد برای کل جامعه ۷ درصد است. بر اساس برآوردهای اتحادیه حمایت از کودکان آلمان ۶۴ میلیون کودک در فقر زندگی می‌کنند. در آلمان یک مادر یا پدر تک‌سرپرست که با فرزند زیر ۱۴ سال زندگی می‌کند با درآمد ۹۶۹ یورو در ماه، در معرض فقر ارزیابی می‌شود.

● کاهش کمک‌های اجتماعی و پیامدهای آن بزرگ کردن بچه‌ها، حل و فصل کارهای روزمره، خانه‌داری، خرید، انجام کارهای اداری، بردن بچه‌ها به دکتر و مدرسه و پخت و پز و نظافت خانه و... همه اینها وقت‌گیر است، طوری که بسیاری از پدر و مادران تک‌سرپرست یا وقت کار کردن ندارند و یا ناگزیر

حنیف حیدرنژاد- امسال در آلمان روز یکشنبه ۱۲ ماه مه روز مادر است. بسیاری از مردم، از جمله پدر یا مادری که به تنهایی فرزندان خود را بزرگ می‌کنند در نظر دارند تا روز شنبه ۱۱ مه، یک روز زودتر از روز مادر در شهرهای مختلف به خیابان‌ها آمده و با تجمع و تظاهرات، اعتراض خود به گسترش فقر در بین کودکان را ابراز کنند. در آلمان در سال ۲۰۱۷ حدود ۴۱۶۰۰۰ پدر و تقریباً ۲ میلیون و ۲۰۳ هزار مادر به تنهایی سرپرستی کودک یا کودکان خود را به عهده داشته‌اند.

در آلمان یک نفر از هر پنج کودک، یعنی ۲۴ میلیون نفر تک‌سرپرست هستند. در سال ۲۰۱۶ درآمد یک خانوار تک‌سرپرست، شامل یک نفر بالغ و یک نفر کودک ۹۷۶ یورو و درآمد یک خانوار با دو نفر بالغ و یک کودک ۱۱۷۵ یورو بوده است. این یعنی سرانه خانواده تک‌سرپرست یک‌پنجم کمتر بوده. بدین ترتیب کودکان تک‌سرپرست بیشتر در معرض فقر قرار می‌گیرند. در ۲۰ سال گذشته شمار خانواده‌های تک‌سرپرست در آلمان افزایش و آمار خانواده‌های سنتی کاهش یافته است. در مقایسه با ۲۰ سال پیش تعداد کودکانی که در خانواده تک‌سرپرست بزرگ می‌شوند ۳۰۰۰۰۰ نفر افزایش داشته است. اغلب این کودکان در نزد مادرانشان زندگی می‌کنند. این در حالیست که از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۶ تعداد پدرانی که فرزندان را تنها سرپرستی می‌کنند بین ۱۰ تا ۱۳ درصد ثابت مانده است. تنها ۱۴ درصد از این پدران با کودکانی که هنوز به سن کودکستان نرسیده‌اند با هم زندگی می‌کنند. مادران تک‌سرپرست که بچه‌های

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۱۱۸)

(کیهان لندن شماره ۱۲۹۹)

احمد احرار

ناشر

را نگاه می‌کردند و می‌پرسیدند این دیگر کیست؟
اعلامیه چنین بود:

حکم می‌کنم

ماده اول - تمام اهالی شهر تهران باید ساکت و مطیع احکام نظامی باشند.

ماده دوم - حکومت نظامی در شهر برقرار و از ساعت ۸ بعد از ظهر غیر از افراد نظامی و پلیس مأمور انتظامات شهر کسی نباید در معابر عبور نماید. **ماده سوم -** کسانی که از طرف قوای نظامی و پلیس مظنون به مخل آسایش و انتظامات واقع شوند فوراً جلب و مجازات سخت خواهند شد. **ماده چهارم -** تمام روزنامه‌جات، اوراق مطبوعه، تا موقع تشکیل دولت بکلی موقوف و برحسب حکم و اجازه که بعد داده خواهد شد، باید منتشر شوند.

ماده پنجم - اجتماعات در منازل و نقاط مختلفه بکلی موقوف، در معابر هم اگر بیش از سه نفر گرد هم باشند با قوه قهریه متفرق خواهند شد.

ماده ششم - در تمام مغازه‌های شراب‌فروشی و عرق‌فروشی، تئاتر و سینما توگراف‌ها و کلوپ‌های قمار باید بسته شود و هر مست دیده شود به محکمه نظامی جلب خواهد شد.

ماده هفتم - تا زمان تشکیل دولت، ادارات و دوائر دولتی، غیر از اداره

آن زمان وسایل خبرگیری و خبررسانی محدود بود و اهالی از آنچه در کشورشان می‌گذشت سریعاً آگاه نمی‌شدند. روز سوم اسفند ۱۲۹۹ در حالی که قوای قزاق در تهران مستقر شده بود و پایتخت حال و هوای عادی نداشت در ایران کمتر کسی می‌دانست کودتایی صورت گرفته و دولت سپهدار سقوط کرده و رئیس دولت از ترس جان به سفارت انگلیس پناه برده است.

عبدالله مستوفی، که خود در آن زمان از صاحب‌منصبان عالی‌رتبه و دارای سابق دیپلماتیک بود، می‌نویسد: «می‌دانم چه ساعت شب بود که از صدای عظیمی شبیه به صدای رعد از خواب بیدار شدم. این صدای شلیک مهاجمین به کلانتری (کمیسری) ناحیهٔ عودلاجان که تا کوچهٔ ما فاصلهٔ زیادی نداشت، بود. ولی چون من خالی‌الذهن بودم و صدای رعد هم در ماه اسفند، بخصوص در آن سال که بارندگی خیلی زیادتر از معمول بود، تازگی نداشت فقط کاری که کردم عوض کردن دنده بود که از این دنده به دندهٔ دیگر غلتیده به خواب رفتم. صبحی هم خانه حاجتی به بیرون نداشت که کسی به خارج برود و خبر بیورد. این بود که بعد از صرف صبحانه در ساعت ۸ اندرون بیرون آمده به سمت اطاق بیرونی رفتم.

در پیش‌طاقی، نوکر خانه را دیدم که با سینی محتوی فنجان خالی و نیم‌خوردهٔ صبحانه از اطاق بیرون می‌آید. روز دوم حوت (اسفند) آقای فتح‌الله مستوفی چایمان و تب کرده پای کرسی اطاق بیرونی راحت نموده و به ادارهٔ تشخیص مالیات که در آن اداره همچنان به ریاست مالیات مستقیم برقرار بود، نرفته بود. به تصور این که شاید حال برادرم بد شده و احتیاج به حکیم و دکتر پیدا شده باشد با اضطراب پرسیدم مگر برادرم بیرون است؟ آقا حبیب گفت بلی، آقای مؤیدالاسلام هم تشریف دارند...

مؤیدالاسلام (مرحوم مؤید احمدی) در این اوقات در کوچهٔ بیخ‌بست وصل به خانه‌های ما خانه‌ای در اجاره و در آن منزل داشت. ما خیلی همدیگر را می‌دیدیم ولی عصرها و شب‌ها، و هیچ سابقه نداشت که صبح‌ها از هم ملاقاتی کنیم... باری، بعد از سلام و احوال‌پرسی، آقای مؤیدالاسلام نگذاشت که من از سیاق صحبتی که با برادرم در میان داشت سبب این ملاقات را درک کنم. گفت: از بد حادثه اینجا به پناه آمده‌ایم!

گفتم: چه حادثه‌ای؟ و با خنده و به‌طور شوخی اضافه کردم: شاید به‌مناسبت اراجیفی که مؤمنین در روز گذشته راجع به حملهٔ قزاق به شهر انتشار داده‌اند، نظمیه (شهربانی) متعرض شما هم شده باشد. گفت: به! اراجیف کدام است؟ دیشب وارد شده و بگیر، بگیر هم راه انداخته‌اند، و شاید تا این ساعت عده‌ای را هم گرفته باشند... باری، هر کدام یک پایهٔ کرسی را گرفته مشغول صحبت شدیم. تلفن‌ها کار نمی‌کرد، اگر هم کار می‌کرد مصلحت نبود با این وسیله خبر تحصیل کنیم. تا ظهر ندان روی جگر گذاشته و با بی‌خبری ساختیم.

بعد از ظهر نوکرها را برای تحصیل خبر بیرون فرستادیم. اخباری که نوکرها می‌آوردند توقیف عده‌ای از رجال و سران آزدیخواه بود، و چون عده‌ای کله‌گنده میان آنها بود، باور کردن این اخبار زور می‌برد... در حدود چهار بعد از ظهر، میرزا مهدی مباشر ما از راه رسید. یک مشت اخباری که راجع به توقیف اشخاص و از این سر و آن سر جمع‌آوری کرده بود تحویل داد ولی مستند این اخبار هم همان شنیده‌های بازاری بود...

در تهران، نام دو تن به‌عنوان سرکردگان کودتا بر سر زبانها بود: سید ضیاءالدین و رضاخان میرپنج.

سید ضیاءالدین برای مردم نامی آشنا بود اما نام رضاخان را کسی تا آن روز نشنیده بود و هنگامی که اهل شهر، اعلامیه‌ای را که به‌امضای او بر دیوارها چسبانده شده بود می‌خواندند به‌حالت استفهام یکدیگر

ندارد. همینقدر مردم می‌بینند عده‌ای قزاق با یکی دو نفر از آن می‌روند و آنها را می‌آورند و در قزاقخانه حبس می‌کنند. بین سید مدرس مرد آزاد و یمین‌الملک کهنه‌پرست، سعدالدوله مستبد و حاجی مجدالدوله عوام، اسلامبولچی و بنکدار بازاری، شیخ حسین یزدی ملای وارسته منور و سهام‌الدوله سرمایه‌دار و ملاک، سپهدار و عین‌الدوله و فرمانفرما سه نخست‌وزیر سابق با اختلاف مرام و مسلک و طرز فکر و راه معاش چه تناسبی در کار است و کدام جامعه این اشخاص را محکوم به حبس کرده است، ابتدا معلوم نیست...)

سپهدار، رئیس‌الوزراء، به‌محض آن که اطلاع پیدا کرد قزاقها وارد شهر شده‌اند، در سپیده‌دم سوم اسفند به سفارت انگلیس پناهنده شد. نورمن در گزارش خود به لندن می‌نویسد: «از آنجا که تحصن گزیدن این شخص در سفارتخانهٔ ما ممکن بود روابطمان را با کودتاچیان تیره سازد پس از مذاکرات و مباحثات زیاد عاقبت توانستیم ایشان را متقاعد کنیم که به منزل خود بازگردد. نخست‌وزیر سابق هنگامی به خروج از سفارت رضایت داد که من رسماً تعهد سپردم به او آسیبی وارد نشود.»

فهرست بازداشت‌شوندگان را بی‌شک سید ضیاءالدین در اختیار فرمانده نظامی کودتا گذارده بود.



رضا خان رئیس دیویزیون قزاق

ارزاق، تعطیل خواهد بود. **ماده هشتم -** کسانی که در اطاعت از مواد فوق خودداری نمایند به محکمهٔ انتظامی جلب و به‌سخت‌ترین مجازات‌ها خواهند رسید.

ماده نهم - کاظم خان به سمت کماندانی شهرانتخاب و معین می‌شود و مأمور اجرای مواد فوق خواهد بود.

۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۳۹
رئیس دیویزیون قزاق
اعلیحضرت شهر باری و فرمانده کل قوا - رضا

اسامی بازداشت‌شدگان به‌تدریج بر سر زبانها می‌چرخید: محدودولی خان سپهسالار، شاهزاده عین‌الدوله، شیخ حسین یزدی، میرزا جوادخان سعدالدوله، عبدالحسین میرزا فرمانفرما و دو پسرش نصرت‌الدوله و سالارشکر، سهام‌الدوله، حشمت‌الدوله، قوام‌الدوله، مجدالدوله، ممتازالدوله، محتشم السلطنه، نصر السلطنه، مشا و السلطنه، و ثوق السلطنه، لسان‌الملک، ممتازالملک، مدبرالملک، یمین‌الملک، سردار معتضد، سردار رشید، سردار معظم، امیر نظام همدانی، سیدحسن مدرس، سید محمد تدین، شیخ محمدحسین استرآبادی، سید محمد استامبولچی، حاج محمدتقی بنکدار، میرزایانس و کبیل ارامنه، محمدقلی سهراب‌زاده و جمعی دیگر.

مستوفی می‌نویسد: «این حبس‌ها به‌امر کیست، عجالتاً کسی از آن اطلاع

«ادامه دارد»

تأملات بهنگام؛ اندر فواید معزولان افشاگر

جرم دلالی و مشارکت در خرید تجهیزات نظامی ممنوعه، سال‌هایی از عمرش را در زندان دولت فدرال ایالات متحده گذرانده و تازه چند سال پیش، پس از زد و بند دولت اوباما با حکومت جمهوری اسلامی، با وساطت سلطان قابوس عمان از حبس به در شده. علی دایی هم - که مثل شهرزاد میرقلی خان، همواره دم از الله می‌زند - شریک دزد و رفیق قافله است و در عین حال با حفظ باقی سمت‌هایش، به گفته‌ی خودش، لایبگر ارشد دستگاه باریتعالی است! بدون تعارف، افرادی که پس از معزولی و اخراج یاد افشاگری و شفاف‌سازی می‌افتند، خود بیش و کم به انواع مفاسد آلوده هستند. به قول شیخ نجم‌الدین کبری:

حاکمان در زمان معزولی همه شبلی و بایزید شوند باز چون بر سر عمل آیند همه چون شمر و چون یزید شوند

آنچه اما اظهارات اشخاص نامبرده را واجد اهمیت می‌کند، امکان استفاده از گفته‌های آنها برای مستندسازی این واقعیت برای قدرت‌های جهان است که: یک مشت گانگستر بر ایران حکومت می‌کنند. ممکن است برخی از خوانندگان این سطور، بنا بر عادت همیشگی‌شان، به طعنه سری تکان دهند و با پوزخند اظهار لحنه کنند که: «ای آقا! شما انگار خیلی از مرحله پرتی. از همون چهل سال پیش هم معلوم بود که اینا همشون گانگسترند. همه قدرت‌های دنیا هم اینو می‌دونن و دستشون هم با اینا تو یک کاسه‌اس. آقا ساده نباشید این قدر...». نگارنده هرگاه از بد حادثه به پست چنین هوشمندان بازی‌خوان سیاست‌شناسی می‌خورد، از اولین گریزگاه ممکن استفاده کرده و ایشان را غرق در انگبین دانش‌شان تنها می‌گذارد.

اینجا اما فقط برای تمام کردن رشته سخن عرض می‌شود که تا پیش از

حوصله کافی داشته باشید، می‌توانید ویدئوهای اخیر شهرزاد میرقلی خان در یوتیوب را ببینید که خطاب به خامنه‌ای (یا به قول خودش علی‌بابا)، مطالبی پراکنده و بی‌ربط همراه با کدهای امنیتی اظهار و ضمن آنها با تهدید رهبر جمهوری اسلامی، تقاضاهایی را مطرح می‌کند. چاشنی این ویدئوهای کذایی، مقادیری حرف‌های آبکی «عرفونی» و آیات قرآنی است که در بعضی جاها به موسیقی و صدای خشدار شهرام شکوهی همراه شده‌اند. به این معجون، غمزها، غمیش‌ها و عشوهای شتری شهرزاد میرقلی خان را هم اضافه کنید تا به میزان فرح‌افزایی این محصولات افشاگرانه پی ببرید.

تا اینجا کار، آنچه از رفتار سرافراز و میرقلی خان دستگیر می‌شود این است که آنها برای تسویه حساب با کسانی که موجب عزل و زوالشان در مراتب قدرت شده‌اند، آستین بالا زده‌اند و به قدر وسع و اطلاعات‌شان دنبال باج‌گیری از مجتبی خامنه‌ای و دار و دسته آدمکش او به ویژه حسین طائب (رئیس سازمان اطلاعات سپاه) هستند. اوپاش و دزدان اطراف محمود احمدی‌نژاد هم در جریان این باج‌گیری، همراه سرافراز شده‌اند تا تلافی بلاهایی را که اطلاعات سپاه طی این چند سال اخیر سر دانه‌درشت‌هایشان (مشایی، بقایی، جوانفکر و...) آورده، در آورند. نهایت ساده‌لوحی است اگر خیال کنیم از این «شرکت سهامی جمهوری اسلامی»، قرار است نفعی به مردم برسد.

ماجرای افشاگری علی دایی علیه مدیرعامل آدمکش باشگاه سایپا (سردار غفور درجری دولق) هم از جنس رفتار محمد سرافراز و شهرزاد میرقلی خان است با این تفاوت که دو طرف این ماجرا به لایه‌های پایین‌تر مافیای حاکم بر ایران مرتبط هستند. در اینکه علی دایی مشهورترین بازیکن تاریخ فوتبال ایران است و افتخارات زیادی برای خودش و تیم ملی فوتبال ایران کسب کرده شکی نیست اما در

● دو ماجرا، یکی مصاحبه افشاگرانه محمد سرافراز و دیگری، کنفرانس خبری افشاگرانه علی دایی پس از برکناری‌اش از سرمریگری باشگاه سایپا، نشانگر جنگ قدرت در سطوح مختلف مافیای حاکم و صد البته عمق شگفت‌آور فساد و تبهکاری در جمهوری اسلامی است.

● بدون تعارف، افرادی که پس از معزولی و اخراج یاد افشاگری و شفاف‌سازی می‌افتند، خود بیش و کم به انواع مفاسد آلوده هستند. - آنچه اظهارات اشخاص نامبرده را واجد اهمیت می‌کند، امکان استفاده از گفته‌های آنها برای مستندسازی این واقعیت برای قدرت‌های جهان است که: یک مشت گانگستر بر ایران حکومت می‌کنند.

یوسف مصدقی - نیمه اول اردیبهشت ماه ۱۳۹۸، پر بود از وقایع و اتفاقاتی که هر کدام بجای خود، می‌توانند محل تأمل و توجه باشند. از دستگیری کارگران ناراضی و معلمان معترض گرفته تا اجرایی شدن پایان معافیت کشورهای واردکننده نفت ایران از تحریم‌های ایالات متحده، از صعود قیمت دلار، اتومبیل و ماکارونی گرفته تا ماجرای صف‌کشیدن بخش بزرگی از ملت «فهمیم» ایران جلوی پمپ بنزین‌ها برای پر کردن حتی یک باک بنزین بیشتر با نرخ ۱۰۰۰ تومان، از قیام دوباره مردم ونزوئلا علیه دولت فاسد نیکلاس مادورو گرفته تا اعزام ناو هواپیمابر ابراهام لینکلن به خلیج فارس، از درگذشت بیژن صفاری گرفته

تا مرگ بهمن کشاورز، همه بجای خود موضوعاتی هستند که جای تأمل دارند. از نظر نگارنده اما، چشمگیرترین اتفاق این بازه زمانی، هیچکدام از موارد یادشده نیست. طی این مدت کوتاه، دو ماجرای به ظاهر نامرتب اما در اصل مربوط به یکدیگر، بیش از هر موضوع دیگری، بحران بی‌درمان و بنیان‌کن فسادعارض بر جمهوری اسلامی را نمایش دادند. این دو ماجرا، یکی مصاحبه افشاگرانه محمد سرافراز (رئیس سابق و معزول «صدا و سیما») با عبدالرضا داوری (از نزدیکان احمدی‌نژاد) بود و دیگری، کنفرانس خبری افشاگرانه علی دایی پس از برکناری‌اش از سرمریگری باشگاه سایپا. همزمانی این دو حادثه رسانه‌ای، هر چند اتفاقی است، اما هماهنگی محتوای آنها، نشانگر جنگ قدرت در سطوح مختلف مافیای حاکم و صد البته، عمق شگفت‌آور فساد و تبهکاری در جمهوری اسلامی است.

مصاحبه داوری با سرافراز، همراهی تلفنی شهرزاد میرقلی خان (بازرس فراری «صدا و سیما» و نماینده جدید الله در خاورمیانه!) را هم با خود داشت. دونوازی شهرزاد و محمد بعلاوه تک‌مضرب‌های عبدالرضا، بیشتر از اینکه آهنگی حماسی یا سوگوارانه را به شنونده القا کند، نغمه‌ای پوچ و جفنگ از شرایط ناهنجار کشور را به گوش مخاطب رساند. برای درک میزان پوچی این مصاحبه، اگر اعصاب قوی و



حاکمان در زمان معزولی / همه شبلی و بایزید شوند / باز چون بر سر عمل آیند / همه چون شمر و چون یزید شوند

ریاست جمهوری ترامپ در ایالات متحده، بیشینه دولتمردان این کشور هر چند جمهوری اسلامی را حکومتی تندرو و ایدئولوژیک می‌دانستند، اما چنانکه باید و شاید از ماهیت مافیایی و تبهکارانه این حکومت مطلع نبودند یا به آن اهمیت نمی‌دادند. تنها پس از ظهور ترامپ و بازگشت تدریجی بازها به سیاست آمریکا، با تلاش‌های روشنگرانه بخشی از اپوزیسیون نزدیک به نومحافظه‌کاران حزب جمهوریخواه بود که ماهیت «فرقه تبهکار» برای هیات حاکمه ایالات متحده روشن شد. پس از این ماجرا، بازوهای مختلفی از افشاگران برجسته عالم، تروریستی اعلام شدند و زیر ساطور تحریم قرار گرفتند. هر گونه افشاگری و مچ‌گیری که آلودگان بریده یا مطرود فرقه تبهکار علیه این مافیای پلید انجام دهند، خواه ناخواه حکم میخ‌های ذخیره‌ای را دارند که به وقت مقتضی به تابوت جمهوری اسلامی کوبیده خواهند شد. تا آن زمان، روشن است که رفتار جامعه جهانی با گانگسترهای این شرکت سهامی، به هیچ روی نباید مثل مراده با یک حکومت طبیعی و محترم در دنیای متمدن باشد. روشنگری در باب سرشت جنایتکار و اصلاح‌ناپذیر جمهوری اسلامی و مفاشات‌زدایی از رفتارهای جامعه جهانی نسبت به این حکومت، در همه عرصه‌ها و به هر زبانی، وظیفه همگی براندازان از هر سلیقه و مسلک سیاسی است.

اشک‌ها و شادیه‌ها در جهان روزنامه‌نگاری

به خواهر ۲۰ ساله‌ام که می‌گوید برای این مردم فراموشکار چرا باید فداکاری کرد، چه پاسخی بدهم؟

اشاره

زهره مشتاق اشک می‌ریزد و غصه می‌خورد زیرا عشق او - روزنامه‌نگاری - را از دستش گرفته‌اند. او دیگر آن خبرنگار شلوغ و پرتحرک نیست. غمگین و افسرده است...

هنگامه شهیدی لبخند گرمی را که همیشه بر لب داشت گم کرده است. خود را بین زمین و آسمان معلق حس می‌کند. نگران است. می‌گوید من عاشق کارم بودم. کار روزنامه‌نگاری. همسرم وقتی عشق مرا به روزنامه می‌دید نشاط پیدا می‌کرد.

با تعطیل روزنامه‌ها و برقراری سانسور، در دوره حکومت «اصلاح طلبان»، خاکستر سرد بر آتش عشق روزنامه‌نگاران نشست. ژیلای بنی یعقوب از زبان همکارانش در مطبوعات دوم خردادی این داستان تلخ را باز می‌گوید...

یادآور می‌شویم که کتاب «روزنامه‌نگاران غصه می‌خورند و پیر می‌شوند» از طرف نشریه «روزنگار» در تهران چاپ و منتشر شده است

می‌کردی، یک لحظه کتابت را به کناری گذاشتی و پرسیدی:

چرا باید خوب درس بخوانم. وقتی که زیدآبادی و گنجی با آن همه کتابی که خوانده‌اند، اکنون در زندانند.

دانشگاه می‌روی تا آینده‌ای بهتر در انتظارت باشد، چه پاسخی بدهم...

ترانه! من خیلی به پرسشهای تو فکر کرده‌ام. می‌دانی بعد از این همه فکر کردن تصمیم گرفته‌ام به تو چه پاسخی بدهم. می‌خواهم به تو بگویم: «منتظر

بمان! هر وقت زیدآبادی و گنجی و بقیه روزنامه‌نگاران از زندان آزاد شدند، خودت از آنها بپرس که ارزشش را داشت که رنج زندان را تحمل کنیدی...

ارزشش را داشت که این همه مرارت را به جان بخریدی؟ و...

عاشقان روزنامه و روزنامه‌نگاری
از طرفی همه‌شان یکجورند. از طرفی کاملاً با هم فرق دارند. احساسات متفاوت، ایده‌های گوناگون، سلیقه‌های مختلف و... اما هر چه هست، همه آنها روزنامه‌نگارند.

این روزها، جسمشان خسته به نظر می‌رسد و چشم‌هایشان مملو از غم...

این روزها خیلی زود دچار رنجش می‌شوند. بعضی وقت‌ها حتی دچار تنفر می‌شوند. مگر در روزنامه چه خبر است؟ من این سؤال را از اغلب آنها پرسیده‌ام...

اما انگار سؤال کردن بی‌فایده است. چون نمی‌توانند حالت واقعی خود را برای تو تشریح کنند...

انگار عاشق شده‌اند و خودشان خبر ندارند... عاشق روزنامه... و از ترس این که نکند دوباره نتوانند در روزنامه کار کنند، غصه می‌خورند... غصه می‌خورند...

و پیر می‌شوند... مگر در روزنامه چه خبر است؟

«هنگامه شهیدی، زنی جوان، شاداب و پرانرژی است که کمتر می‌تواند یک جا بند شود، مدام در حرکت است. از این سوی تحریریه به آن سوی تحریریه، از این طبقه به آن طبقه، از این روزنامه به آن روزنامه، از این سر شهر به آن سر شهر... هنگامه که با وجود چادر مشکلی‌اش خیلی آراسته لباس می‌پوشد، جلوه‌ای از یک زن مسلمان شیک پوش را به نمایش می‌گذارد. این زن جذاب که پیش از تعطیلی مطبوعات همواره لبخند گرمی بر لب داشت و در نگاه اول احساس شادی را به تو منتقل می‌کرد، این روزها غمگین به نظر می‌رسد.

چرا هنگامه؟ چرا این روزها اینقدر افسرده‌ای؟

این روزها همه‌اش منتظم اتفاق ناگواری بیفتد و حوادث بدی بر من نازل شود...

چرا؟
- نمی‌دانم. خودم هم نمی‌دانم چرا... بعد از تعطیلی مطبوعات این حس لحظه‌ای هم مرا ترک نکرده... این روزها احساس سرگردانی می‌کنم. انگار یک جوری بین آسمان و زمین معلق هستم... احساس بلاتکلیفی می‌کنم. من عاشق کارم بودم. روزنامه‌نگاری را می‌گویم. خودت می‌دانی که از صبح تا شب در روزنامه بودم...

یادم هست... اتفاقاً همیشه از خودم می‌پرسیدم چطور می‌تواند بداند که شوهر و بچه اینقدر برای روزنامه وقت بگذارد.

روزنامه‌نگاری آنقدر به من روحیه می‌بخشد که وقتی به خانه می‌رسیدم، با نشاط بیشتری به همسر و فرزندم می‌پرداختم... کار تمام وقت من در روزنامه هیچ وقت باعث ناراضی‌های آنها نشده. البته شاید خیلی از سختی‌ها را به خاطر من تحمل می‌کردند اما هیچ وقت ناراضی نبودند. همسرم وقتی عشق مرا به روزنامه می‌دید نشاط پیدا می‌کرد... او نه فقط هیچ وقت مانع فعالیت من نبود، بلکه با تمام وجودش مرا تشویق می‌کرد. شاید اگر تشویق‌ها و کمک‌های او نبود، من هیچ وقت نمی‌توانستم روزنامه‌نگار بشوم.

هنگامه در پیگیری سوژه‌های خبری‌اش روز و شب نمی‌شناخت.

«زمانی که خبرنگار روزنامه زن زده شد... با خودم می‌گفتم من که تندنویسی‌ام این قدر خوب است، حتماً می‌توانم خبرنگار خوبی بشوم... اما سالها بعد فهمیدم برای این که آدم خبرنگار خوبی باشم، باید توانمندی‌های زیادی داشته باشم که شاید تندنویسی در

طور پیشرفت‌های کاری‌ام را... او مرا و کارم را خیلی خوب می‌فهمد»

چطور شد تصمیم گرفتی روزنامه‌نگار بشوی؟

اولش به خاطر تندنویسی بود. من تندنویسی را خیلی دوست داشتم... در دوران راهنمایی و دبیرستان با علاقه زیاد در سه‌های معلم‌ها را تندنویسی می‌کردم... لذت خاصی از تندنویسی می‌بردم. تندنویسی برای من عادت شده بود... آنقدر کامل و درست می‌نوشتم که در پایان هر کلاس، هم‌شاگردی‌هایم جزوه‌ها را از من می‌گرفتند و برای خودشان تکثیر می‌کردند... وقتی خبرنگارها را می‌دیدم که تند و تند می‌نویند، نخستین جرقه در ذهنم زده شد... با خودم می‌گفتم من که تندنویسی‌ام این قدر خوب است، حتماً می‌توانم خبرنگار خوبی بشوم... اما سالها بعد فهمیدم برای این که آدم خبرنگار خوبی باشم، باید توانمندی‌های زیادی داشته باشم که شاید تندنویسی در

برابر آنها چندان مهم نباشد... اما به هر حال به خاطر تندنویسی تصمیم گرفتم روزنامه‌نگار بشوم.

هنگامه روزنامه‌نگاری را در دوران دانشجویی‌اش با هفته نامه «فرهنگ آفرینش» شروع کرد. بعد از آن (سال ۱۳۷۵) به روزنامه «اخبار اقتصادی» رفت و بعد هم «ابرار» اقتصادی. خیلی زود فهمید که علاقه اصلی‌اش به مسایل سیاسی است نه اقتصادی. به همین خاطر بود که وقتی فائزه هاشمی روزنامه «زن» را راه‌اندازی کرد، به آنجا ایران رفت و بعد هم روزنامه‌های «پيام آزادی» و «آفتاب امروز».

هنگامه! تو تا کنون تعطیلی دو روزنامه را تجربه کرده‌ای... هر بار چه احساسی داشتی؟

- وقتی حکم تعطیلی روزنامه زن را ابلاغ کردند، همه می‌خندیدیم. خنده‌هایی که از سر شادمانی نبود. از شدت ناراحتی بود... نمی‌دانم چرا به جای این که گریه کنیم، می‌خندیدیم. خنده‌های مان عصبی بود اما...

سر به زیر انداخت و سکوت کرد... جوری حرف می‌زد که انگار تمام آرزوهایش در یک لحظه از میان دست‌اش گریخته است... پرسیدم:

اما چه؟

سرش را که بلند کرد، قطره‌های اشک روی صورتش سر خورد... با گریه‌ای فروخورده گفت:

اما شب که به خانه رفتم، تا صبح گریه کردم. آفتاب امروز را هم که تعطیل کردند، بچه‌ها همه می‌خندیدند،

مدرسه می‌رفتیم، همسرم هستم، و بچه اینقدر برای روزنامه وقت بگذارد.

می‌گویم: خودت می‌دانی که از صبح تا شب در روزنامه بودم...

یادم هست... اتفاقاً همیشه از خودم می‌پرسیدم چطور می‌تواند بداند که شوهر و بچه اینقدر برای روزنامه وقت بگذارد.

می‌گویم: خودت می‌دانی که از صبح تا شب در روزنامه بودم...

یادم هست... اتفاقاً همیشه از خودم می‌پرسیدم چطور می‌تواند بداند که شوهر و بچه اینقدر برای روزنامه وقت بگذارد.

می‌گویم: خودت می‌دانی که از صبح تا شب در روزنامه بودم...

یادم هست... اتفاقاً همیشه از خودم می‌پرسیدم چطور می‌تواند بداند که شوهر و بچه اینقدر برای روزنامه وقت بگذارد.

می‌گویم: خودت می‌دانی که از صبح تا شب در روزنامه بودم...

یادم هست... اتفاقاً همیشه از خودم می‌پرسیدم چطور می‌تواند بداند که شوهر و بچه اینقدر برای روزنامه وقت بگذارد.

می‌گویم: خودت می‌دانی که از صبح تا شب در روزنامه بودم...



خنده‌هایی که بیشتر به گریه شبیه بود. این روزها چگونه‌ای؟

خیلی بد... بدبین و ناامید... از نظر روحی در وضع خیلی نامناسبی هستم. آنقدر بد که در برخورد با مجتبی و دخترم «پارمیس»، هم اثر گذاشته است، همین طور در روابطم با سایر اطرافیانم.

روزهایت را چطور می‌گذرانی؟

بیشتر غصه می‌خورم. در روز چند ساعتی هم با نشریه «گلستان قرآن» همکاری می‌کنم.

چه تصمیمی برای آینده داری؟

اگر نتوانم دوباره در یک روزنامه کار کنم. حتماً با خانواده‌ام از کشور خواهیم رفت.

تا آنجا که می‌دانم بعد از تعطیلی دسته جمعی مطبوعات، مدتی با روزنامه‌های حیات نو و آفتاب یزد همکاری کردی... با این همه علاقه‌ای که به روزنامه داری، پس چرا رهایشان کردی؟

کار در این روزنامه‌ها اصلاً برام قانع کننده نبود. فضای کاری آفتاب یزد و حیات نو شباهت چندانی به روزنامه نداشت. نه فقط مسئولانش مطالب‌مان را شدیداً سانسور می‌کردند، بلکه خودمان هم دچار خودسانسوری شده بودیم... در چنین شرایطی روزنامه‌نگاری چه فایده‌ای داشت... این بود که از خیر همکاری با این روزنامه‌ها گذشتم.

آرزوی منم در همین چاروژنامه‌هایی منتشر شوند که کار در آنها تو را قانع کند و هرگز به فکر رفتن از ایران نیفتی. من هم تنها آرزویم همین است.

چرا فریدین؟

- فریدین تا پایان عمر در حسرت بازگشت به سینما سوخت و آخرش هم این حسرت را با خودش به گور برد... می‌ترسم من هم حسرت بازگشت به روزنامه را با خودم به گور ببرم.

چهره‌اش پریده بود... از گوشه چشمش باریکه‌های اشک سرازیر شد با صدای غصه‌دارش گفت: «این یک حسرت عمیق است... حسرتی که شاید تا آخر عمر مرا رها نکند.»

زری متولد ۱۳۵۰ در تهران است. مادرش عراقی و پدرش تهرانی است. دانشجوی تئاتر در دانشگاه آزاد واحد تهران و فارغ‌التحصیل دوره دو ساله روزنامه‌نگاری از مرکز آموزش و مطالعات رسانه‌هاست. به قول خودش در هر روزنامه‌ای که فکرش را بکند کار کرده... از چپ تا راست: کیهان، اخبار، ابرار، زن، آزاد، آفتاب امروز و چند نشریه سینمایی.

«ای کاش یک روز صبح از خواب بیدار شوم و ببینم هر آنچه در این مدت برما رفته، خواب بوده... یک خواب طولانی و پریشان... آن وقت با عجله لباسم را بپوشم و به روزنامه بروم. ای کاش یک بار دیگر اتفاق بیفتد که قدم به تحریریه آفتاب امروز بگذارم و آقای رمضان‌پور با همان اخیم همیشه‌اش نگاهم کند، یعنی این که باز هم که دیر کردی... و آقای اسلامی با همان خونسردی همیشه‌اش طعنه بزند که این چه خبری است که در صفحه گذاشته‌ای؟»

«دنیاله دارد»

«دنیاله دارد»

«دنیاله دارد»

«دنیاله دارد»

«دنیاله دارد»

«دنیاله دارد»

«دنیاله دارد»

«دنیاله دارد»

«دنیاله دارد»

«دنیاله دارد»

طول بیانجامد و تازه اصلاً معلوم نیست که آخرش هم بتوانی از این اغما سالم بیرون بیایی. دچار یک تنهایی بزرگ شده‌ام... یک نوع تنهایی که مثل یک چاه عمیق مرا در خود گرفته. چاهی که هر لحظه عمیق‌تر می‌شود و مرا بیشتر در خود فرو می‌برد... وقتی «آفتاب یزد» منتشر شد و من در آن نبودم، شوکه شدم... با خودم گفتم یعنی بعد از این همه سال کار کردن دیگر کسی به فکر تو و به قلم تو احتیاج ندارد؟... ناراحتی‌ام یکی و دوتا نیست، از کدام یک بگویم... یک وقت فکر نکنی به دوستانم در آفتاب یزد، حیات نو و یا همبستگی حسادت می‌کنم، نه! به آنها حسادت نمی‌کنم، اما از خودم می‌پرسم چرا از آنها برای کار در این روزنامه‌ها دعوت کرده‌اند اما از من نه... شاید حرف‌هایم به نظر خیلی‌ها احقرانه باشد... شاید برای بعضی‌ها اصلاً قابل درک نباشد که کار کردن در روزنامه هر لحظه‌اش مثل یک زایش است. چه شبها که تا صبح پشت میز می‌نشستم و گزارش می‌نوشتم... گزارشی که باید صبح فردا تحویل دبیر گروه فرهنگی، ایرج اسلامی می‌دادم... می‌نوشتم و هی پاره می‌کردم... وقتی زیر میز را نگاه می‌کردم یک عالم کاغذ مجاله شده می‌دیدم، دیدم آن همه کاغذ مجاله شده و بعدش هم آن همه کاغذ که با دقت روی‌شان نوشته بودم، لذت بخش‌ترین حس دنیا بود. اگر در آن لحظه میلیونها تومان جواهر به پایم می‌ریختند، آنقدر مرا خوشحال نمی‌کرد. گزارشی که می‌نوشتم حاصل یک عالمه فکر، ایده، انرژی، زحمت و دوندگی بود... این روزها هیچکس به فکر ما نیست... هیچکس یادی از ما نمی‌کند... هیچکس به جز آقای رمضان‌پور... او یکی از استثناهای گمنام دنیای مطبوعات است... در دنیای بی‌رحم مطبوعات، تنها او با فکر ما بود... تنها او بود که در این روزهای پر از اندوه از ما یاد کرد. - گفتم دنیای بی‌رحم مطبوعات... چرا بی‌رحم؟

چه دلیلی قوی‌تر از این که خیلی زود به فراموش شدگان تاریخ پیوسته‌ایم... ما به سرعت فراموش شدیم اما نفهمیدیم... چون در قلب این فراموشی بودیم، نفهمیدیم... اما چند سال بعد وقتی خودمان را در یک گوشه، تنها و منزوی ببینیم، تازه به عمق این فراموشی پی می‌بریم... می‌ترسم که دیگر هیچ وقت نتوانم به محیط روزنامه برگردم... هیچ وقت - زری جان! برای بازگشت به روزنامه هنوز خیلی فرصت داری... چرا این همه ناامیدی... هان؟

هیچ معلوم نیست... شاید آن روز که مطبوعات از محدودیت‌های امروز رها شدند، ما آدم‌های مطبوعات آن روز نباشیم... شاید آن روز اصلاً یاری کار کردن نداشته باشیم. هم‌اهاش می‌ترسم مثل محمدعلی فردین شوم.

چرا فریدین؟

- فریدین تا پایان عمر در حسرت بازگشت به سینما سوخت و آخرش هم این حسرت را با خودش به گور برد... می‌ترسم من هم حسرت بازگشت به روزنامه را با خودم به گور ببرم.

چهره‌اش پریده بود... از گوشه چشمش باریکه‌های اشک سرازیر شد با صدای غصه‌دارش گفت: «این یک حسرت عمیق است... حسرتی که شاید تا آخر عمر مرا رها نکند.»

زری متولد ۱۳۵۰ در تهران است. مادرش عراقی و پدرش تهرانی است. دانشجوی تئاتر در دانشگاه آزاد واحد تهران و فارغ‌التحصیل دوره دو ساله روزنامه‌نگاری از مرکز آموزش و مطالعات رسانه‌هاست. به قول خودش در هر روزنامه‌ای که فکرش را بکند کار کرده... از چپ تا راست: کیهان، اخبار، ابرار، زن، آزاد، آفتاب امروز و چند نشریه سینمایی.

«ای کاش یک روز صبح از خواب بیدار شوم و ببینم هر آنچه در این مدت برما رفته، خواب بوده... یک خواب طولانی و پریشان... آن وقت با عجله لباسم را بپوشم و به روزنامه بروم. ای کاش یک بار دیگر اتفاق بیفتد که قدم به تحریریه آفتاب امروز بگذارم و آقای رمضان‌پور با همان اخیم همیشه‌اش نگاهم کند، یعنی این که باز هم که دیر کردی... و آقای اسلامی با همان خونسردی همیشه‌اش طعنه بزند که این چه خبری است که در صفحه گذاشته‌ای؟»

«دنیاله دارد»

ممنوعیت تک‌خوانی دختران دانش‌آموز و حضور گروه‌های موسیقی در مدارس



است و «به‌کارگیری نیروی آزاد در بخش سرود حتماً باید با مجوز و تأیید حراست آموزش و پرورش باشد.» به گفته مدیرکل فرهنگی، هنری، اردوها و فضاهای آموزشی آموزش و پرورش، در دستورالعمل این وزارتخانه آمده که «باید در اشعار و سرودها به مسائل فرهنگی، تاریخی، حماسی، آداب، سنن، مشاهیر و مفاخر پرداخته شود.» علی‌رغم این توضیحات، در پی محیطی شاداب در مدارس «مطابق با فرهنگ غنی اسلامی» است! این مقام وزارت آموزش و پرورش به برگزاری مسابقات سرود و تئاتر با شرکت بیش از ۳ میلیون دانش‌آموز به عنوان دستاورد وزارتخانه متبوع اشاره کرده و تأکید کرده که سند تحول بنیادین که با دستور علی‌خامنه‌ای در مدارس اجرا می‌شود، از «ساحت زیباشناختی» برخوردار است و سرود در آن جای داده شده است.

را در مدارس ممنوع کرده. بر مبنای این دستورالعمل فعالیت «دی‌جی» یا گروه‌های موسیقی خارج از مدرسه، ورود آقایان به مدارس دخترانه، استفاده از ترانه‌هایی خارج از کتاب‌های درسی مدارس و تک‌خوانی دختر بچه‌ها ممنوع شده است!

از سوی دیگر، برخی منابع خبری می‌گویند وزارت آموزش و پرورش در پی اجرای طرحی در مدارس با عنوان «سه دقیقه با نشاط در کلاس» است که برخی حرکات بدنی همانند تمرین‌های ورزشی را به دانش‌آموزان یاد می‌دهد.

علی‌رغم این توضیحات، مدیرکل فرهنگی، هنری، اردوها و فضاهای آموزشی آموزش و پرورش از ارائه دستورالعمل این وزارتخانه به مدارس برای سرود مدارس در سال گذشته خبر داده و گفته که در این دستورالعمل «تکاتی که دغدغه به حساب می‌آید» آمده است. بر مبنای این دستورالعمل، در گروه سرود دختران «اجرای تک‌خوانی ممنوع است» و باید «در تولید و ساخت سرود مدارس به منظور نیل به اهداف آموزشی و تربیتی و درک بهتر مفاهیم و محتوای اشعار کتب درسی ملاحظه کار قرار گیرد.»

● همکاری آقایان به عنوان مربی فنی، رهبر گروه، مشاور و ... در مدارس دخترانه اکیداً ممنوع است.

● «شعار ما این است که محیط شادابی در مدارس مطابق با فرهنگ غنی اسلامی ایجاد شود.»

● یکی از ساحت‌های سند تحول بنیادین علی‌خامنه‌ای ساحت زیباشناختی است!

در پی انتشار گسترده ویدئوهای رقص و شادی دانش‌آموزان در مدارس با آهنگ بدون مجوز «جنتلمن» از ساسی‌مانکن، وزارت آموزش و پرورش پخش ترانه‌های به گفته این وزارتخانه «نامناسب» در مدارس را ممنوع کرد. این وزارتخانه با تدوین دستورالعمل سرودخوانی، اجرای تک‌خوانی دختران دانش‌آموزان و ورود گروه‌های موسیقی به مدارس را نیز ممنوع کرده است.

با وجود انتقاد شدید مقامات، دستگاه‌ها و اعوان و انصار حکومت، همچنان ویدئوهای جدیدی از رقص و شادی دانش‌آموزان با ترانه «جنتلمن» از ساسی‌مانکن خواننده موسیقی پاپ ساکن آمریکا در فضای مجازی منتشر می‌شود. کاربران فضای مجازی سانسور شادی جمعی کودکان در مدارس و تعیین خطوط قرمز گسترده برای نسل جدید را هدف انتقاد قرار داده و به تلاش حکومت در تربیت نسلی افسرده، بی‌آینده و ناامید می‌تازند. ولی با این حال، وزارت آموزش و پرورش در اقدام تازه‌ای پخش ترانه‌های به گفته این وزارتخانه «نامناسب»

قرار گرفته. انگونه که این مقام آموزش و پرورش اعلام کرده، باید «مسئولیت تهیه سرود از اشعار کتاب‌های درسی با معلمان باشد.» وی همچنین افزوده «ما تأکید کرده‌ایم همکاری آقایان به عنوان مربی فنی، رهبر گروه، مشاور و ... در مدارس دخترانه اکیداً ممنوع است و اعلام شد اگر با چنین موردی مواجه شویم شدیداً با آن برخورد خواهیم کرد.»

بر اساس این قوانین، حضور مردان در مدارس دخترانه با هر عنوانی ممنوع قرار گرفته.

سختگویی قوه قضائیه: نگاه کردن آقایان به خانم‌ها در ماه رمضان جرم است!



غلامحسین اسماعیلی سخنگوی قوه قضائیه

منوع‌الخروج بودن و بازداشت این خانم صحت ندارد چون این ادعا ثابت نشده است. خانم افشار قرار بود حاضر شود اما چون خارج از ایران است، دلیلی برای حضور او وجود ندارد. سخنگوی قوه قضائیه درباره اعدام اخیر دو نوجوان ۱۷ ساله در شیراز که سازمان‌های دفاع از حقوق زندانیان به ویژه عفو بین‌الملل آن را خلاف قوانین سازمان ملل متحد دانسته گفت: آنها سرفقت مسلحانه و تجاوز به عنف انجام داده بودند و برخلاف ادعا،

● در مورد زندانیان سیاسی باید با قوه قضائیه مذاکره شود.

سخنگوی قوه قضائیه جمهوری اسلامی گفته است، به هموطنان عزیز در آغاز ماه رمضان دو توصیه مهم دارم. اول اینکه کسانی که به هر دلیل از روزه گرفتن معذور هستند از تظاهر به روزه‌خواری اجتناب کنند. به خصوص فروشندگانی مواد خوراکی در فاصله اذان صبح تا اذان مغرب به مشتریان خود چیزی نفروشند. در غیر این صورت نیروهای انتظامی با هر دو خریداران و فروشندگانش برخورد خواهند کرد!

غلامحسین اسماعیلی که اخیراً به این سمت منصوب شده گفت: توصیه دوم به بانوان این است که حجاب را بیش از پیش رعایت کنند و مهمتر از آن اینکه آقایان در طول ماه رمضان به خانم‌ها نگاه نکنند! البته بی‌توجهی به این توصیه‌ها طبق قانون جرم شناخته می‌شود و تنبیهاتی به دنبال خواهد داشت. اسماعیلی در مورد صدور حکم جلب مهناز افشار بازیگر سینما که برخی می‌گویند طلبه حوزه علمیه همدان تحت تأثیر اظهارات او به قتل رسیده، توضیح داد که موضوع

واکنش به رقص و آواز و شادی دانش‌آموزان: هیأت‌های مذهبی در مدارس تشکیل شود!



دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور با ارسال نامه‌ای به وزیر آموزش و پرورش خواستار برخورد با مدیران مدارس شده‌اند.

این بسیجیان خطاب به وزیر نوشته‌اند «سریراً نسبت به شناسایی و برخورد با مدیران متخلف این مدارس اقدام کرده و سیاست‌های وزارتخانه را در جهت اصلاح موارد بیان شده قرار دهید.»

نوشادی رئیس شورای هیئت‌های مذهبی کشور، هر گونه تخلفی از قوانین در حوزه‌های مختلف تربیتی، فرهنگی، علمی و آموزش در مدارس را «مستلزم برخورد‌های قانونی» دانست.

وی اظهار داشت که «باید این نوع شادی را با نهادینه کردن آهنگ‌های مبتذل در مدارس ایجاد کرد» و «شایسته نیست که این مراکز به محلی برای ورود دی‌جی‌های زیرزمینی و رقص و آواز تبدیل شود.» وی با اعلام اینکه دسیسه‌هایی در حال اجرایی کردن بندهایی از سند ۲۰۳۰ یونسکو در کشور است، گفت: «از نمایندگان مردم در مجلس اسلامی انتظار داریم که استیضاح وزیر آموزش و پرورش را در دستور کار قرار دهند تا شاهد نظام‌مند شدن این نوع حرکت‌ها در مدارس نباشیم.»

نوشادی با تأکید بر ترویج آموزه‌های دینی در مدارس، پیشنهاد کرد که

● این پیشنهاد در حالیهست که جمهوری اسلامی ۴۰ سال است با امکانات گسترده درباره «الگوهای دینی» تبلیغ می‌کند و از درون آن ساسی‌مانکن بیرون آمده‌است! ● ۵۱ دفتر بسیج دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور با ارسال نامه‌ای به وزیر آموزش و پرورش خواستار برخورد با مدیران مدارس شدند.

● ساسی مانکن علی‌مطهری را به چالش «جنتلمن» دعوت کرد: اگر خودت با این آهنگ نرقصیدی، برنده‌ای!

● نوشادی رئیس شورای هیأت‌های مذهبی کشور، هر گونه تخلفی از قوانین در حوزه‌های مختلف تربیتی، فرهنگی، علمی و آموزش در مدارس را «مستلزم برخورد‌های قانونی» دانست.

رئیس شورای هیأت‌های مذهبی کشور در واکنش به ویدئوی رقص دانش‌آموزان با موسیقی «غیرمجاز»

علی‌رغم این توضیحات، مدیرکل فرهنگی، هنری، اردوها و فضاهای آموزشی آموزش و پرورش از ارائه دستورالعمل این وزارتخانه به مدارس برای سرود مدارس در سال گذشته خبر داده و گفته که در این دستورالعمل «تکاتی که دغدغه به حساب می‌آید» آمده است. بر مبنای این دستورالعمل، در گروه سرود دختران «اجرای تک‌خوانی ممنوع است» و باید «در تولید و ساخت سرود مدارس به منظور نیل به اهداف آموزشی و تربیتی و درک بهتر مفاهیم و محتوای اشعار کتب درسی ملاحظه کار قرار گیرد.»

انگونه که این مقام آموزش و پرورش اعلام کرده، باید «مسئولیت تهیه سرود از اشعار کتاب‌های درسی با معلمان باشد.» وی همچنین افزوده «ما تأکید کرده‌ایم همکاری آقایان به عنوان مربی فنی، رهبر گروه، مشاور و ... در مدارس دخترانه اکیداً ممنوع است و اعلام شد اگر با چنین موردی مواجه شویم شدیداً با آن برخورد خواهیم کرد.»

بر اساس این قوانین، حضور مردان در مدارس دخترانه با هر عنوانی ممنوع قرار گرفته.



«هیأت‌های مذهبی در مدارس شکل گیرد تا زمینه‌ساز ترویج الگوهای دینی در مدارس شود.» این پیشنهاد در حالیهست که جمهوری اسلامی ۴۰ سال است با امکانات گسترده درباره «الگوهای دینی» تبلیغ می‌کند و از درون آن ساسی‌مانکن بیرون آمده‌است!

نوشادی با اشاره به اینکه وزارت آموزش و پرورش درباره این رخداد نامیوم فرهنگی در برخی از مدارس کشور واکنش مؤثری نشان نداده، یادآور شد: «مردم حق دارند بدانند که دلیل عادی شدن رقص و اجرای سرودهای نامتعارف و ضد ارزشی در مدارس چیست و چرا با وجود توصیه‌های مقام معظم رهبری مبنی بر عدم اجرای سند ۲۰۳۰، در عمل این سند در مدارس اجرایی و عملیاتی شده است.»

رئیس شورای هیأت‌های مذهبی کشور خواستار «برخورد با مسببین ترویج آهنگ‌های مبتذل در مدارس کشور» شده و مانند رهبر جمهوری اسلامی و دیگر مقامات کشور تکرار کرده «که جریان خرنده فرهنگی در راستای هنجارشکنی و مقابله با فضای ایمان و معنویت و تغییر هویت اسلامی ایرانی دانش‌آموزان در حال اجراست که باید جلوی آن گرفته شود.»

انتقاد علی‌مطهری نایب رئیس مجلس شورای اسلامی به شادی و رقص دانش‌آموزان و آنچه انتشار «کلیپ‌های رقصی» خواننده، واکنش‌های گسترده‌ای در پی داشته و از او انتقاد شده که بجای رسیدگی به مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم، در پی پاسخگویی وزیر آموزش و پرورش در مورد رقص کودکان مدارس است!

سازمان حیدری معروف به ساسی مانکن در صفحه اینستاگرامش نسبت به انتقاد شدید نایب رئیس مجلس شورای اسلامی به پخش ترانه‌اش در مدارس کشور، وی را دعوت به شرکت

● **یک روز من داشتم ضبط می‌کردم آقای مشیر آمدند؛ یک تکه‌اش را عوض کردند؛ گفتیم «چرا هر دفعه این کار را می‌کنید؟» خیلی ناراحت شدم و گریه کردم، آن موقع ۲۴-۲۵ سالم بود. از استودیو که بیرون آمدم خانم دلکش به من گفتند «تو ۲ ساله که داری می‌خونی، اگر مهمونی و عروسی و کنسرت نمی‌خوای بری، خب برای چی می‌خونی؟ رادیو واسه تبلیغه!»**

● **ترانه معروف «مرا ببوس» را که آهنگش از مجید وفادار عمومی من است، برای اولین بار خانم پروانه در فیلم «اتهام» اجرا کرد و بعد گل‌نراقی آن را خواند.**

● **من دوست ندارم فقط برای خانم‌ها بخوانم و تعجب می‌کنم از خانم‌هایی که در ایران به این مسئله تن می‌دهند.**

فیروزه رمضان‌زاده - چند روز پیش قرار شد که به تلفن خانهاش در تهران زنگ بزنم؛ با آن لحن شفاف و دلنشین‌اش از پشت تلفن تاکید می‌کند که «در یک خانواده هنری به معنای واقعی کلمه به دنیا آمده است.» به راستی چنین است. او فرزند پررخیده خواننده و دوبلور معروف و از زنان پیشگام تئاتر و سینمای ایران و حمید وفادار نوازنده‌ی تار و همچنین برادرزاده‌ی مجید وفادار آهنگساز بنام ایرانی است. پوراندخت وفادار با نام هنری «فیروزه» به دلایلی تنها به دو سال آواز خواندن اکتفا کرد ولی با آنکه در حال حاضر ۸۴ سالگی را رد کرده قصد دارد آواز خواندن، سودای ناتمام سال‌های جوانی خود را ادامه دهد.

چندی پیش فرصتی دست داد تا کیهان لندن با این هنرمند که پیشتر در هیچ رسانه‌ای ظاهر نشده به گفتگو بنشیند.

● **خانم وفادار، در خانواده شما مادر، پدر و عمویان همگی هنرمندان مشهوری بودند، قاعدتاً علاقه به هنر در شما هم وجود داشته اما چه شد که بین موسیقی و هنرپیشگی، آواز خواندن را انتخاب کردید؟**
- من در یک خانواده هنری به معنای واقعی کلمه به دنیا آمدم؛ مادرم نورالهدی مظفری با نام هنری پررخیده، پدرم حمید وفادار نوازنده تار و عمویم مجید وفادار آهنگساز و نوازنده ویولون بود؛ البته دایی‌های من هیچ وقت معروف نبودند ولی آنها هم ویولون می‌زدند و هم می‌خواندند، منظوم این است که وقتی می‌گویم خانواده هنرمند، همه‌شان هنرمند بودند. مادرم در سال ۱۳۱۰ روی سن بود آن زمان که خانم‌ها اصلاً جرات نداشتند از خانه بیرون بیایند، او هم هنرپیشه بود هم خواننده و هم دوبلور. در آن زمان که البته سینما نبود مادرم حدود شصت هفتاد تا شاید هم بیشتر تئاتر بازی کرد و همین مقدار هم فیلم داره، منتهای زمانی که سینما به ایران آمد سن او یک مقداری بالاتر رفته بود و بیشتر رل مادرها را در سینما بازی می‌کرد ولی قبل از آن همیشه رل‌های اصلی را در نمایش داشت و خیلی هم مورد توجه بود در آن زمان.

پدرم و عمویم هم از کودکی به خاطر اینکه پدرشان (میرزا محمدخان وفادار) در تهران ناظم مدرسه آمریکایی‌ها بود با دکتر جردن کار می‌کردند و آنها سرودهایی برای بچه‌ها تنظیم می‌کردند با ساز پیانو. عمویم چون خیلی کوچک بود خود خانم دکتر جردن پیشنهاد می‌کند که برایش یک ویولون از خارج بیآورند چون آن موقع در ایران نبوده، عمویم از آن زمان شروع می‌کند. پدرم هم کمی بعدتر پیش درویش خان موسیقی را شروع می‌کند. من آواز را پیش مادرم ولی بیشتر خودم یاد گرفتم. شب‌هایی که دلکش می‌خواند من با او آواز را می‌خواندم و فردای آن روز از مادرم می‌پرسیدم «این در چه دستگانه‌یه؟» و اگر ایرادی داشت مادرم یادآوری می‌کرد. منتهای وقتی با عمویم رفته در آن دو سال کار و آواز را تکمیل کردم عمویم نکته‌های زیادی به من یاد داد.



پوران وفادار هنرمندی که پس از ۶۰ سال سکوت سخن می‌گوید: من عاشق آواز خواندن بودم...

● **از چه زمانی آواز خواندن را بطور جدی شروع کردید؟**
- واقعا یادم نیست که از کی می‌خواندم چون خیلی خیلی بچه بودم؛ بیشتر تمرین‌ها در خانه ما بود و آهنگ‌هایی که آنها می‌زدند که خواننده‌ها یاد بگیرند من زودتر یاد می‌گرفتم. ۱۰ سالم که شد مادرم آنموقع ساعت ۴ بعد از ظهر می‌رفتند برای تمرین تئاتر و تا ساعت ۱۲ شب هم نمی‌آمد در نتیجه من آهنگ‌ها را یاد می‌گرفتم و برای او می‌خواندم. اینجوری بود که به خواندن خیلی علاقمند شدم، منتهای بعد از اینکه دیپلم در سال ۲۳ گرفتم ازدواج کردم و نتوانستم تحصیلاتم را ادامه بدهم ولی یکی دو سال بعد خیلی شروع کردم به اینکه آواز را پیش مادرم ادامه بدهم و بعد هم در سال ۳۷ بود که به عمویم گفتم «میشه من با شما به رادیو بیام؟» او هم گفت «چرا نمیشه» و توسط عمویم به رادیو رفته؛ البته از من امتحان گرفتند و با نمره خیلی بالا قبول شدم. دو سال با عمویم کار کردم. در رادیو با اسم هنری «فیروزه» می‌خواندم؛ این اسم را عمویم انتخاب کرد و گفت چون خانم شاپوری با اسم پوران می‌خواند دو تا پوران نمی‌شود و من با اسم «فیروزه» شروع به خواندن کردم. منتهای نمی‌دانم چه جوری بگویم که خیلی اذیت شدم در رادیو برای اینکه مرتب به من می‌گفتند «چرا با عمویت کار می‌کنی؟ چرا با ما نمیایی کار کنی؟» زمانی که می‌خواستم ضبط کنم خیلی اذیت می‌کردند. به هر حال بعد از دو سال خودم از رادیو بیرون آمدم.

● **البته این را بگویم که خانم دلکش باعث شدند که استعفا بدهم، چون یک روز داشتم ضبط می‌کردم؛ آقای مشیر آمدند یک تکه‌اش را عوض کردند، من گفتم «چرا هر دفعه برای من این کار را می‌کنید؟» خیلی ناراحت شدم و گریه کردم، آنموقع ۲۴-۲۵ سالم بود. از استودیو که بیرون آمدم خانم دلکش به من گفت «تو ۲ ساله که داری می‌خونی، اگر مهمونی و عروسی و کنسرت نمی‌خوای بری خب برای چی می‌خونی؟ رادیو واسه تبلیغه» گفتم «من اهل این حرفان نیستم و فقط دوست دارم بخونم» از آن روز به بعد دیگر نرفتم. آنموقع سال ۱۳۲۹ بود که در وزارت اقتصاد استخدام شدم. چند سال بعد چون شوهرم رفت به جنوب در سازمان آب و برق مشغول به کار شد ناچار شدم از تهران به جنوب بروم و ۳۰ سال در جنوب بودم البته در جمع‌های خانوادگی و دوستان می‌خواندم اما در همان دوره دو ساله آنقدر مورد توجه قرار گرفته بودم که بیشتر مجله‌های مطرح آن زمان عکس من روی جلدشان بود مثل تهران مصور، امید ایران، اطلاعات هفتگی.**

● **چرا آن زمان دنبال هنرپیشگی نرفتید؟**
- اتفاقاً یک کارگردانی بود به اسم سردار ساگر که هندی بود، همان موقع که می‌خواندم با من تماس گرفت گفت «من فیلمی می‌خوام بسازم اصلاً این سناریو را برای تو نوشتیم به اسم فردا روشن است». همان فیلمی است که بعداً ویدا قهرمانی و فردین بازی کردند. سردار ساگر این فیلم را به من پیشنهاد کرد، با من قرارداد هم بست و پول خوبی که شاید آنموقع فقط خانم دلکش چنین پولی می‌گرفت و مدتی گذشت یک مرتبه دیدم در روزنامه نوشته که «فردا روشن است» با شرکت ویدا قهرمانی و فردین جلوی دوربین رفت. به مادرم گفتم «او که با من قرارداد داشت» مادرم گفت «ولش کن عیب نداره» گفتم «ولی به من پول داده» گفت «من خودم پولش رو پس میدم» روز افتتاحیه فیلم رفتیم آنجا؛ خیلی ناراحت بودم؛ رفته پیش سردار ساگر گفتم «چرا دنبال نفرستادن من که تست هم داده بودم» گفت «من از خدام بودم؛ سناریو رو برای تو نوشته بود. ولی مامانت نگذاشت مامانت هم چیزی بگه کسی جرأت نداره روی حرف بزنه!»

● **چطور مادران که خودش باز یگر بود با فعالیت سینمایی شما مخالفت کرد؟**
- یک مقدار هم پدرم و هم مادرم هر دو مخالف خواندن با بازیگری من بودند. مادرم می‌گفت که خودش خیلی نامالیما ت دیده. حالا آن دو سالی که با عمویم خواندم چون عمویم بود پدرم چیزی نمی‌گفت؛ مادرم خیلی مسائل ناچور در آن مدت که بازی می‌کرد دید، اذیتش می‌کردند. می‌گفت «در ایران شهرت بدچیزبست» آن زمان واقعا هم همینطور بود.

● **مگر مردم چطور با هنر و هنرمندان برخورد می‌کردند؟**
- باور کنید آن زمان به خاطر نوع تفکر مردم و متأسفانه روی مسئله مذهب خیلی توجه می‌شد، آنموقع‌ها بیشتر سختگیری می‌کردند تا بعدها. مادرم می‌گفت «تو اگر الان فرض کن تشنه‌ات بشه می‌تونی کنار خیابون آیموه‌ای، نوشابه‌ای بگیری بخوری، من دو دقیقه نمی‌تونم در خیابون بایستم» واقعا هم همینطور بود، من گاهی با مادرم بیرون می‌رفتم؛ چادر سرش می‌کرد که مردم او را نشانند، چون می‌ریختند دورش. گفته‌ای از عمویم به یاد دارم که در مصاحبه‌ای گفته بود «برای کوک کردن سازم یک روز باید پیش استاد می‌رفتم آن روز سه بار کتک خوردم برای اینکه ویولون دستش بود! آنموقع مردم هنوز به آن رشد فکری نرسیده بودند که اصلاً بدانند هنر چیست، موسیقی چیست، تئاتر چیست!

● **شماره خواندن تشویق نکرد؟**
- من که اهواز بودم. پوران یک سفر به جنوب آمده بود و ما در یک مهمانی خیلی بزرگ دعوت داشتیم و پوران آنجا یکی دو تا آهنگ خواند بعد به من گفت «بیا یکی از آهنگ‌های عمویت را بخوان» من هم گفتم نه، چون آنموقع شوهرم مخالفت شدید می‌کرد؛ ولی پوران اصرار کرد. من هم خواندم. پوران رو به شوهرم گفت «بین، ماها همه دست به دست هم دادیم کاری کردیم که فیروزه نخونه چون فکر کردیم میاد اوضاع ما رو بهم می‌زنه ولی الان من خودم پشتش می‌ایستم، اگر بزاری بیاد تهرون یکی از بهترین خواننده‌ها میشه» ولی من گفتم «نه دیگه پوران جان، تمام شد دیگه!»

● **در بین آوازهایی که اجرا کردید کدام یک را بیشتر دوست دارید؟**
- می‌دانید من کلا آهنگ‌های عمومی را خیلی دوست داشتم، عمومی من الان نزدیک ۴۴-۴۵ سال است که از دنیا رفته و زمانی هم که بود مریض شد، در نتیجه آهنگ‌ها مربوط به ۶۰ سال پیش هستند ولی الان خیلی از جوان‌های ایرانی که می‌خوانند دنبال این آهنگ‌ها هستند و هفته‌ای نیست که مجوز به آنها ندهم تا این آهنگ‌ها را بر روی سن اجرا کنند. همه آهنگ‌های عمومی را دوست داشتم؛ ولی یک آهنگ هست «به یاد عشق» که بیژن ترقی شعرش را گفته. به خاطر داستانی که بیژن برای ما تعریف کرد از این آهنگ بیشتر از بقیه خوشم می‌آید.

● **بعد از انقلاب به چه کارهایی مشغول بودید؟**
- سال ۷۳ پرگشتم تهران که بازنشسته شدم. اینجا دوباره با هنرمندان ارتباط برقرار کردم؛ سعی کردم کتابی در مورد عمویم چاپ کنم چون مجید وفادار ۴۰۰ آهنگ دارد و بیشتر خواننده‌هایی که معروف شدند آن زمان همه توسط عمویم به شهرت رسیدند، ترانه‌های معروفی مثل «مرا ببوس»، «گلزار»، «عاشقم من» و خیلی‌های دیگر از کارهای معروف و از آثار عمومی هستند. من دیدم حیف است که مجید وفادار کتابی در موردش برای آیندگان نباشد که بدانند که یک هنرمند نابغه‌ای در این مملکت بوده. در این مدت سعی کردم کتاب عمویم را چاپ کنم البته با کمک بعضی از هنرمندان به‌خصوص آقای دکتر علیرضا امینی خیلی به من کمک کرد و شرکت شیناتک قبول کرد برای چاپ کتاب عمویم. خودم برای کتاب اسم «خنیاگر آسمانی» را انتخاب کردم و چاپ شد. بعد پیشنهاد کردم یک کنسرت برای آهنگ‌های عمومی برگزار کنند به اسم «جاودانه‌های وفادار». که خواهش کردم اگر بشود آقای محمد معتمدی را بگویند بیاید و قبول کرد و بعد آقای امینی گفتند «خودت باید حتماً آهنگ‌های عمویت را بخونی» من گفتم «۶۰ ساله که کار نکردم!»

● **همخوان همکاری کردید؟**
- نه در این کنسرت تنها خواندم؛ سی‌دی آماده است و منتظریم که یک کلیپ برای آن درست کنند و در فضای مجازی پخش شود.

هفته آینده فکر می‌کنم بزرگداشتی برای پدرم و عمویم برادران وفادار قرار است برگزار شود، به من گفتند «خودت بیا و یک آهنگ بخوان» ولی فکر نمی‌کنم بشود چون الان دوباره دولت دارد برای آواز خواندن خانم‌ها خیلی سختگیری می‌کند.

● **آیا فرزندان شما مثل خودتان به آواز و موسیقی علاقمند نشدند؟**
- اتفاقاً پسر صدايش بد نبود ولی گفتم که؛ ۳۰ سال در خوزستان بودم آنها آنجا تقریباً بزرگ شدند؛ کلاسی نبود که آنها بتوانند بروند چیزی یاد بگیرند. نه، هیچکدام دنبال آواز نرفتند، حالا بچه‌های من که هیچی، بچه‌های عموی من هم دنبال آواز نرفتند، چون عموی من اجازه نمی‌داد! باور کنید نسل بعد از خانواده هنرمند وفادار که ماها باشیم فقط من بودم که باز خواندم ولی هیچکدام از بچه‌های آنها به دنبال این هنر نرفتند. الان من دو تا نوه بیشتر ندارم یک دختر و یک پسر، متأسفانه دختر بزرگم را چند سال پیش از دست دادم، الان پسرم یک دختر دارد که بی‌نهایت به موسیقی علاقه دارد و از همین امسال قرار است پیانو یاد بگیرد چون شش سالش شده و نتیجه‌ام که یک سال و نیمه است دیوانه موسیقی است. فکر می‌کنم نسل بعد از ماها در موسیقی کارهایی انجام بدهند.

● **به نظر شما آیا الان نگاه خانواده‌های ایرانی نسبت به هنر و موسیقی و آواز تغییر پیدا کرده؟**

- الان خیلی راحت‌تر شده، الان بیشتر خانواده‌ها بچه‌های خود را به خواندن یا یاد گرفتن ساز تشویق می‌کنند. درست است که اجازه نمی‌دهند خانم‌ها بخوانند ولی بیایید ببینید در ایران چه دخترانی با چه صداهایی آواز می‌خوانند، واقعا ادم لذت می‌برد، به هر حال اینها دارند تلاش می‌کنند و می‌خوانند و کنسرت‌های بدون آقایان می‌گذارند، به یکی دو تا از این کنسرت‌ها رفته‌ام و واقعا محشرند، خانم‌هایی که ساز می‌زنند بی‌ظنیرند، ولی آنموقع‌ها اینطور نبود. شما تاریخ گذشته را نگاه کنید، ما نداریم خانمی در آن زمان بجز یکی دو تا که ساز می‌زدند که مشهور هم نبودند. بعداً که تلویزیون به ایران آمد خانم‌ها رفتند به دنبال اینکه ساز هم یاد بگیرند. آن زمان اگر کسی دنبال هنر بود، می‌رفت دنبال آواز خواندن. ولی من دوست ندارم فقط برای خانم‌ها بخوانم و تعجب می‌کنم از خانم‌هایی که در ایران به این مساله قناعت می‌کنند که فقط برای خانم‌ها کنسرت بگذارند!

● **هیچوقت پشیمان نشدید که آواز خواندن را خیلی زود کنار گذاشتید؟**
- چرا! الان باور کنید پشیمانم به‌خصوص که بچه‌های خودم هم به من می‌گویند «چرا گذاشتی کنار؟» وقتی دو سال پیش، کنسرت گذاشتم ۸۲ سالم بود و اصلاً هیچکس باور نمی‌کرد که بتوانم به این راحتی بخوانم، قبلم هم رفته پیش دکتر تا حنجره‌ام را ببیند گفتند «خوشبختانه حنجره‌ات اصلاً پیر نشده» و این یک قوت قلبی بود برایم که در کنسرت هم آنقدر بدون استرس و تشویق رفته روی سن که خودم هم باورم نمی‌شد. ولی پشیمانم از اینکه ادامه ندادم...

● **بجز خوانندگی دوست داشتید چکاره‌می‌شدید؟**

- من عاشق آواز خواندن بودم، در یک دوره‌ای پدرم در تئاتر کار می‌کرد؛ آقای والا که مدیر تهران مصور بود یک روز به منزل ما آمد گفت «۱۶ تا از خواننده‌های جوان را داریم می‌فرستیم ایتالیا بروند کنسرواتوار آموزش ببینند. بزار پوران بره» مادرم گفت «دست من نیست و پدرش باید اجازه بده» همانجا خودم گفتم «نه، دلم نمی‌خواد ایرا بخونم من دوست دارم ایرانی بخونم»

● **هیچوقت یاد نمی‌رود آقای والا نگاهی به من کرد و گفت «می‌دونی چی رو داری از دست میدی!» گفتم «هر چی باشه دوست ندارم ایرا بخونم و نمی‌خوام از مادرم جدا بشم دوست دارم هر چی هست اینجا یاد بگیرم» اگر بعداً آنقدر اذیت نمی‌شدم و خانم دلکش آن حرف را نمی‌زد شاید ادامه می‌دادم؛ شاید در فیلم‌ها هم بعداً مادرم راضی می‌شد و می‌رفتم بازی می‌کردم ولی بیشتر دوست داشتم بخوانم، همیشه.**

● **بعد از کنسرت دو سال پیش، آیا قرار است اجرای دیگری داشته باشید؟**
- بله، هفته پیش آهنگ «شب‌های تهران» را ضبط کردم با ارکستر آقای احمد مقدسی زاده که آن را بسیار زیبا تنظیم کرده. فعلاً این آهنگ را با این کنسرت ضبط کردم چون باید بتوانم آهنگ‌های خودم یا آهنگ‌های دیگر عمویم را دوباره بازخوانی کنم.

● **در این کنسرت هم به عنوان**

ادامه بلا تکلیفی کارخانه روغن نباتی قو دو سال پس از تعطیلی



● این کارخانه پس از نیم قرن فعالیت به دلیل بی کفایتی مقامات جمهوری اسلامی در روند خصوصی سازی، واگذار و سپس مانند بسیاری دیگر از کارخانه های نام آشنا تعطیل شد.

● کارگران کارخانه دو سال است منتظر انتقال کارخانه به خارج از تهران و بازگشایی آن هستند.

دو سال از تعطیلی کارخانه روغن نباتی قو می گذرد و طی این مدت همواره خبرهای ضد و نقیضی درباره بازگشایی این کارخانه منتشر شده است. اکنون با وجود آنکه مدیر عامل این کارخانه می گوید «ما مکان جدید کارخانه را تعیین کرده ایم و دیوارکشی هم انجام شده است» اما یکی از کارگران این کارخانه این سخنان را «وعده های توخالی» خوانده است.

کارخانه روغن نباتی قو پس از ۵۰ سال فعالیت در خردادماه سال ۱۳۹۶ با وجود کسری بودجه شدید و در پی صدور مجوز تغییر کاربری زمین کارخانه تعطیل شد. این کارخانه که در نیم قرن گذشته نام آن در ذهن بسیاری از ایرانیان مانده بود به دلیل بی کفایت مقامات جمهوری اسلامی و در روند خصوصی سازی، واگذار و سپس مانند بسیاری دیگر از کارخانه های نام آشنا تعطیل شد. این کارخانه توسط احمد غضنفر و محمد علی غضنفر در سال ۱۳۳۴ در تهران به ثبت رسید و در سال ۱۳۳۶ شروع به تولید کرد.

کارخانه روغن نباتی جهان در سال اول تأسیس روزانه ۵ تن روغن نباتی تولید می کرد و در سال ۱۳۵۶ روزی ۲۰۰ تن تولید روغن نباتی داشت. این کارخانه در اواخر سال ۱۳۶۴ توسط بنیاد مستضعفان مصادره شد. در سناریوی توزیع رانتی که با عنوان

کارگران نخستین قربانیان رکود تورمی مسکن؛ بیکاری ۶۰ درصد از کارگران ساختمانی



● قیمت مسکن در سال ۱۳۹۷ بیش از ۸۰ درصد افزایش داشت، اما این افزایش در شرایطی اتفاق افتاد که خرید و فروشی در کار نبود. ● نایب رئیس کانون کارگران ساختمانی: این شرایط منجر به بیکاری گسترده کارگران ساختمانی شده است. در حال حاضر ۶۰ درصد کارگران ساختمانی کشور بیکارند.

افزایش بیش از دو برابری قیمت ساخت مسکن طی سال گذشته و عدم رونق در بازار مسکن موجب شده بخش زیادی از کارگران ساختمانی بیکار شوند. آشفته گی قیمت در بازار مسکن و رکود عمیق در معاملات مسکن موجب شده ساخت و ساز با کاهش چشمگیری روبرو شود. این شرایط بیش از همه کارگران ساختمانی را با مشکل روبرو کرده بطوری که آمارها از بیکاری ۶۰ درصد از کارگران ساختمانی خبر می دهند. با وجود اینکه قیمت مسکن در دو دهه گذشته همواره روندی صعودی را طی کرده و قیمت ملک در تهران از سال ۱۳۷۲ تا کنون با افزایش ۲۰۰ برابری روبرو شده است اما سال گذشته افزایش قیمت مسکن با شیبی بسیار تند اتفاق افتاد. قیمت مسکن در سال ۱۳۹۷ بیش از ۸۰ درصد رشد کرد، اما این افزایش در شرایطی اتفاق افتاد که خرید و فروشی در کار نبود. این در حالیست که خرید و فروش مسکن در ایران نیز با کاهش ۶۹ درصدی روبرو شده. این روند که در بازار مسکن نادر به شمار می رود موجب شده قشرهای متوسط و ضعیف کاملاً از دایره متقاضیان خرید ملک خارج شوند و در نتیجه رکود در بازار تشدید شد. از سوی دیگر همواره کاهش معاملات مسکن به معنای کاهش ساخت و ساز است. در چنین شرایطی کسی به فکر

ساختن آپارتمان جدید نمی افتد و حتی تکمیل آپارتمان های نیمه کاره نیز متوقف می شود. این به معنای رکود در بازار مشاغل مربوط به مسکن است. بر اساس گزارش ها قیمت ساخت مسکن نیز روندی افزایشی را طی کرد بطوری که بر اساس گزارش های مرکز آمار ایران قیمت نهاده های ساختمان های مسکونی شهر تهران در فصل زمستان ۱۳۹۷ نسبت به فصل پاییز ۷۰۷ درصد و نسبت به شاخص فصل زمستان سال ۱۳۹۶ نیز ۵۹۰۷ درصد افزایش داشته است. با این وجود خبرگزاری ایلنا بر پایه برخی برآوردها تأکید کرده که افزایش قیمت مصالح ساختمانی بسیار بیشتر از آن چیزی است که مرکز آمار اعلام می کند است و این افزایش قیمت در کنار افزایش دستمزد، هزینه ساخت و ساز را به شدت افزایش داده است. بر اساس گزارش خبرگزاری ایلنا برآوردها نشان می دهد هزینه تمام شده ساخت و ساز برای هر متر مربع به بیشتر از سه میلیون تومان رسیده است. گرانی محصولات ساختمانی خارجی نظیر بسیاری از پکیج ها، قطعات آسانسور یا حتی مواد اولیه مصالحی مانند رنگ و چسب به گرانی تعمیرات نیز انجامیده است. در حال حاضر ۶۰ درصد کارگران ساختمانی کشور بیکارند.

از هر چیز باید وزارت صنعت تکلیف ارز ما را مشخص کند. تازه اگر این موضوع مشخص شود ما به دلیل وجود تحریم ها ممکن است برای وارد کردن دستگاه ها دچار مشکل شویم. اگر این مشکلات رفع شود، ما توانایی راه اندازی مجدد کارخانه و کارآفرینی برای ۲۰۰ نفر را داریم.

از سوی دیگر تعطیلی دو ساله کارخانه موجب شده است که سنوات و مزایای کارگران بازنشسته و معوق که بیش از ۲۰۰ نفر هستند پرداخت نشود. گلرخ آذرمی در این باره گفته است، «واقعیت این است که ما تولید و درآمدی نداریم و در تدارک راه اندازی دوباره کارخانه هستیم. این شرایط باعث شده از نظر منابع مالی دچار مشکل باشیم. علاوه بر این ما اقدام به بازنشسته کردن برخی از افراد که سابقه ۲۵ سال دارند، می کنیم و برای اینکه این افراد بتوانند ۳۰ روز حقوق بگیرند باید پولی به تأمین اجتماعی پرداخت کنیم.»

با وجود این توضیحات طولانی شدن تعطیلی و مشخص نبودن زمان دقیق بازگشایی کارخانه روغن نباتی قو، این نگرانی را ایجاد کرده که این کارخانه نیز به کارخانه هایی بپیوندد که دیگر هرگز قرار نیست کالایی تولید و کسالتی را مشغول به کار کند.

«خصوصی سازی» انجام شد سال ۹۱ به شرکت «تهان گل» به عنوان بخش خصوصی واگذار شد. پیش از این واگذاری سهام دار عمده آن، سازمان اقتصادی «کوثر» وابسته به «بنیاد شهید» و «مور ایثارگران» بود. این کارخانه از سال ۷۳ با تهدید تعطیلی به دلیل آلاینده گی مواجه بود و بارها احکامی برای تعطیلی و انتقال آن صادر شد، اما تا سال ۹۶ به کار خود ادامه داده بود. دو سال پیش بود که کارخانه قو و در شرایط رکود تورمی عمیق، با این وعده به کارگران که به خارج شهر منتقل و کار خود را از سر می گیرد، تعطیل شد.

با این وجود طی دو سال گذشته مدیران این کارخانه همواره وعده بازگشایی دوباره آن می دهند. روز پنجشنبه ۱۹ اردیبهشت گلرخ آذرمی در جواب این سوال که زمان دقیق راه اندازی کارخانه چه زمانی است به خبرگزاری ایلنا گفته است: «تمی توانم زمان دقیقی برای این کار مشخص کنم. ما مکان جدید کارخانه را تعیین کرده ایم و دیوارکشی هم انجام شده است، اما برای راه اندازی مجدد کارخانه به دستگاه های جدیدی احتیاج داریم که تهیه آن در شرایط تحریمی فعلی مشکل است.»

گلرخ آذرمی افزوده است «پیش

بحران عظیم اقتصادی؛ قیمت هایی که چندصد برابر و سفره هایی که کوچکتر شده اند!

دستمزد کانون عالی شوراهای اسلامی کار نیز گفته است: «در این شرایط اقتصاد، حتی اگر دستمزد ۶۰ یا ۷۰ درصد زیاد می شد، باز هم نمی توانست قدرت خرید کارگران را حفظ کند. افزایش دستمزد به شرطی کارا خواهد بود که دولت وظایف حاکمیتی خود را انجام دهد و یکی از مهم ترین وظایف حاکمیتی دولت، تأمین سبد خوراکی ها و آشامیدنی ها با نرخ مصوب یا نرخ دولتی است.»

او مثالی در مورد ناکارآمدی دولت در مدیریت قیمت ها زده و گفته است گوشت وارداتی کیلویی ۱۰۵ هزار تومان است در حالی که قیمت آن در بازار آزاد کیلویی ۱۱۰ هزار تومان است. یعنی دولت فقط توانسته گوشت وارداتی را کیلویی ۵ یا ۷ هزار تومان ارزان تر به مردم عرضه کند! آیا به راستی مشکل مردم با این ۷ هزار تومان حل می شود؟ همین سیل اخیر را در نظر بگیرید؛ بعد از سیل، برنج به کیلویی ۲۵ هزار تومان رسید در حالی که بسیاری از مناطق سیل زده زیر کشت برنج نبودند! شما می توانید مصادیق بسیاری از عدم پایداری به انجام وظایف اجرایی را ببابید. در واقع دولت به وظیفه خود مبنی بر کنترل بازار درست عمل نکرده است.»

فرامرز توفیقی در ادامه گفته است که «قوه مقننه مجلس شورای اسلامی باید از دولت آقوه مجریه بپرسد چرا در «تورم» رکورد زدیم؛ قوه قضاییه هم بایستی با جدیت با سودجویان، دلالان و واسطه گران مبارزه کند. فقط همین قوای سه گانه هستند که می توانند معاش مردم را نجات دهند وگرنه هیچ کاری نه از دست من نماینده کارگر بر می آید و نه از دست نماینده ی کارفرما!»



می دهند یک خانوار کارگری با حداقل دستمزد که در سال جدید تنها ۳۶۰۵ زیاد شده، در فروردین ماه ۹۸ به نسبت فروردین ماه ۹۷ باید ۱۱۰ درصد بیشتر برای تهیه اولین الزامات یک تغذیه سالم - یعنی سبزیجات، میوه و گوشت - هزینه کند. برای نمونه، در حالی که مزد کارگران ساده فقط ۳۶۰۵ درصد زیاد شده، هزینه اقلام اساسی خوراکی از دو برابر هم بیشتر افزایش یافته است. احسان سلطانی کارشناس و تحلیلگر اقتصادی در این باره گفته است که در فصل بهار همه افزایش دستمزدهای سال ۱۳۹۸ برای طبقه متوسط با افزایش قیمت ها جبران خواهد شد و در فصل تابستان و همچنین نیمه دوم سال جاری، سطح معیشت طبقه متوسط همچنان کاهش خواهد یافت. پیامد این امر افزایش چند میلیونی افراد زیر طبقه متوسط خواهد بود. فرامرز توفیقی رئیس کمیته

● هزینه زندگی مردم در فروردین امسال نسبت به فروردین سال گذشته ۵۱،۴ درصد افزایش پیدا کرده و هزینه خورد و خوراک در همین بازه زمانی ۸۴،۴ درصد افزایش یافته است.

● فرامرز توفیقی: در این شرایط اقتصاد، حتی اگر دستمزد ۶۰ یا ۷۰ درصد هم زیاد می شد، باز هم نمی توانست قدرت خرید کارگران را حفظ کند.

بحران عظیم چنان بخش های مختلف اقتصاد ایران را فرا گرفته که مردم به نوعی غافلگیر شده اند و در این میان سفره های آنها روز به روز کوچک و کوچکتر می شود.

تورم نقطه به نقطه فروردین ماه از مرز ۵۱،۴ درصد گذشت. این رقم مربوط به تورم کل است اما نرخ تورم نقطه به نقطه خوراکی ها در فروردین امسال به ۸۴،۴ درصد رسیده و نرخ سبزیجات، میوه و گوشت قرمز نسبت به سال گذشته در همین ماه به بالای ۱۱۰ درصد رسیده است.

به بیان ساده این ارقام نشان دهنده این است که متوسط هزینه زندگی مردم در فروردین امسال نسبت به فروردین سال گذشته ۵۱،۴ درصد افزایش پیدا کرده و هزینه خورد و خوراک در همین بازه زمانی ۸۴،۴ درصد افزایش یافته است. حالا برای مردمی که درآمد ثابت داشته اند این رقم به معنای کاهش قدرت خرید چند ده درصدی آنها است. برای نمونه ارقام مرکز آمار نشان

اختصاص ۱۰۰ میلیون دلار برای مقابله با ریزگردها به دستور خامنه ای

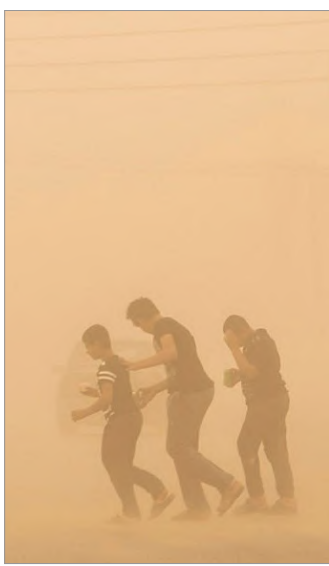
محیط زیست سیستان و بلوچستان در جریان سیل اخیر گفته بود، برنامه ریزی برای مدیریت آب ناشی از ورود سیلاب به منطقه سیستان و کاهش آثار زیانبار پدیده گرد و غبار برنامه ریزی لازم انجام شده.

در جریان سیل اخیر، بسیاری از کارشناسان بر مدیریت آب های جاری برای جلوگیری از بروز دوباره ریزگردها تأکید دارند.

در پی خشکسالی های متمادی و افزایش سطوح بیابانی، همه استان های ایران بجز سه استان مازندران، گیلان و بخشی از استان گلستان با مشکل ریزگردها درگیر بوده اند. اما پس از بارندگی های شدید بهار امسال، معادلات ریزگردها تغییر کرده و برخی کارشناسان نوید پایان عمر ریزگردها را در صورت مدیریت آب های حاصل از سیل می دهند. اما کارشناسان دیگری بر این باورند که سیل اخیر، نه تنها به کاهش این ریزگردها کمک نمی کند، بلکه گل و لای مناطق مختلف سیل زده، خود می تواند عامل ریزگردهای تازه ای باشد.

در طی سال های گذشته، عواملی چون زمین خواری، جنگل خواری و تسریع روند نابودی پوشش گیاهی، ریزگردها را از عرصه های کویری به مناطق شهری سوق داده است.

علاوه بر این، ریزگردهای خارجی از کشورهایی چون افغانستان، ترکیه و عراق نیز مناطق مرزی را سالهاست که با مشکل ریزگردها درگیر کرده ولی فقدان دیپلماسی زیست محیطی جمهوری اسلامی، آن را به معضلی حل نشده بدل کرده است.



با ریزگردهای سیستان را نیازمند یک برنامه مدیریتی جامع دانسته که اقدامات دستگاه های اجرایی باید مکمل آن باشند. رئیس سازمان حفاظت محیط زیست گفته که «برای مردم منطقه که دیرزمانی است از نعمت تالاب بی بهره مانده اند باید به فکر معیشت جایگزین بود.»

پس از سیل گسترده در استان سیستان و بلوچستان، خبرها حاکی از پرآب شدن تالاب هامون و بازگشت زندگی به این منطقه است. ماه اعلام کرد که بر اساس اطلاعات دریافتی از ماهواره های سنجنش، به دنبال بارش های هفته های اخیر در جنوب شرقی ایران، مساحت سطح آب به ۲۰۳۷ کیلومتر مربع رسیده و مناطق خشک سال گذشته نیز پرآب شده است. وحید پورمردان رئیس حفاظت

● پس از سیل گسترده در استان سیستان و بلوچستان، خبرها حاکی از پرآب شدن تالاب هامون و بازگشت زندگی به این منطقه است. ● کلانتری: ورود سیلاب های فصلی با وجود تبخیر ۴ هزار میلیمتری آب در شمال سیستان و بلوچستان نمی تواند خیلی در حوزه محیط زیست تالاب هامون مؤثر باشد.

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست می گوید به دستور علی خامنه ای، ۱۰۰ میلیون دلار برای مقابله با ریزگردها و غبار در کشور اختصاص یافته است. این در حالیست که برخی کارشناسان محیط زیست می گویند با مدیریت آب های سیل اخیر می توان مشکل ریزگردها را حل کرد و تالاب هامون پس از سال ها خشکسالی پرآب شده است.

عیسی کلانتری رئیس سازمان حفاظت محیط زیست که برای بازدید از کانون های گرد و غبار در شمال سیستان و بلوچستان به این استان سفر کرده بود، گفته که به دستور علی خامنه ای ۱۰۰ میلیون دلار برای مقابله با پدیده گرد و غبار در کشور اختصاص یافته است.

کلانتری، همچنین اظهار داشت که «ورود سیلاب های فصلی با وجود تبخیر ۴ هزار میلی متری آب در شمال سیستان و بلوچستان نمی تواند خیلی در حوزه محیط زیست تالاب هامون مؤثر باشد.» وی احیای تالاب هامون و مبارزه



روحانیت شیعه، منفورترین قشر اجتماعی

در ایران امروز



را از حفاظت روحانیون شیعه آغاز کردند و هر چه از دین می‌دانند از آنها آموخته‌اند. آموزش عقیدتی-سیاسی سپاهیان مبتنی است بر آموزه‌های روحانیونی مثل خمینی و مطهری و مصباح یزدی که دین را اسب قدرت قرار می‌دهند.

آینده روحانیت

روحانیت شیعه امروز تنها به دلیل دسترسی به منابع کمیاب جامعه در چارچوب حکمرانی، قشری مورد مراجعه عمومی است. پس از سقوط رژیم تنها کسانی که حاضرند برای رفع نیازهای روزمره‌ی معنوی خود هزینه بپردازند به این قشر رجوع خواهند کرد. روحانیت اگر دولتی نباشد و نهادهای آن از منابع عمومی (زمین و آب و برق مجانی) برخوردار نباشد مثل همه‌ی قشرهای دیگر جامعه در یک بازار آزاد خدماتش را به مردم ارائه خواهد کرد و عرضه و تقاضا جایگاه آن را بر خواهد ساخت. روحانیت شیعه در کرسی قدرت روال‌هایی در کشور ایجاد کرده (مثل گزینش یا کسب مجوز یا رهایی از دست نیروهای سرکوب) که مردم مدام نیاز دارند بدان رجوع کنند. حیات روحانیت به شیرهای نفت و گاز و صنایع مربوطه و سازمان سرکوب و تبلیغات تأمین شده از آن وابسته است. روزی که این شیرها قطع شود روحانیت شیعه (در قد و قامت حدود چهارصد هزار نفری) فوج فوج با تغییر لباس، نام‌های خود را نیز تغییر داده و در کسوتی دیگر تلاش می‌کنند به فریب و تقلب و خالی کردن جیب مردم دست زنند (از استخاره تا دعانویسی و از وعده‌ی بهشت و وعید دوزخ تا بزرگداشت مردگان و مدیریت قبرستان). امروز نرخ روحانیون به ۱۰۰ هزار نفر جمعیت کشور از نرخ پزشک و وکیل بیشتر است چون منابع عمومی و دولتی به جیب این قشر سرازیر می‌شود. فربه شدن روحانیت شیعه در یک بازار آزاد انجام نشده است.

در یک جامعه‌ی آزاد دین سه کارکرد دارد:
التیام بخشی
انگیختن معنویت و ارتباط با امر قدسی
ایجاد حس تعلق

روحانیت شیعه به عنوان یک نهاد در چهار دهه‌ی اخیر این کارکردها را واگذاشته است. وصل شدن روحانیون به شیر نفت و معادن و جنگل‌ها و مراتع کشور باعث شد که آنها تنها خدمت خود به ایرانیان را در صنعت گریه (التیام بخشی با روضه‌خوانی) واگذارند. مشاغل مربوط به مراسم دینی نیز همه دولتی شده‌اند. امروز اگر روحانیت شیعه به کلی از جامعه‌ی ایران حذف شود هیچ خللی به زندگی مردم و کارکردهای اجتماعی لازم وارد نمی‌آید. مساجد تقریباً خالیست و با بودجه‌های دولتی سرپاست. بعد از حکومت دینی و قطع بودجه‌های دولتی و عمومی برای مراکز مذهبی، آنها یک به یک تغییر کاربری خواهند داد. روحانیت شیعه امروز بخشی از «نظام» است و با سقوط نظام تنها وجه موزه‌ای آن (مثل کتاب‌های خطی) باقی خواهد ماند مگر آنکه روحانیون به کارکردهای مورد انتظار از خود بازگردند و دست از سر سبک زندگی و اداره‌ی جامعه و سیاست بردارند. ادعای استقلال و مخالفت برخی از روحانیون شیعه با جمهوری اسلامی را کمتر کسی باور خواهد کرد اگر آنها همچنان در پی کسب و حفظ قدرت باشند. آیا حتی یک روحانی اعلام کرده است که بیمه‌ی مجانی روحانیون یا حقوق ماهانه برای اقامه‌ی نماز در مراکز دولتی (حداقل امتیازات آنها) را رد کرده است؟ روحانیون شیعه اگر می‌خواهند باقی بمانند حداقل در یک دهه بعد از جمهوری اسلامی باید تلاش کنند تصویری را که در چهار دهه‌ی اخیر از خود ساخته‌اند تغییر دهند.

اعضای این قشر مشارکت داشته‌اند. حتی روحانیونی که با حکومت یا شخص خمینی و خامنه‌ای مخالف بوده‌اند نیز با سیاست‌های رژیم در اجرای شریعت و غرب‌ستیزی و برخورداری از امتیازات ویژه و دشمنی با علم و تکنولوژی مخالفتی نداشته‌اند. آندسته از روحانیون که با «ایده‌ی جمهوری اسلامی» مخالف بوده‌اند همیشه در اقلیت بوده‌اند و تعدادی از آنها که این نظر را ابراز کرده باشند نادر است. همچنین همه‌ی این اعضا بطور مستقیم یا غیرمستقیم از منافع و امتیازات حکومت دینی برای خودشان برخوردار شده‌اند.

قشرهای مختلف اجتماعی در ایران (مثل بازاریان و پزشکان و دیوانسالاران و نظامیان) برای ادامه حیات یا کسب منافع بیشتر با روحانیت شیعه که

این حد پیش می‌روند که از «فاصله گرفتن» مردم از این روحانیون سخن بگویند اما در تفصیل موضوع به سراغ خشونت‌های خیابانی و فحاشی علیه روحانیون شیعه می‌روند که ریشه در تنفر دارد. تنفر بخشی از جامعه‌ی ایران از روحانیت یک واقعت تلخ است که نتیجه‌ی سیاست‌ها و اعمالی است که این قشر در پیش گرفتند. تنفر چاره‌ی هیچ دردی در جامعه نیست اما ناظران یک جامعه نیز نمی‌توانند آن را به روی خود نیاورده و درباره آن گزارش ندهند.

دلیل اصلی تنفر

فساد، دروغ (با توجیه تقيه)، تقلب، رواج خرافات، زن‌ستیزی، تمدن‌هراسی، انسان‌هراسی، حیات انگلی، و ذهن‌شویی به عنوان دلایل تنفر نسبت به روحانیت شیعه آورده

مقایسه نیست. مردم در جوامع مختلف با قشرهایی مثل وکلا یا کارکنان بخش عمومی یا دولتی مشکل دارند و این مشکلات را در لطیفه‌هایی که می‌سازند می‌توان مشاهده کرد. در ایران این روحانیت است که همه‌ی گروه‌های اجتماعی را از حیث بدنامی پشت سر گذاشته است. در یک دوره مهران مدیری می‌خواست پزشکان را در قالب طنز به عنوان منفورترین قشر اجتماعی بجای روحانیت جا بیندازد اما موفق نشد.

۲. در لطیفه‌هایی که در میان مردم رد و بدل می‌شود نیز روحانیون شیعه منفی‌ترین و در عین حال کودن و ابله‌ترین نقش‌ها را از آن خود ساخته‌اند. این لطیفه‌سازی‌ها از همان آغاز جمهوری اسلامی آغاز شد (لطیفه‌های مربوط به منتظری

اجتماعی ایران عرضه نشده (ممکن است توسط سپاه و «بیت» چنین تحقیقاتی انجام شده باشد اما نتایج آنها منتشر نمی‌شود) اما با قاطعیت می‌توان گفت که در حال حاضر روحانیت شیعه منفورترین قشر اجتماعی در ایران است. برای این ادعا به چند واقعت اشاره می‌کنم:
۱. جعفر شجونی رئیس جامعه وعاظ تهران می‌گوید: «امروز در کوچه و خیابان مدام به روحانیت فحش و ناسزا می‌دهند» (۲۴ دی ۱۳۹۰). شجونی آخوندی رک‌گو بود اما آنها که تا این حد رک‌گو نیستند همین مطلب را به شکلی دیگر بیان کرده‌اند. محسن قرائتی رئیس ستاد اقامه نماز کشور می‌گوید: «بسیاری از افراد نسل جدید دیگر آنگونه که باید علاقه‌ای به ما ندارند» (انتخاب ۲۵ آذر

● روحانیت شیعه به کیمیاگر وارونه معروف شده است: کیمیاگری که زر را به زباله تبدیل می‌کند.

● «امروز در کوچه و خیابان مدام به روحانیت فحش و ناسزا می‌دهند.»

● غیر از روحانیت، برای هیچ قشر اجتماعی در ایران لطیفه‌های انتقادی و منکوب‌کننده تا این حد ساخته نشده است.

● حجم فیلم‌هایی که در دنیای مجازی از سخنان و رفتارهای روحانیون شیعه منتشر می‌شود و آنها نادانی و عقب‌ماندگی خود را اثبات می‌کنند با هیچ قشری قابل مقایسه نیست.

● آیا حتی یک روحانی اعلام کرده است که بیمه‌ی مجانی روحانیون یا حقوق ماهانه برای اقامه‌ی نماز در مراکز دولتی (حداقل امتیازات آنها) را رد کرده است؟

مجید محمدی - در یک سال و اندی که در مرکز تحقیقات استراتژیک در ایران مشغول به کار بودم (تنها شغل دولتی من در ایران که به اخراجم انجامید) یک پروژه‌ی کلان در مورد رفتارشناسی قشرهای اجتماعی در ایران تحت نظر من بود و پروژه‌ی رفتارشناسی دانشجویان را نیز خودم انجام می‌دادم. در این پروژه قرار بود رفتارشناسی کارگران، دانشگاهیان، بازاریان، نظامیان، کشاورزان، روحانیت، دیوانسالاران، معلمان و... مورد تحقیق واقع شود (انجام چنین پروژه‌ی بدون رهیافت امنیت‌محور و باروش‌های علمی هنوز یکی از فعالیت‌های تحقیقاتی بر زمین مانده در ایران است). این پروژه به دلیل تحولات در مرکز متوقف شد. آنچه در اوایل دهه‌ی هفتاد خورشیدی از گزارش‌های مقدماتی محققان بر می‌آمد این بود که روحانیت شیعه در حال از دست دادن اعتماد و اعتبار اجتماعی است و قشرهایی مثل معلمان و کارگران در حال کسب اعتماد و اعتبار بیشتر هستند. در اواخر دهه‌ی هفتاد چندین نظرسنجی در مؤسسات تازه‌تاسیس در دوران خاتمی انجام شد. در یکی از این نظرسنجی‌ها علی خامنه‌ای با سه درصد محبوبیت در پایین فهرست محبوب‌ها و خوانندگان (شجریان) و ورزشکاران در بالای فهرست قرار داشتند. این نظرسنجی‌ها نشان می‌داد که روند اعتمادزایی از روحانیت همچنان ادامه دارد.

در دهه‌های هشتاد و نود خورشیدی با افزایش فساد کاست حکومتی (به ویژه روحانیون از مراجع تا قضات و از اعضای مجلس تا ائمه جمعه) و تداوم سرکوب‌ها اعتمادزایی به تدریج به تنفر تبدیل شد. دیگر تنها مردم از روحانیت فاصله نمی‌گرفتند بلکه آنها را مسبب بدبختی و فلاکت خود، مشتی مزاحم زندگی روتین مردم، برخوردار از امتیازات ویژه و عامل تنش در روابط خارجی تلقی می‌کردند. این روند ادامه پیدا کرد تا در اواخر دهه‌ی نود شاهد قتل، کنک زدن و برخورد‌های هرروزه با روحانیون در ایران هستیم. روحانیت شیعه در عرض چهار دهه نگاه مثبت قشرهایی از جامعه و بخشی از روشنفکران را با قدرت و ثروت افسانه‌ای معاوضه کرد.
فاصله گرفتن، عدم‌علاقه یا نفرت؟
گرچه در سال‌های دهه‌ی نود تحقیقی در محبوبیت قشرهای



روحانیت شیعه در ایران از اوایل دهه هفتاد خورشیدی در حال از دست دادن اعتماد و اعتبار اجتماعی بود



روحانیت در ایران همه‌ی گروه‌های اجتماعی را از حیث بدنامی پشت سر گذاشته است

می‌شود اما مهمترین دلیل تنفر نسبت به این قشر کاریست که روحانیت شیعه با ایران در طی چهار دهه‌ی اخیر کرده است. روحانیت شیعه کشوری محترم و با عزت در سطح بین‌المللی، در حال توسعه، در حال بسط دانش نوین و همراه با تمدن امروز دنیا را به ویرانه‌ی منزوی در جامعه‌ی جهانی، بدنام به تروریسم و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، آلوده به فساد نهادینه، ناکارآمدی و اتلاف، آتش‌افروزی در منطقه، حامی یک‌از قصاب‌ترین سران کشورها (بشار اسد) و به ارمان آوردن گرسنگی و فقر برای مردمانش تبدیل کرده است. از همین جهت است که در لطیفه‌های عمومی روحانیت شیعه به «کیمیاگر وارونه» معروف شده است: کیمیاگری که زر را به زباله تبدیل می‌کند! در این دستاورد تاریخی تک تک

قبل از عزل از قائم مقامی رهبری و همچنین درباره محمدی کیلانی) اما در آن دوره مخاطبان آنها تا حد امروز گسترده نبودند. افرادی مثل احمد جنتی دبیر شورای نگهبان و حسنی امام جمعه‌ی سابق ارمیه به تنهایی دارای صدها لطیفه هستند که ده‌ها میلیون مخاطب داشته‌اند. برای هیچ قشر اجتماعی در ایران لطیفه‌های انتقادی و منکوب‌کننده تا این حد ساخته نشده است.

۴. حتی وبسایت‌های مذهبی گزارش‌هایی در مورد فاصله گرفتن مردم از روحانیون شیعه به دلایلی مثل فقدان حضور در جامعه، عدم شفاف‌سازی وضعیت اقتصادی روحانیون و همچنین عدم شفافیت در کارکردهای روحانیت منتشر کرده‌اند (شیعه نیوز ۲۲ مرداد ۱۳۹۷). آنها در چارچوب محدودیت‌های موجود تا